

تعریف و مشکلات پژوهش

توضیح آنچه از «نسخه خطی اسلامی» درک می‌شود کار آسانی نیست. صفت «اسلامی» به هیچ‌گونه ویژگی، مانند خط و یا زبان متن، که بتوان بی‌درنگ از نسخه خطی برداشت کرد اشارت ندارد، بلکه به یک مذهب و یا بهتر بگوییم به یک فرهنگ به مفهوم گسترده آن برمی‌گردد.^۱

فرانسوا دروش (François Déroche) پیش از این، به عدم امکان نسخه‌شناسی اسلامی برپایه تقسیم‌بندی زبانی تأکید کرده است: «اشکال آن به وجود آوردن نوعی جداسازی ساختگی در حوزه جغرافیایی تحت نفوذ اسلام است چراکه در آن، یک کاتب می‌توانست به استنساخ متون به زبان‌های مختلف بپردازد، در حالی فقط قرآن - وجه مشترک در بین تمام مسلمانان، هر چند به زبان اردو، سواحلی یا بوسنیایی حرف بزنند - به زبان عربی است.»^۲ سه زبان مهم فرهنگی در دنیای اسلامی: عربی، فارسی و ترکی، ناقل یک فضای فرهنگی و «متغیر»های یک زبان نوشتاری یگانه‌اند؛ و عرضه دست‌نوشته‌ها به این زبان‌ها به گونه‌ای مورد علاقه همین مناطق بوده است. تقسیم‌بندی برپایه زبان را شاید بتوان از دیدگاه گاه‌شماری مورد توجه قرار داد، زیرا نسخه‌های خطی به زبان عربی قدمت بیشتری دارند، در حالی که عرضه متون به زبان‌های دیگر دیرتر آغاز شده است.

خصوصیتی که به نظر می‌آید مبنای نظریه «نسخه خطی اسلامی» باشد، کاربرد خط عربی است، که - با سازش پذیری‌هایی چند

نسخه‌های خطی اسلامی: ویژگی‌های مادی و گونه‌شناختی

پائولا اورستی*

ترجمه شیرین بنی احمد (رشار)

چکیده: در پژوهش حاضر مؤلف پس از تبیین مبنای نظریه «نسخه خطی اسلامی» بر پایه کاربرد خط عربی، که در زبان‌های مختلف دنیای اسلام برای نسخه‌نویسی به کار رفته است، نسخه‌های خطی اسلامی را دارای خصوصیتی می‌داند که بیش از هر چیز بر مبنای یک فرهنگ کتابی مشترک در تمامی جهان اسلام استوار است. این خصوصیت بیش از همه بر پایه ارزش‌های مربوط به کتاب در اسلام، آشکار می‌گردد.

وی می‌کوشد از طریق نسخه‌شناسی تطبیقی، به برخی خصوصیات مشترک روش‌ها و کارمیه‌های به کار رفته در فرهنگ نسخه‌نویسی جهان اسلام دست یابد، و برای نیل به این مقصود، بیش از یکصد نسخه خطی اسلامی متعلق به کتابخانه‌پاپ‌ها در واتیکان و کتابخانه ملی فرانسه را مشتمل بر قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی عربی با منشأ اسپانیایی و شمال آفریقایی را مورد بررسی قرار داده است. این نمونه‌ها به قرآن‌های خطی و نسخه‌های غیرقرآنی، نوشته شده بر روی ورق پوستی و کاغذ تقسیم می‌شوند و به ترتیب تاریخ ذکر می‌گردند.

قرآن‌های خطی از نظر بوم خط، جزوبندی، سطراندازی، قطع و سطح نوشته، سطرهای متن، رقم جزوها و رکاب‌ها، و نسخه‌های خطی غیرقرآنی بر روی کاغذ با تقسیم‌بندی زمانی از نظر کاغذ، مرکب‌ها، روش‌ها و عادات نوشتاری بررسی گردیده‌اند. سپس نیز چند نسخه خطی فارسی نیز به ویژه از نظر رابطه متن با صفحه‌بندی و سطراندازی مورد تحلیل قرار گرفته است.

مؤلف در پایان به بررسی دو حوزه بزرگ و متمایز شرق و غرب در نسخه‌شناسی اسلامی و تفاوت‌های آنها از نظر روش و مواد به کار رفته در تولید کتاب می‌پردازد، و تماس نسخه‌شناسی اسلامی و عبری در غرب را محدود به منطقه تولد و اسپانیا می‌داند.

کلیدواژه: اسپانیا؛ جزوبندی؛ رقم؛ رکاب؛ سطح نوشته؛ سطراندازی؛ شمال آفریقا؛ صفحه‌آرایی؛ تولد؛ قرآن‌های خطی؛ کاغذ؛ کتابخانه ملی فرانسه؛ کتابخانه پاپ‌های واتیکان؛ مرکب؛ نسخه‌شناسی اسلامی؛ نسخه‌شناسی تطبیقی؛ نسخه‌شناسی عبری؛ نسخه‌نویسی؛ نسخه خطی فارسی؛ ورق پوستی.

* پژوهشگر نسخه‌های خطی اسلامی؛ استادیار دانشگاه رم.

✓ نامه بهارستان: از دکتر پائولا اورستی که اجازه ترجمه و چاپ مقاله خود را به ما دادند و نیز از آقای منصور فرهیور که متن ترجمه را با همکاری و صلاح‌دید مؤلف مورد بازبینی و اصلاح قرار دادند، سپاسگزاریم.

✓ مشخصات اصل مقاله چنین است:

Paola Orsatti, "Le manuscrit islamique: Caractéristiques matérielles et typologie", dans *Ancient and Medieval Book Materials and Techniques*, éd. par Marilena Maniati-Paola F. Munafò (Città del Vaticano: Biblioteca Apostolica Vaticana, 1993), II: 269-331.

¹ Cf. G. Levi Della Vida, *Elenco dei manoscritti arabi islamici della Biblioteca Vaticana. Vaticani, Barberiniani, Borgiaiani, Rossiani*, (Città del Vaticano, 1935) (*Studi e testi*, 67), p. X.

² F. Déroche - F. Richard, *Du parchemin au papier. Remarques sur quelques manuscrits du Proche-Orient*. Table ronde sur la "Codicologie comparée", (Paris: École Normale Supérieure, décembre 1990).

[نک: پانوش ۱۶، همین مقاله]



برای نوشتن زبان‌های مختلف دنیای اسلامی استفاده شده است. در واقع، خط عربی از دیدگاه مذهبی بسیار شاخص است و عامل تشکیل دهنده وحدت میان اقوام مختلفی است که به اسلام گرویده‌اند. با توجه به این نکته، به نظر می‌رسد که اشتباه نباشد اگر دستنویس‌ها به خط عربی را، به هر زبانی که باشند، در حوزه نسخه‌شناسی اسلامی قرار دهیم. با این حال، استثنای مهمی وجود دارند که بایست به تک‌تک آنها توجه شود. برای مثال، نسخه‌های خطی به زبان و خط عربی، با محتوای مسیحی، با اینکه ماده‌ای مهم برای تطبیق هستند، کاملاً در محدوده نسخه‌شناسی اسلامی قرار نمی‌گیرند. آ. مای (A. Mai) نه تنها نسخه‌های خطی با محتوای مسیحی، بلکه آن دسته از نسخه‌های خطی را نیز که کاتبان مسیحی نسخه‌برداری کرده‌اند در این گروه می‌گنجانند.³ در واقع، همان‌گونه که متون نسخه‌برداری شده و انتشار یافته در جوامع مسیحی متفاوت بوده‌اند، سنت‌ها و راه و رسمی که کاتبان مسیحی برای تهیه یک نسخه خطی از آن پیروی می‌کرده‌اند نیز از کاتبان مسلمان متمایز بوده است. در مقابل، دسته‌ای از نسخه‌های خطی به خط غیر عربی وجود دارند که – از نظر متونی که نسخه‌برداری شده‌اند و از جنبه ظاهری – در محدوده نسخه‌شناسی اسلامی می‌گنجد: مانند نسخه‌های خطی ترکی با منشأ آسیای میانه به خط اویغوری ولی با محتوای اسلامی که از آن جمله می‌توان نسخه خطی Suppl. turc 190 متعلق به کتابخانه ملی فرانسه را مثال آورد. ضرورت دستیابی به یک نسخه‌شناسی تطبیقی که بتواند صورتی نسبتاً کامل از ابزار، کارمایه‌ها و فنون به‌کاررفته در هر منطقه و در هر دوره را به دست دهد و دربرگیرنده مجموعه حوزه‌های زبانی و فرهنگی باشد بیش از پیش احساس می‌شود. چنین گرایشی، به ویژه پس از تأسیس نشریه *Manuscripts of the Middle East* (Leiden, 1986)، حتی در مطالعات نسخه‌شناسی اسلامی نیز راه یافته است. این نشریه که ی. ویتکام (J. J. Witkam) آن را اداره می‌کند*،

نه تنها نسخه‌های خطی اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد، بلکه به فرهنگ نسخه‌نویسی اقلیت‌های زبانی و مذهبی خاورمیانه نیز می‌پردازد. با این همه، می‌توان اذعان کرد که در نسخه‌های خطی اسلامی هویتی وجود دارد که بیش از هر چیز بر مبنای یک فرهنگ کتابی مشترک در تمامی جهان اسلام استوار است. این هویت هنگامی آشکار می‌گردد که ارزش‌های مربوط به کتاب در اسلام، و بیش از همه قرآن، و همچنین ضوابط انتقال متون⁴ و ارزشی را که در این تمدن برای کارکاتب قائل اند⁵ در نظر بگیریم. به علاوه می‌توان یک خصوصیت واحد در فنون و حتی در کارمایه‌های به‌کاررفته در فرهنگ نسخه‌نویسی جهان اسلامی باز شناخت، و به نظر می‌رسد که این فرهنگ در هر جا که ظهور کرده، نشان دهنده جنبه‌های مشترک زیادی می‌باشد. در میان عوامل بازدارنده گسترش نسخه‌شناسی اسلامی، پراکندگی میراث نسخه خطی در یک حوزه جغرافیایی بسیار وسیع است که نتیجه گسترش حوزه تولید نسخه خطی اسلامی می‌باشد. بر این مطلب می‌بایست تأسیس نهادهای نسخه‌های خطی اسلامی را در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی اضافه کرد.⁶ متأسفانه، بسیاری از این نسخه‌های خطی نه فهرست شده‌اند و نه حتی سرشماری. به همین دلیل در مورد شمار نسخه‌های خطی اسلامی در دنیا تنها می‌توان به فرضیات بسنده کرد. به نظر ویتکام، رقم سه میلیون – که عموماً برای نسخه‌های خطی به زبان عربی قائل‌اند – کمتر از واقعیت است.⁷ رقم دویست هزار مجلد برای نسخه‌های خطی به زبان فارسی نیز بسیار پایین است.⁸ در سال ۱۹۸۸ بنیاد میراث اسلامی، الفرقان (Al-Furqan, Islamic Heritage Foundation) در لندن برای نخستین بار شمارش نسخه‌های خطی اسلامی متعلق به کتابخانه‌ها و نهادهای عمومی و خصوصی را در سطح جهانی آغاز کرد و به تهیه یک کتاب‌شناسی از کلیه فهرست‌های چاپ شده و چاپ نشده پرداخت. نتایج این بررسی بزودی منتشر خواهد شد. جلد اول این مجموعه که حاوی اطلاعات

³ A. Mai, *Scriptorum veterum nova collectio e Vaticanis codicibus edita. IV: Codices Arabici vel a Christianis scripti vel ad religionem Christianam spectantes* (Roma, 1831), pp. 1–335.

* نامه بهارستان: تاکنون از این نشریه شش شماره، و آخرین آن در سال ۱۹۹۲ منتشر شده است.

⁴ Cf. I. Goldziher – S. A. Bonebakker, dans *Encyclopédie de l'Islam*, III: 1046–1047, s.v. *idjâza*, et J. Pedersen, *The Arabic Book* (trad. par F. French), (Princeton: New Jersey, 1984) (*Modern Classic in Near Eastern Studies*), pp. 24–36.

⁵ A. M. Piemontese, *Motti tradizionali di copisti persiani* "Scrittura e civiltà", 9 (1985), pp. 217–237.

⁶ A. M. Piemontese, *Islamic manuscripts in the West*, in *The Significance of Islamic Manuscripts*, Proceedings of the Inaugural conference Al-Furqan Islamic Heritage Foundation, (30th November–1st December 1991), Jobu Cooper ed. (London, 1992), pp. 45–54.

⁷ J. J. Witkam, *Aims and Methods of Cataloguing Manuscripts of the Middle East*, dans *Les manuscrits du Moyen-Orient. Essais de codicologie et de paléographie*. Actes du colloque d'Istanbul (Istanbul, 26–29 mai 1986), éd. par F. Déroche, (Istanbul–Paris, 1989) (*Varia Turcica*, 8), pp. 1–5.

⁸ O. F. Akimuškin, *Persidskaia rukopisnaia kniga* [Le livre manuscrit persan], dans *Rukopisnaia kniga v kulture narodov Vostoka*, I. (Moskva, 1987) (*Kultura Narodov Vostoka, Materiali i Issledovania*), pp. 330–406: 359–360.



میراث کتاب‌ها وجود داشته است.^{۱۲} آگمان می‌رود که این گونه مراکز برای تولید دستنویس‌ها از روش‌های مشترکی پیروی می‌کردند. نسخه‌شناسی اسلامی هنوز می‌بایست مشکلات بسیاری را حل کند که آخرین، و نه کم‌اهمیت‌ترین آنها، مشکل عقب‌ماندگی کهن خط‌شناسی، یعنی علمی موازی با نسخه‌شناسی است.^{۱۳} برای برگزاری نشست‌ها و دیدارها در باره کتاب و نسخه‌شناسی، اخیراً ابتکار جدیدی صورت گرفته است که بسیار نویدبخش به نظر می‌آید و آن تشکیل کاربرگه‌هایی است که در بگیرنده اطلاعاتی درباره نسخه‌های خطی تاریخ‌دار، پیش از سال ۹۰۰ق/۱۵۰۰م، به خط عربی و در عین حال با نگاهی به دیگر سنت‌های دستنویسی خاورمیانه است. هر برگه می‌بایست شامل توصیفی دقیق از نسخه خطی به همراه نمونه‌ای از یک صفحه و انجامه آن باشد. این ابتکاری است که تمامی پژوهشگران علاقه‌مند می‌توانند در آن شرکت کنند و وابسته است به بنیاد *Nouvelles des Manuscrits du Moyen Orient* که فرانسوا دروش آن را اداره می‌کند.

پژوهشی که ارائه خواهیم داد، در کتابخانه واتیکان و بخشی از آن در کتابخانه ملی فرانسه انجام پذیرفته است. این پژوهش شامل یک سلسله گمانه‌زنی درباره گروه‌های نسخه خطی است که از آن جمله‌اند: نسخه‌های خطی با منشأ اسپانیایی و شمال آفریقایی موجود در کتابخانه واتیکان؛ قدیمی‌ترین نسخ خطی عربی تاریخ‌دار و نوشته شده بر روی کاغذ، محفوظ در کتابخانه واتیکان؛ و سرانجام، چند نسخه خطی فارسی که به ویژه از نظر رابطه متن با صفحه‌بندی و سطراندازی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. هدف از این انتخاب، ارائه گسترده‌ترین چشم‌انداز ممکن، که البته کامل نیست، از فنون مختلف به‌کار رفته برای تدوین نسخه‌های خطی در دنیای اسلامی است. داده‌های گردآوری شده با تکیه بر شناخت و مطالعات منتشر شده، تحلیل، و با داده‌های شناخته شده از طریق فهرست‌ها مقایسه شده‌اند. به ویژه مطالعات فرانسوا دروش بر روی قدیمی‌ترین پاره نسخه‌های قرآنی محفوظ در کتابخانه ملی فرانسه^{۱۴}،

و نیز کتابشناسی مجموعه‌های چند کشور (اتریش، برونی، کامرون، کانادا، چک، اسلواکی، مراکش، نیجریه، لهستان، قطر و واتیکان) است، به مناسبت کنفرانس افتتاحیه‌ای که در ماه‌های نوامبر و دسامبر ۱۹۹۱ در لندن برگزار شد، انتشار یافت.^{*} مشکل دیگر نسخه‌شناسی اسلامی گستردگی گاه‌شماری تولید نسخه‌های خطی است. به دلایل فرهنگی (ارزش معنوی خط) و اقتصادی (مخالفت خوشنویسان و کاتبان حرفه‌ای)، استفاده از صنعت چاپ در کشورهای اسلامی بسیار دیر صورت گرفت و سنت نسخه‌نویسی متون تا اواخر سده گذشته و آغاز سده فعلی ادامه پیدا کرد.

یکی از جنبه‌های مشخصه تولید نسخه خطی در قلمرو اسلامی، دشواری بازشناسی مکتب‌ها و نوشتارخانه‌ها است. همان‌گونه که در حوزه نسخه‌شناسی عبری دیده می‌شود^{۱۵}، تولید و نسخه‌برداری از کتاب در اسلام مختص طبقه‌ای خاص، یعنی خوشنویسان و کاتبان حرفه‌ای نبوده است. هر دانشمند و یادانشجویی می‌توانسته است از یک متن برای استفاده شخصی نسخه‌برداری کند. در کتابخانه‌های عمومی، کاغذ و قلم و مرکب را به همین منظور به رایگان در اختیار می‌گذاشته‌اند.^{۱۶} به علاوه، از آنجاکه نسخه‌برداری از کتاب‌ها از ارزش مذهبی برخوردار بود و عملی با ثواب تلقی می‌شد هر کسی می‌توانست این کار را به مناسبت‌های گوناگون، مثلاً تولد یک فرزند، انجام بدهد. در کنار این «کثرت» مناسبت‌ها و رواج نسخه‌نویسی از کتاب‌ها، چنان‌که دروش پیش از این نیز به آن اشاره کرده است، می‌بایست نقل مکان بسیار کاتبان حرفه‌ای را نیز در نظر داشت.^{۱۷} در واقع این کاتبان، که غالباً جذب شکوفایی در بارها و مراکز فرهنگی می‌شدند، برای رفتن از محلی به محل دیگر تردید نمی‌کردند. در دنیای اسلامی فقط در مواردی خاص می‌توان از «نوشتارخانه» سخن گفت: مثلاً زمانی که بتوان تولید یک مرکز نسخه‌برداری وابسته به یک کتابخانه را شناسایی کرد. در واقع، ما می‌دانیم که از زمان ایجاد و توسعه قدیمی‌ترین کتابخانه عمومی در دنیای اسلامی، حضور و فعالیت کاتبان برای افزایش

* نامه بهارستان: این مجموعه در چهار مجلد و به دوزبان عربی و انگلیسی با مشخصات زیر منتشر شده است: المخطوطات الإسلامية فی العالم، ترجمه و تحقیق عبدالستار الخلوچی.

لندن، ۱۴۱۷-۱۹۹۷/۱۴۲۳-۲۰۰۲، ج. ۴. *Word Survey of Islamic Manuscripts*, ed. by Geoffrey Roper. London, 1992-1994, 4 vols.

9 M. Beit-Arié, *Hebrew Codicology. Tentative Typology of Technical practices Employed in Hebrew Dated Medieval Manuscripts* (Paris, 1976), p. 11.

10 Cf. Y. Eche, *Les bibliothèques arabes publiques et semi-publiques en Mésopotamie, en Syrie et en Egypte au Moyen-âge*, Damas 1967.

11 Déroche - Richard, *Du parchemin au papier* (texte dactylographié).

12 Cf. Eche, *Les bibliothèques arabes*, pp. 18-19, 144 et passim.

13 Cf. P. Orsatti, *Gli studi di paleografia araba oggi: problemi e metodi* "Scrittura e civiltà", 14 (1990), pp. 281-331.

14 Bibliothèque Nationale, Département des manuscrits, *Catalogue des manuscrits arabes. Deuxième partie: Manuscrits musulmans*, I, 1: *Les manuscrits du Coran. Aux origines de la calligraphie coranique*, éd. par F. Déroche, (Paris, 1983).

و باید از مدیر کتابخانه واتیکان، پدر روحانی آقای لئونارد بویل (Mgr. Paul Canart) و عالی جناب پل کانار (P. Leonard Boyle) و از تمامی کارکنان این کتابخانه، که ایجاد محیطی علمی و فضایی بسیار مناسب را برای پژوهش تضمین کردند، به طور ویژه‌ای سپاسگزاری نمایم. و برای آنچه که به بخش اقتصادی این تحقیق مربوط می‌شود از «انستیتو شرق‌شناسی دانشگاه [ناپل]» (Istituto Universitario Orientale) که با کمک مالی خود اقامت مرا در پاریس ممکن ساخت سپاسگزارم.

با توجه به تعداد محدود نسخه‌های خطی که بررسی کرده‌ام (در مجموع چیزی بیش از یکصد نسخه)، پژوهش حاضر، تنها، شرحی از نسخه‌های خطی را ارائه می‌دهد و به مطالعه گروه‌های همگون و نمونه نمی‌پردازد، به همین دلیل می‌بایست در این مرحله، از نتیجه‌گیریهای کلی خودداری کرد و همه نتایج به دست آمده را در پژوهش‌های آینده دقیقاً مورد بازبینی قرار داد.

کتاب در اسلام

در هیچ یک از ادیان دیگر، کتاب از اهمیتی که در اسلام دارد برخوردار نبوده است. قرآن، برجسته‌ترین کتاب‌ها، کلمه به کلمه، کلام خداوند است که جبرئیل به مرور بر محمد [ص]، که بنابر روایات اسلامی بی‌سواد [أمی] بوده است، نازل کرده و او، آن را در قالب نثری فاخر، موزون و مسجع تکرار نموده است. از همین امر، معنی واژه «قرآن» که بیشتر قبول عام یافته است، مشتق می‌شود: قرآن به معنای «ازبر خوانی» از ریشه عربی «قرأ» که به معنای «ازبر خواندن» است و از واژه سریانی «قریانا» به معنای «خواندن متون مذهبی به صدای بلند» تأثیر گرفته است. «کتاب نازل شده»، نشانی از نمونه‌های آسمانی، ازلی و ابدی است و به نظر می‌رسد توصیف قرآن به عنوان «أم‌الکتاب» از همین جا باشد.^{۱۷} همچنین وجود ازلی (ab aeterno) یک نوشته مذهبی در نزد خداوند، در جای دیگری از قرآن بیان گردیده است:^{۱۸} «اللوح المحفوظ» یعنی «نوشته‌ای که محافظت شده است»، و به عقیده برخی از مفسران، تمام کارهای افراد بشر از آغاز خلقت

و نیز فهرست نسخه‌های خطی قرآن متعلق به همان کتابخانه را مورد توجه قرار داده‌ایم.^{۱۵} فهرست مذکور نسخه‌های خطی را بر اساس محدوده‌های جغرافیایی بزرگ و بر اساس گاه‌شماری در درون هر محدوده تقسیم کرده است: غرب مسلمان؛ مصر و سوریه؛ ترکیه؛ ایران و عراق؛ هند و اندونزی. این فهرست برای پژوهش بسیار سودمند است، زیرا آگاهی‌های نسخه‌شناختی مختلفی را در اختیار می‌گذارد. در میان مجموعه‌های قطعات نسخه‌های خطی تاریخ‌دار، مجموعه‌ای رایت (Wright)^{۱۶} به طور ویژه‌ای مفید واقع شد، زیرا حاوی اطلاعاتی مربوط به ساخت مادی نسخه‌های خطی (جزوبندی و سطراندازی) می‌باشد. و بالاخره، از نتایج پژوهشی مهم که فرانسوا دروش و فرانسیس ریشارد (Francis Richard) به مناسبت برگزاری میزگرد نسخه‌شناسی تطبیقی، در دسامبر ۱۹۹۰ در دانشسرای عالی پاریس ارائه کردند بهره برده‌ایم. این پژوهش با عنوان:

«Du parchemin au papier. Remarques sur quelques manuscrits du Proche - Orient»

هنوز به چاپ نرسیده است*، ولی نگارندگان با لطف فراوان یک نسخه‌تایپ شده از متن را در اختیار من قرار دادند، که در اینجا از ایشان سپاسگزاری می‌کنم؛ و نیز به این خاطر که در مدت اقامت من در پاریس در اکتبر ۱۹۹۰، آقای ریشارد از در اختیار گذاشتن دانش بسیار خود در مورد نسخه‌های خطی فارسی دریغ نکردند و آقای دروش با حوصله متن تایپ شده مقاله حاضر را خوانند و اطلاعات بسیار مفیدی در اختیار من قرار دادند، از ایشان کمال تشکر را دارم. در ضمن مایلم از آقای مارکو پالما (Marco Palma) که علاقه خود را به نسخه‌شناسی با من در میان گذاشتند و کار پایان‌نامه دکتری مرا در «مدرسه عالی آرشیو و کتابداری» (Scuola Speciale per Archivisti e Bibliotecari) در رم، دنبال کردند تشکر کنم؛ از آقای ریگاردو کونتینی (Riccardo Contini) به خاطر کمک‌های ارزشمند ایشان در زمینه کتاب در اتیوپی؛ و از خانم سردا کانتار جوغلو (Serda Kantarcio ğlu) که اسلایدهایی از چند مسطر محفوظ در موزه توپقاپی سرای در استانبول را برای من فرستادند سپاسگزارم.

^{۱۵} Bibliothèque Nationale, Département des manuscrits, *Catalogue des manuscrits arabes. Deuxième partie: Manuscrits musulmans*, I, 2: *Les manuscrits du Coran. Du Maghreb à l'Insulinde*, éd. par F. Déroche (Paris, 1985).

^{۱۶} The Palaeographical Society, *Facsimiles of Manuscripts and Inscriptions (Oriental series)*, éd. par W. Wright, London 1875-1883.

* نامه بهارستان: این مجموعه را انتشارات دانشسرای عالی پاریس در سال ۱۹۹۸ به چاپ رساند و ترجمه فارسی آن مقاله در نامه بهارستان منتشر شده است. نک: فرانسوا دروش و فرانسیس ریشارد، «از پوست تا کاغذ: نکاتی در مورد چند نسخه خطی در خاورمیانه»، ترجمه جمیله دبیری. نامه بهارستان، س ۱، ش ۲ (پاییز - زمستان ۱۳۷۹)، دفتر ۲: ۳۷-۴۶.

^{۱۷} قرآن، رعد، ۳۹؛ نجم، ۴.

^{۱۸} قرآن، بروج، ۲۲.



شکل کتاب را مربوط به نفوذ سنت نسخه‌نویسی حبشی می‌داند. در واقع واژه «مصحف» که به نظر می‌رسد از همان آغاز در منابع عربی به «کتاب» گفته می‌شده است، ریشه حبشی دارد. این واژه در زبان عربی به کتابی مشتمل بر دسته‌برگ‌هایی که میان دو لوح گذاشته شده، و یا به قرآن اطلاق می‌گردد. تلفظ «مصحف» و «مصحف» نیز دیده شده است، اما آنها را مربوط به اختلاف لهجه دانسته‌اند.^{۲۴} از سوی دیگر، در زبان حبشی شکل اصلی تلفظ آن که «مصحف» است به طور عام به معنی «نوشته، سند مکتوب، کتاب، نامه، جدول، کتیبه» می‌باشد و «صحف» به معنی «نوشتن و حک کردن» است.^{۲۵} بنا بر این فقط در زبان عربی است که این واژه بر «کتاب» دلالت می‌کند. در کنار نظریه منشأ حبشی کتاب، نظریه دیگری هست که منشأ شکل کتاب را به مصر مربوط می‌کند.^{۲۶} در واقع واژه دفتر که اصطلاح دیگری به معنای جزو، کتاب یا بخشی از کتاب است از واژه یونانی «Diphthera» به معنی پوست، گرفته شده است. در این مورد نیز، واژه یونانی همچنانکه در زبان‌های دیگر سامی نیز آمده، در زبان عربی تغییر معنی داده است. در این باره کولت سیرا (Colette Sirat) می‌نویسد: «در حقیقت این طور به نظر می‌آید که واژه یونانی «Diphthera» در زبان‌های سامی همان تحولی را پیدا کرده که واژه Membrana (پوست) در زبان لاتین برای نامیدن Codex».^{۲۷} واژه دیگری که از زبان سریانی مشتق شده و در زبان عربی برای نامیدن یک جزو یا برگه از یک کتاب به کار می‌رود «کُراس» یا «کُراسه» است. این واژه گرفتن‌ها از زبان‌های حبشی، یونانی و سریانی گواهی است بر تعدد فرهنگ‌های نسخه‌نویسی که اسلام با آنها ارتباط برقرار کرده است.^{۲۸} از سوی دیگر، از کاربرد واژه «سِفر» (در زبان عبری سِفر / Sefer)

در آن ثبت شده است. این عقیده، که احتمالاً منشأ بابلی دارد، در تمدن خاورمیانه بسیار رایج بوده است و همچنین در بخش‌های متعددی از تورات نیز دیده می‌شود.^{۱۹} شکل‌گیری متن قرآن از طریق روایات سنتی و تا حدودی ضد و نقیض به ما رسیده است.^{۲۰} [حضرت] محمد [ص] آیات وحی را برای مؤمنان اولیه تکرار می‌کرده و آنها این آیات را در حافظه خود ضبط و به طور شفاهی نقل می‌کرده‌اند. تعدادی از این آیات – به خصوص آنهایی که حاوی احکام شرعی بوده‌اند – در زمان حیات پیامبر به صورت نوشته درآمده و بر روی الواح و مواد از بین رفتنی مانند: استخوان حیوانات، برگ درخت خرما و سنگ نگاشته شده بودند. اما تنها پس از وفات محمد [ص] بوده است که صحابه پیامبر به جمع‌آوری متن کامل قرآن به صورت نوشته توجه پیدا کرده بودند. این کار جنبه ابتکار شخصی داشته و فارغ از مسائل رسمی بوده است. در زمان عثمان خلیفه سوم (۲۴ – ۳۶ ق/ ۶۴۴ – ۶۵۶ م) بود که برای نخستین بار اقدام به ثبت رسمی متن قرآن کردند تا یک متن پذیرفته شده مشخص، که در سرتاسر امپراتوری معتبر باشد، فراهم آورند. بعداً، در سده ۴ ق/ ۱۰ م، از طریق تثبیت قرائت‌هایی که به عنوان متن تشریحی پذیرفته شده بود، متن آوایی نهایی قرآن را تنسیق کردند.

بر طبق روایات، نخستین کسی که تمامی قرآن را به شکل یک کتاب در آورد و نام «مصحف» بر آن گذاشت، سالم بن معقل بود که یک سال پس از پیامبر، در سال ۱۲ ق/ ۶۳۳ م، درگذشت.^{۲۱} اگرچه این روایت تا حدودی مورد خردگیری واقع شده است،^{۲۲} این امکان وجود دارد که شکل کتاب (codex) – که در آن زمان در خاورمیانه کاملاً رایج بوده – از همان ابتدا برای متن قرآن مورد استفاده قرار گرفته باشد. نظریه‌ای^{۲۳} نیز، انتخاب

¹⁹ Cf. Pedersen, *The Arabic Book*, p. 13; A. Jeffery, *The Qur'ân as Scripture*, "The Muslim World", 40 (1950), pp. 41–55 et 106–134: 47–55.

²⁰ Cf. Th. Nöldeke, *Geschichte des Qorâns*. Zweite Auflage bearbeitet von F. Schwally. II: *Die Sammlung des Qorâns, mit einem literarhistorischen Anhang über die muhammedanischen Quellen und die neuere christliche forschung*, (Leipzig, 1919); A. Jeffery, *Materials for the History of the Text of the Qur'ân. The Old Codices*, (Leiden 1937) (*De Goeje Fund*, 11), pp. 4–9; R. Blachère, *Introduction au Corân*. 2e édition partiellement refondue, (Paris, 1959), pp. 12–62; A.T. Welch, dans *Encyclopédie de l'Islam*, V, pp. 401–431, s.v. al-Kur'ân.

²¹ Cf. A. Grohmann – Th.W. Arnold, *Denkmäler islamischer Buchkunst*, (Leipzig–Firenze, 1929), p. 35.

²² Cf. Blachère, *Introduction au Coran*, p. 36.

²³ Accueillie par Grohmann, cf. Grohmann – Arnold, *Denkmäler islamischer Buchkunst*, p. 35.

²⁴ Cf. E. W. Lane, *An Arabic-English Lexicon*, I/4, (London–Edinburgh, 1872), pp. 1654–1655.

²⁵ Cf. W. Leslau, *Comparative Dictionary of Ge'ez*, (Wiesbaden, 1987), p. 552.

²⁶ Cf. G. Endress, *Handschriftenkunde*, dans *Grundriss der arabischen Philologie*, I: *Sprachwissenschaft*, éd. par W. Fischer, (Wiesbaden, 1982), pp. 271–314: 277.

²⁷ C. Sirat, *Le livre hébreu dans les premiers siècles de notre ère: le témoignage des textes*, dans *Les débuts du codex*, éd. par A. Blanchard, (Turnhout, 1989) (*Bibliologia*, 9), pp. 115–124: 122.

²⁸ G. Bosch – J. Carswell – G. Petherbridge, *Islamic Bindings and Bookmaking. A Catalogue of the Exhibition. The Oriental Institute*, The University of Chicago, May 18–August 18, (Chicago, 1981), pp. 23–84: 24.



برای نامیدن قرآن به شکل کتاب احترام شده، زیرا این کلمه بسیار شبیه به واژه عبری منطبق با آن بوده است.^{۲۹} اما این نیز شاید بدان جهت باشد که در زبان عبری واژه *سِفِر* – در تورات و در روایات سده‌های اولیه عصر ما – بر تورات نوشته شده بر روی طومار دلالت می‌کند.^{۳۰}

برای ما دشوار است که با وجود ابهام در اصطلاحات به کار رفته در منابع مربوط به این موضوع، از شکل‌های دیگر کتاب حرف بزینیم. واژه «صحیفه» (جمع آن *صُحُف* از ریشه *صَحَفَ*) که در زبان حبشی دیده نشده و مأخذ عربی دارد، معمولاً به «صفحه» ترجمه شده است. با این حال، ن. آبت (N. Abbott) با مثال‌هایی که از منابع مختلف استخراج کرده، نشان داده است که حتی در نیمه دوم سده ۱-۲ ق/۷-۸ م این واژه، احتمالاً برای نوشتن به شکل طومار، به کار می‌رفته است.^{۳۱} در قرآن، واژه «صُحُف» اشاره به کتاب‌هایی دارد مشتمل بر وحی‌هایی که به موسی [ع] و ابراهیم [ع] نازل شده است.^{۳۲}

اطلاعاتی که در منابع مربوط، در مورد استفاده از طومار برای کارهای اداری در دوره‌های قدیم‌تر، آمده‌اند نیز بسیار مبهم‌اند. بر اساس روایات، بایگانی‌های اداری تا نیمه سده ۲ ق/۸ م بر روی «صُحُف» (طومارها، برگ‌های لوله شده) نگهداری می‌شده‌اند؛ از دوران سَفَّاح (حك: ۱۳۲-۱۳۷ ق/۷۴۹-۷۵۴ م)، اولین خلیفه عباسی، بود که شکل کتاب یا دفتر در کارهای اداری مورد استفاده قرار گرفت.^{۳۳} اما همان‌گونه که دروش خاطر نشان کرده است^{۳۴}، از شکل کتاب – دست کم در مصر – از همان اولین سال‌های پیروزی اعراب، برای مقاصد اداری استفاده می‌شده که ادامه سنت بیزانس بوده است.^{۳۵}

امروزه قرآن‌هایی نوشته شده بر روی طومار، که برخی از آنها کاملاً قدیمی هستند، به دست ما رسیده و تعدادی از آنها را که در استانبول نگهداری می‌شوند اُری (S. Ory) مورد بررسی قرار داده است: یعنی چهل و چهار طومار که

سی و چهار فقره از آنها از ورق پوستی و ده فقره از کاغذند.^{۳۶} در سنت نسخه‌نویسی اسلامی، استفاده از شکل طومار تا زمان‌های اخیر منحصراً برای استنساخ تعداد محدودی متون جادویی – مذهبی یا آموزشی متداول بوده است: مانند نسخه‌برداری از قرآن، که غالباً با استفاده از ریزنویسی انجام می‌گرفته است.^{۳۷} نسخه‌برداری از دعاها و تهیه طلسم‌ها و تعویذها، و نسخه‌برداری از برخی متونی که جنبه آموزشی داشته‌اند. این حوزه کاربرد طومار – به جز نسخه‌برداری از قرآن – با کاربرد طومار در سنت نسخه‌نویسی حبشی مطابقت دارد.^{۳۸}

نسخه‌های خطی (arabe 6088) و (arabe 511) در کتابخانه ملی فرانسه^{۳۹}، و نسخه خطی (Vat. arabe 882) متعلق به کتابخانه واتیکان^{۴۰} که همگی بر روی کاغذند، نشان‌دهنده استفاده از طومار برای استنساخ از قرآن است. اولی طومار بزرگی (۹۱۲۰ × ۱۰۳ م) است که احتمالاً منشأ مصری دارد و تاریخ آن شاید در حدود ۸۰۳ ق/۱۴۰۰ م باشد. متن قرآن به شکل طرح‌های هندسی (شمسه‌ها، لوزی‌ها، اشکال هندسی) نوشته شده است که با اطراف طرح‌ها را شکل داده و با درون آنها را. طومار دوم با ابعاد ۶۱ × ۳۶۸ م دارای منشأ ترک است و احتمالاً متعلق به سده ۱۱ ق/۱۷ م است. متن قرآن با خطی بسیار ریز، به تناوب بر روی نوارهای مستطیل شکل و در درون کتیبه‌ای بزرگ‌تر که «آیه الکرسی» را دربر گرفته، نگاشته شده است.^{۴۱} «آیه الکرسی» آیه‌ای از قرآن است که غالباً به عنوان دعا خوانده می‌شود و به عنوان تعویذ حمل می‌گردد.

طومار کتابخانه واتیکان متعلق به سده ۱۲ ق/۱۸ م، و از هند به دست آمده است. ابعاد آن ۷۸ × ۵۳۴ م است. متن قرآن با حروف بسیار ریز، در داخل حروف و نشانه‌های اعراب و درست خوانی که کتیبه‌های حاوی مدح محمد [ص]، فاطمه [س] و دوازده امام شیعیان را تشکیل می‌دهند، نوشته شده است.*

تا

²⁹ Cf. la tradition citée par A. Gacek, *A Collection of Qur'anic Codices*, "Fontanus", 4 (1991), pp. 35-53: 35.

³⁰ Cf. Sirat, *Le livre hébreu*, p. 116.

³¹ Cf. N. Abbott, *Studies in Arabic Literary Papyri. I. Historical Texts*, (Chicago: Illinois, 1957) (*The University of Chicago Oriental Institute Publications*, 75), p. 22, et N. Abbott, *Studies in Arabic Literary Papyri. II. Qur'anic Commentary and Tradition*, (Chicago: Illinois, 1967) (*The University of Chicago Oriental Institute Publications*, 76), pp. 57-58.

³² Coran, LXXXVII, 18-19; XX, 133.

³³ Cf. B. Lewis, dans *Encyclopédie de l'Islam*, II, pp. 78-83, s.v. *daftar*.

³⁴ Déroche – Richard, *Du parchemin au papier* (texte dactylographié).

³⁵ Cf. J. Gascou, *Les codices documentaires égyptiens*, dans *Les débuts du codex*, pp. 71-101.

³⁶ S. Ory, *Un nouveau type de mushaf. Inventaire des Corans en rouleaux de provenance damascaïne conservés à Istanbul*, "Revue des études islamiques" 33 (1965), pp. 87-149.

³⁷ Dans l'acception proposée par C. Sirat, *La lettre hébraïque et sa signification*, et L. Avrin, *Micrography as Art*, (Paris-Jerusalem: 1981).

³⁸ Cf. S. Hable Selassie, *Bookmaking in Ethiopia*, (Leiden, 1981), p. 23.

³⁹ Cf. Déroche, *Les manuscrits du Coran. Du Maghreb à l'Insulinde*, nn. 359 et 495.

⁴⁰ Cf. Levi Della Vida, *Elenco dei manoscritti arabi islamici*, p. 83.

^{۴۱} قرآن، بقره، ۲۵۵.



ت ۲: نسخهٔ Ancien Fonds Persan 270، گ ا، پاریس، کتابخانهٔ ملی فرانسه. نسخهٔ خطی (Vat. arabe 788) و تعدادی نسخهٔ خطی با شماره ثبت (Vat. arabe 932) متعلق به کتابخانهٔ واتیکان شامل تعویذهایی به شکل طومارند که متن دعاها بر روی آنها نوشته شده است. در همین کتابخانه هشت تکه از یک طومار (Vat. arabe 387) که احتمالاً برای آموزش به کار می‌رفته نگه‌داری می‌شود که نمونه‌هایی از سبک‌های گوناگون خوشنویسی به شیوهٔ ابن بَوَّاب خوشنویس (د: ۴۲۴ق/۱۰۳۲م) در آنها دیده می‌شود.

در اینجا بایست برخی عادات نسخه‌نویسان و بعضی خصوصیات نسخه‌های خطی را در حوزهٔ اسلامی توضیح دهیم. متن نوشته معمولاً از پشت برگ اول آغاز می‌شود، و روی برگ اول اختصاص به «لوح آغازین» یعنی کتیبهٔ عنوان کتاب و نام مؤلف دارد. در حوزهٔ شرقی اسلامی، حداقل از اواخر سدهٔ ۸/ق – در نسخه‌های خطی که دارای ارزش بسیار زیادی بودند – بر روی برگ اول کتاب، ترنجی* دیده می‌شود که گاهی حاوی کتیبه‌ای با نام سفارش‌دهندهٔ کتاب است.^{۴۲}



ت ۱: نسخهٔ Vat. arab. 882، کتابخانهٔ واتیکان.

⁴² Cf. R. Ettinghausen, *Manuscript Illumination*, dans *A Survey of Persian Art*, éd. par A.U. Pope – Ph. Ackerman, III, (London–New York, 1939), pp. 1937–1974: 1939.

ت ۳ ابتدای متن ممکن است با نقش و نگار خاصی در صفحه اول*،
 ت ۴ و یا در دو صفحه اول* همراه باشد؛ و یا آنکه پیش از شروع
 متن نقشی مذهب دو صفحه اول کتاب را دربر گرفته
 است که در این صورت، متن کتاب از پشت برگ بعدی،
 معمولاً برگ ۲ پ آغاز می‌گردد.*

در آغاز متن و همچنین در آغاز هر فصل یا بخش، همیشه
 جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» که معمولاً آنرا «بسمله»
 می‌نامند، قرار دارد. در قرآن، این جمله در ابتدای هر یک از سوره‌ها
 واقع شده و جنبه استعانت و یاری [از خداوند] دارد، که می‌توان
 آنرا مشابه جملاتی دانست که در تمدن‌های مختلف
 جهان باستان به کار می‌رفته است. آوردن «بسمله» در آغاز هر گونه
 متن مکتوب حتی در زمان پیامبر [ص] مشاهده شده است:
 در قرآن ۴۳، نامه سلیمان به ملکه سبا با همین جمله شروع می‌شود. ۴۴
 در نسخه‌های خطی عربی - مسیحی، اغلب به جای «بسمله»،
 جمله «به نام پدر و پسر و روح القدس» دیده می‌شود.

متن معمولاً در سطرهای طولانی نوشته شده و بر
 خلاف دیگر سنت‌های نسخه‌نویسی - تا آنجا که من
 می‌دانم - استفاده از ستون‌بندی در دنیای اسلامی
 ناشناخته بوده است. برای مثال، در نسخه‌شناسی حبشی،



ت ۳: نسخه Ancien Fonds Persan 270، گ ۱ پ، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.

به استثنای «زبور» که در سطرهای طولانی است، متن‌ها
 عموماً در دو ستون یا بیشتر نوشته شده‌اند. ۴۵ فقط در
 نسخه‌های منظوم بسیار متأخر و نفیس، تقسیم صفحه به
 دو یا چند ستون دیده می‌شود: این نوع صفحه‌آرایی

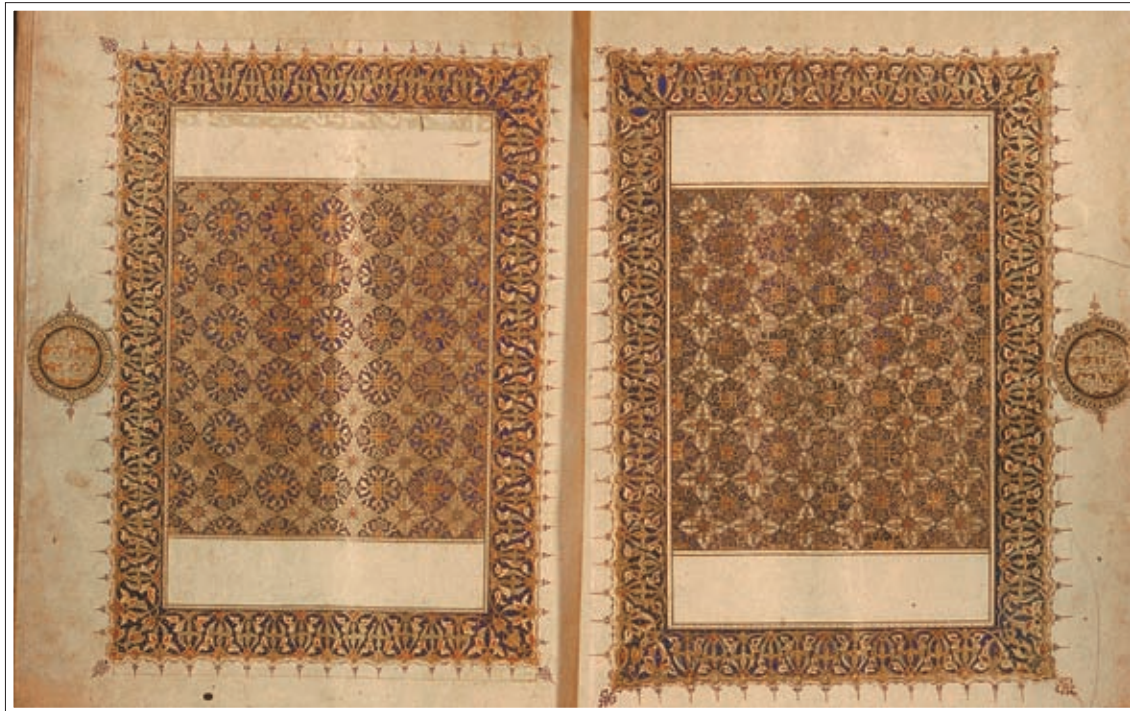


ت ۴: نسخه Suppl. persan 593، گ ۱ پ-۲، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.

۴۳ قرآن، نمل، ۲۹-۳۰.

44 Cf. Blanchère, *Introduction au Coran*, pp. 142-144; et A. Gacek, *Technical Practices and Recommendations Recorded by Classical and Post-classical Arabic Scholars Concerning the Copying and Correction of Manuscripts*, dans *Les manuscrits du Moyen-Orient*, pp. 51-60: 52-53.

45 Cf. Hable Selassie, *Bookmaking in Ethiopia*, p. 12.



ت ۵: نسخه 2324 Arabe، گ ۳-۴، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.



ت ۶: نسخه 494 Suppl. persan، گ ۶۷۱، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.

نشان‌دهندهٔ دوپاره بودن شعر در دو نیم بیت (مصراع) است که از لحاظ تقطیع عروضی با یکدیگر برابرند. اما در این مورد نیز، متن به شکل افقی خوانده می‌شود، اعم از اینکه متن در دو (و یا استثنائاً در سه ستون) نوشته شده باشد، مانند دیوان‌هایی با اشعار کوتاه، و یا در نسخه‌های منظوم طولانی در چهار ستون باشد، متن می‌بایست همواره به طور افقی خوانده شود یعنی هر سطر را از حاشیهٔ سمت راست تا حاشیهٔ سمت چپ یکسره بخوانند و سپس به سطر بعدی بروند.*

ت ۶

نسخه‌های خطی عربی - مسیحی ممکن است استثنا باشند، و برعکس به صورت ستونی نوشته شده باشند. در طومارها نیز ستون بندی وجود ندارد.

نسخه‌های خطی اسلامی غالباً از لحاظ تعداد مرکب به کار رفته در متن و نیز مرکب به کار رفته در سرفصل‌ها و عنوان‌ها بسیار غنی هستند. ۴۶ در قدیمی‌ترین قرآن‌ها می‌توان مشاهده کرد که برای نشان دادن حرکات و همزه از نقطه‌هایی که با مرکب‌های رنگی نوشته می‌شده استفاده می‌کردند: رنگ سرخ، و همچنین زرد، سبز و طلایی برای حرکات به کار می‌رفته؛ و همزه غالباً با یک نقطهٔ سبز نشانه‌گذاری می‌شده است. ۴۷

46 Cf. M. Levey, *Mediaeval Arabic Bookmaking and its Relation to Early Chemistry and Pharmacology*, dans *Transactions of the American Philosophical Society*, n.s., vol. 52, part 4, (Philadelphia, 1962), p. 8, et Y. Porter, *Une traduction persane du traité d'Ibn Bâdis: 'Umdat al-kuttâb* (ca. 1025), dans *Les Manuscrits du Moyen - Orient*, pp. 61-67: 62-63.

47 Cf. Déroche, *Les manuscrits du Coran. Aux origines de la calligraphie coranique*, p. 22.



در قرآن‌های مغربی معمولاً از رنگ سرخ برای علائم آوایی و از آبی برای علائم املائی استفاده می‌شده است؛ همچنین رنگ سبز و نارنجی برای مشخص کردن همزه و وصل به کار می‌رفته است.* برای استفاده از مرکب‌های رنگی قواعدی وجود داشته که می‌بایست رعایت می‌گردید. مثلاً رنگ سرخ برای نوشتن اسامی خاص، ارقام، نقل قول‌ها، اصطلاحات فنی، و برای متن تفسیر شده در آثار علمی توصیه شده است.^{۴۸} نوشتن با آب طلا (زرنگاری) و نقره، نخستین بار در قرآن‌ها و سپس در دیگر آثار مشاهده شده است.^{۴۹} گاه زرنگاری به کاربرد ورق پوستی رنگ شده (آبی و نیز رنگ‌های دیگر) مربوط می‌گردد. در جهان اسلامی، اغلب اوقات خود کاغذ هم رنگی است.^{۵۰} اسپانیای اسلامی به تولید کاغذ «نصری» مشهور بوده است، نامی که از سلسله نصری، که از نیمه سده ۷/ق ۱۳م تا آخر سده ۹/ق ۱۵م در غرناطه (گرانادا) سلطنت می‌کرد گرفته شده. این کاغذ، به رنگ‌های گوناگون، از صورتی تا ارغوانی، بوده است.^{۵۱} نمونه‌ای از این کاغذ در قرآنی بسیار زیبا به کار رفته که در اصل در پنج جلد نوشته شده بود، اما تنها چهار جلد آن به زمان ما رسیده است و در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود (arabe 389_392). این قرآن با مرکب نقره‌ای و عنوان‌های طلایی، بر روی کاغذی بدون نقش، به رنگ ارغوانی، نوشته شده است.* استفاده از کاغذهای به رنگ روشن (گل‌بهی، صورتی و سبز روشن)، و یا کاغذ زرافشان در نسخه‌های خطی فارسی، به ویژه متون نظم، متداول بوده است. ما در اینجا به کاربرد کاغذ آبری، که به ویژه در ترکیه عثمانی بسیار معمول بوده است و کتابشناسی گسترده‌ای برای آن وجود دارد نمی‌پردازیم.^{۵۲}

در نسخه‌های خطی اسلامی متأخرتر، متن معمولاً در یک جدول قرار داده می‌شده است. در نسخه‌های قرآنی، وجود این جدول یا یک قاب واقعی، از آغاز سده ۲/ق ۸م دیده شده^{۵۳}، در حالی که در نسخه‌های خطی غیر قرآنی از جدول دیرتر استفاده شده است. گاه جدول‌کشی متن، ملحقات

و توضیحات درون حاشیه‌ها را نیز در بر می‌گیرد.*
 به نظر می‌آید که جدول‌کشی، از تزئین صفحه یا صفحه مزدوج آغازین (مثلاً اپ-۲)، که در واقع همراه با صفحه مزدوج پایانی - دارای قابی پرکارتر هستند* آغاز می‌شود و به جدول‌کشی تمامی صفحات نسخه خطی گسترش می‌یابد. منشأ این قاب احتمالاً الگوهای کتیبه‌نگاری بوده است: قاب زینتی که لوح‌های نوشته را احاطه می‌کند^{۵۴}، که به خصوص در سنگ قبرهای مصری در سده ۳/ق ۹م دیده می‌شود. این الگوها که غالباً چیزی شبیه به یک «دسته» نیز در حاشیه‌های (بیرونی یا بالایی) دارند، ممکن است از مدل (Tabula ansata) رومی ریشه گرفته باشند،* که منشأ تطورات تزئینی



ت ۷: نسخه 423 Arabe. گ ۴، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.

⁴⁸ Cf. Gacek, *Technical Practices and Recommendations*, p. 55.

⁴⁹ Cf. Grohmann-Arnold, *Denkmäler islamischer Buchkunst*, pp. 23-24.

⁵⁰ Levey, *Mediaeval Arabic Bookmaking*, p. 10.

⁵¹ Cf. A. Basanoff, *Itinerario della carta dall'Oriente all'Occidente e sua diffusione in Europa*, Milano 1965 (*Documenti sulle arti del libro*, 4), p. 29 et Pl. VI; O. Valls I Subirà, *El papel y sus filigranas en Catalunya. Paper and Watermarks in Catalonia*, (Amsterdam, 1970), 2 vols. (*Monumenta chartae papyraceae historiam illustrantia*, 12), pp. 12-13 et 120-121.

⁵² Cf. en particulier M. A. Doizy - S. Ipert, *Le papier marbré*, (Paris, 1985).

⁵³ Cf. Ettinghausen, *Manuscript Illumination*, p. 1941; B. Moritz, *Arabic Palaeography. A Collection of Arabic Texts from the First Century of the Hijra till the Year 1000*, al-Qāhira 1905 (*Publications of the Khedival Library*, Cairo, 16), Pl. 46a.

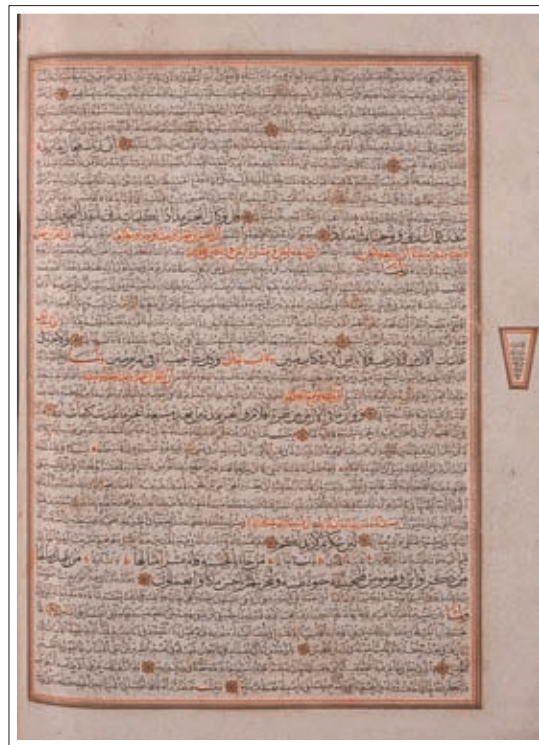
⁵⁴ Cf. Grohmann-Arnold, *Denkmäler islamischer Buchkunst*, p. 22.



ت ۸: نسخه 389 Arabe، گ ۵۴-۵۵، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.

متعدد در زمینه کتیبه نویسی^{۵۵} و در حوزه کتاب‌های دستنوشته اسلامی^{۵۶} دانسته شده. از سوی دیگر، نمی‌توان منکر شد که جدول‌کشی متن، دارای ارزشی سحرآمیز است.^{۵۷} واژه «جدول» (به معنای جوی آب، آبراهه، لوح، تابلو، صفحه سطر انداخته و قاب بندی شده) نیز اصطلاحی فنی در سحر و جادو است و بر «شکل‌های هندسی چهارگوش یا چند گوشه‌ای دلالت می‌کند که در داخل آنها اسامی یا علامتی نوشته شده که برای آنها خواص سحرآمیز قائل اند».^{۵۸}

واژه «جدول» همچنین به بخش‌هایی از قرآن اطلاق می‌گردد که به عنوان دعا یا تعویذ به کار می‌روند، مانند آیه الکرسی (نک: بالا) یا سوره فاتحه. این سوره در عمل به عنوان دعا به کار می‌رود. کاربرد این سوره برای تهیه تعویذ به کرات مشاهده شده است. به نظر می‌رسد قرار گرفتن این سوره در آغاز قرآن، که معمولاً با آرایه‌هایی پرکار احاطه می‌شود، خاستگاه (یا یکی از خاستگاه‌های) پیدایش سنت جدول‌کشی متن در نسخه‌های خطی باشد. در نسخه‌های خطی اسلامی، در بعضی موارد، متن ممکن است نه فقط در سطرهای افقی بلکه - به ویژه در حاشیه‌ها - در سطرهای عمودی، چلیپا و یا به شکل زیگزاگ



ت ۹: نسخه 2324 Arabe، گ ۱۶۹، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.

⁵⁵ Cf. E. Herzfeld, *Die Tabula ansata in der islamischen Epigraphik und Ornamentik*, "Der Islam", 6 (1915), pp. 189-199.

⁵⁶ Cf. Ettinghausen, *Manuscript Illumination*, pp. 1942-1944.

⁵⁷ Cf. A. M. Piemontese, *Aspetti magici e valori funzionali della scrittura araba*, "La ricerca folklorica" 5 (1982); *La scrittura: funzioni e ideologie*, éd. par G.R. Cardona, pp. 27-55: 31-32.

⁵⁸ Cf. E. Graefe - D.B. Macdonald - M. Plessner, dans *Encyclopédie de l'Islam*, II: 379-380, s.v. *djadwal*.



ت ۱۰: نسخه 385 Arabe، گ ۱۳۰-۱۳۱، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.

است (۰/۷۴) و اشعار تمام عرض آن را پر نمی‌کنند، احتمالاً برای پرهیز از اسراف، متن به صورت عمودی در طرف چپ صفحه نیز ادامه یافته است.

در تحلیل نهایی، علت این گونه صفحه‌بندی‌های خاص، نوعی استقلال خط در برابر زبان است که - احتمالاً - از ارزش دیرینه تصویرنگاری خط یا مستقل از اصوات‌نگاری، بر جای مانده است. متن نوشته شده تابع قوانینی ویژه خویش است و با پیام‌هایی، ورای پیام‌های زبانی، به صورت مستقل ارتباط برقرار می‌کند. این موضوع مخصوصاً در کتیبه‌نگاری مصداق دارد: درون کتابه‌هایی که در حاشیه ساختمان‌ها و مساجد کار گذاشته می‌شود و در کتابه‌هایی که روی اشیای گوناگون (مانند سرامیک، پارچه و قالی و برنز) را می‌پوشاند؛ این متن که غالباً از عبارت‌های کلیشه‌ای تشکیل شده است، برای خواندن نوشته نشده،

نوشته شده باشد؛* در حالی که در نسخه‌های خطی مصور، چلیپانویسی به این منظور است که مقدار کمتری از متن نوشته شود و دنباله آن به صفحه بعد، همراه با تصویر مورد نظر، ادامه یابد.* دلایل این گونه عرضه کردن متن، پیش از هر چیز می‌بایست در زینت‌پذیری خط عربی و نیز احتمالاً تمایل به استفاده صرفه‌جویانه‌تر از صفحات باشد.

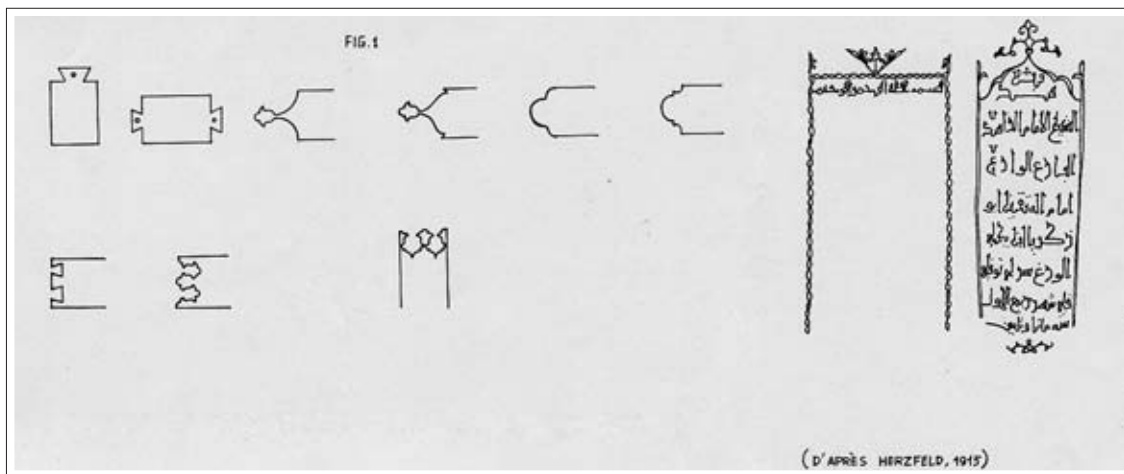
این تمایل در نسخه خطی (Vat. arabe 447) مورخ ۶۰۷/ق ۱۲۱۰م در [خاتیوا در اسپانیا]* دیده می‌شود، که در بردارنده دیوان ابن حمدیس، شاعر عرب اهل سسیل (د: ۵۲۷/ق ۱۱۳۳م) است، و به نظر می‌آید که از قدیمی‌ترین سنت‌ها باشد؛ ابیات به طور افقی زیر یکدیگر نوشته شده‌اند و غالباً نمی‌توان دو مصراع را از لحاظ ظاهری از یکدیگر تشخیص داد. از آنجاکه صفحه تقریباً مربع شکل [قطع خستی]



← ت ۱۳

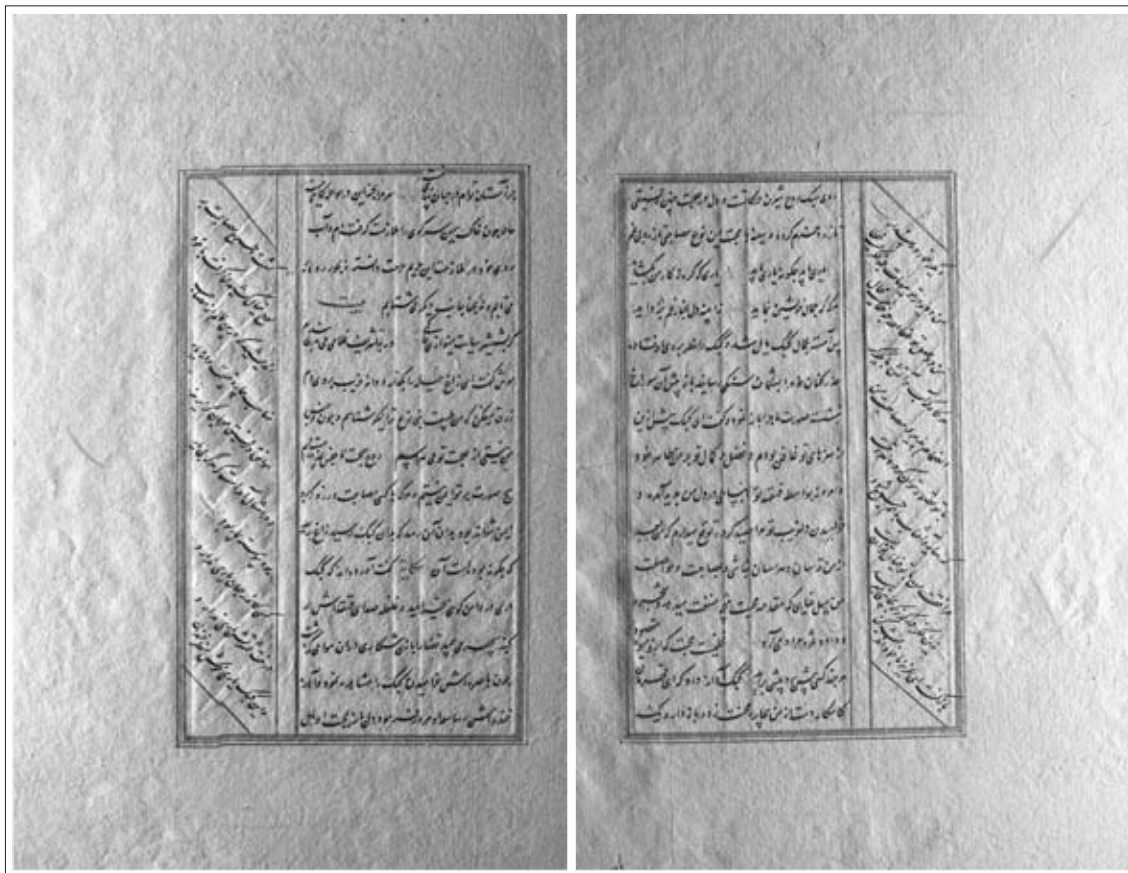
← ت ۱۴

← ت ۱۵

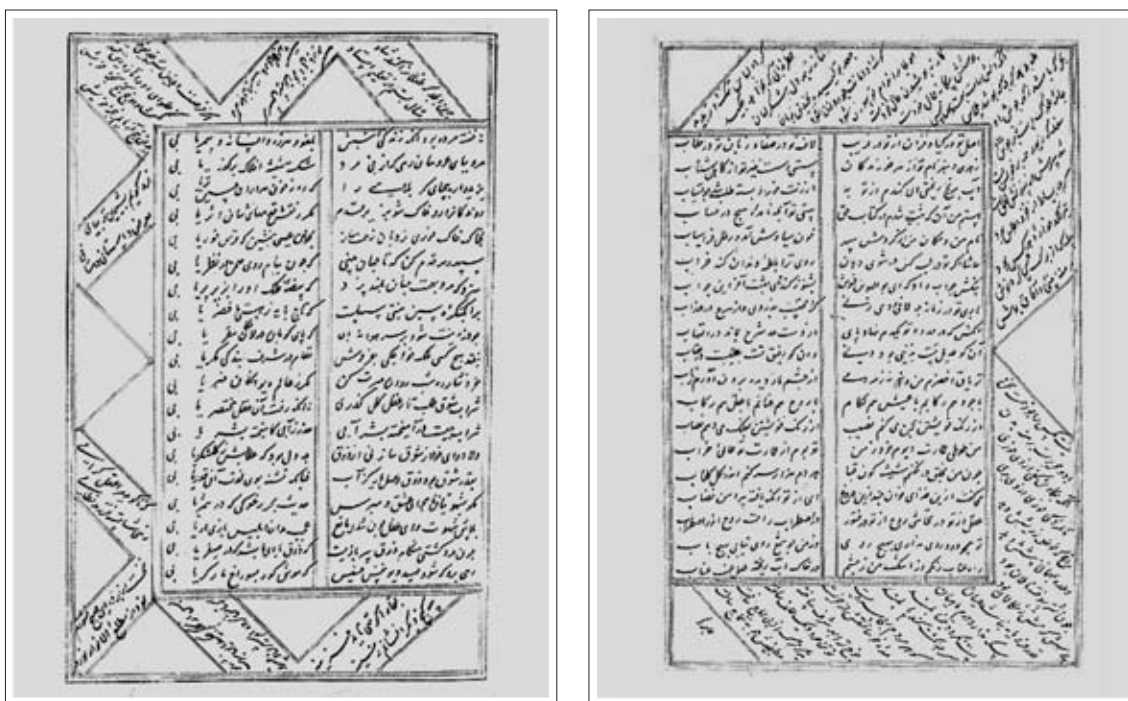


(D'APRÈS HERZFELD, 1915)

ت ۱۱: (به نقل از: Herzfeld, 1915).



ت ۱۲: نسخه ۷۸ Vat. Pers. گ ۱۶۱ - ۱۶۱. کتابخانه واتیکان.



ت ۱۳/۱: نسخه ۳۹-۳۸ Caetani گ ۲۴. رم، کتابخانه آکادمی ملی لینیچی.



ت ۱۴: نسخه ۴۹۴ Suppl. Persan، گ ۷۷-۷۸، پاریس، کتابخانه ملی فرانسه.

برای انتقال یک متن، اساساً شفاهی است. نوشته فقط کمک و پشتیبان حافظه است، اما جای آن را نمی‌گیرد. اولین مثال برای این موضوع، شیوه انتقال قرآن است که براساس روش ارتباطی معمول، جهت انتقال متون شعری در دوران پیش از اسلام، ابتدا به حافظه سپرده شد و در دل‌های معتقدان «ثبت» گردید و بعدها به صورت نوشته در آورده شد. حتی زمانی که ضرورت استفاده از علائم آوایی و املائی برای انتقال تلفظ صحیح و جزئی‌ترین خصوصیات متون به اثبات رسید، نوشته هرگز جایگزین حفظ کردن نشد. در حوزه کتاب‌های خطی، نقش شمایل‌ی خط به ویژه در استنساخ متون شعری (صفحه‌بندی مختلط) و یا نسخبرداری از قرآن (ریزنویسی، تغییر شکل حروف) مشاهده شده است. اینها متونی هستند که همه مسلمانان معمولاً آنها را در حافظه خود ضبط کرده‌اند.

نسخه‌های خطی عربی با منشأ اسپانیایی

نخستین نمونه‌های مورد مطالعه در زمره نسخه‌های خطی عربی از منشأ اسپانیایی (یا احتمالاً از منشأ اسپانیایی) متعلق به کتابخانه واتیکان است. این نسخه‌های خطی را، که جمعاً سی و هفت نسخه می‌باشند، ج. لوی دلا ویدا (G. Levi Della Vida) کشف کرده و از نظر متون آنها را بررسی نموده است.^{۶۲} تاکنون تنها چند قرآن مذهب را که جزو این گروه‌اند، مونره دو ویلار

بلکه نقش تزئینی و شمایل‌ی آن ارجحیت دارد. در نسخه‌های خطی ارزش شمایل‌ی خط محدودتر است. این ارزش می‌تواند در صفحه‌بندی‌های پیچیده و گاهی در تغییر شکل حروف که مفهوم متن را به شکل بصری القا می‌کنند نمودار گردد – هم چنانکه در نقش‌نگاری دیده می‌شود.^{۵۹} برعکس، به نظر می‌رسد که استفاده از ریزنویسی منحصرأ در نوشتن قرآن‌های تعویذی مشاهده شده باشد.*

کولت سیرا دریافته است که نظیر این طرز نوشتن در فرهنگ عبرانی، به ویژه، در به‌کار بردن ریزنویسی انجام گرفته است: «متن به‌کار گرفته شده برای طرح اشکال هندسی، گیاهی، حیوانی، انسانی و یا حروف بزرگ می‌باشد و وجود دارد ولی برای خواندن نیست. در برابر ما نوشتاری قرار دارد که محتوای آن برای خواندن نیست، متنی که باید علت وجودی آن را در چیز دیگری سواى خواندن در خط یافت. ریزنویسی و خطاطی تزئینی آن نشان دهنده ساختار ذهنی خاصی است که خط در آن نقشی بسیار متفاوت‌تر از آن چیزی که زبان‌شناسان برای آن قائل اند دارد: حروف دیده می‌شوند بدون آنکه خوانده شوند و یا در زمان جریان داشته باشند».^{۶۰} اما می‌توان چنین پنداشت که دلیل واقعی «خود بسندگی خط در برابر زبان» می‌بایست به نقشی مربوط شود که حافظه در انتقال متن‌ها ایفا می‌کند. همچنان که پدِرسن (Pedersen) نشان داده است^{۶۱}، در دنیای اسلامی روش ارتباطی رایج،

⁵⁹ Pour des exemples, cf. Orsatti, *Gli studi di paleografia araba oggi*, pp. 291-292.

⁶⁰ Sirat, *La lettre hébraïque*, p. 18.

⁶¹ Pedersen, *The Arabic Book*, pp. 15-16 et passim.

⁶² G. Levi Della Vida, *Manoscritti arabi di origine spagnola nella Biblioteca Vaticana*, dans *Collectanea Vaticana in honorem Anselmi M. Card. Albareda*, II, (Città del Vaticano, 1962) (*Studi e testi*, 220), pp. 133-189.



آندلسی که متعلق به دوره‌های اولیه می‌باشد کمتر از همه است (به طور متوسط ۵ م). در حالی که در نسخه‌های دیگر که با قلم درشت‌تری نوشته شده، این ارتفاع به طور متوسط ۱۴ م است. در هر صورت، فرانسوا دروش استفاده از خط «مغربی» آندلسی را مربوط به یک منشأ جغرافیایی خاص نمی‌داند: بنابر این استفاده از این خط نمی‌تواند محدود به اسپانیا بوده باشد. حتی با اینکه در بعضی موارد، منشأ اسپانیایی (بجای منشأ شمال آفریقایی) نسخه‌های خطی که مورد آزمایش قرار گرفته ممکن است مشکوک باشد، مطالعات لوی دلا ویدا به عنوان نقطه آغاز پذیرفته شده است. همچنان که مطالعات کهن خط‌شناسی عربی در بن‌بست قرار گرفته است، در بررسی هر نمونه دیگری از نسخه‌های خطی نیز با همین مشکل روبرو می‌شویم.

نسخه‌های خطی بررسی شده، به قرآن‌های خطی (که تمامی آنها روی ورق پوستی نوشته شده‌اند)، و نسخه‌های غیرقرآنی (که به جز دو تای آنها، بقیه روی کاغذند) تقسیم می‌شوند که به ترتیب تاریخ ذکر شده‌اند. از آنجاکه جلد اصلی هیچ یک از این نسخه‌ها حفظ نشده، به شرح جلدها نمی‌پردازیم.

قرآن‌های خطی:

Vat. arab. 212

Borg. arab. 51

Vat. arab. 211

Vat. arab. 210

Vat. arab. 214

Vat. arab. 881

Vat. arab. 213

در هیچ‌کدام از این نسخه‌ها به تاریخ یا مکان نسخه‌برداری اشاره‌ای نشده است. لوی دلا ویدا تاریخ اولین آنها را (Vat. arab. 212) سده ۶ق/۱۲م دانسته است. در واقع، ا. تیسران (E. Tisserant)^{۶۷} این نسخه را قبلاً با قرآنی متعلق به کتابخانه ملّی قاهره (ش ۱۹۶) و مورخ ۵۵۵ق/۱۱۶۰م در والانس که ب. موریتس (B. Moritz) یک صفحه از آن را به چاپ رسانده، مقایسه کرده است.^{۶۸} دومین قرآن خطی، (Borg. arab. 51)،



ت ۱۵: نسخه ۴۴۷ Vat. arab. 447، گ ۱۱۸، کتابخانه واتیکان. (برگرفته از: Tisserant, *Specimina codicum Orientalium*, Pl. 52a).

مورد مطالعه قرار داده است.^{۶۳} هرگاه منشأ اسپانیایی این نسخه‌ها در انجامه ذکر نشده باشد، ج. لوی دلا ویدا آنها را براساس مبدأ و خطشان، «اسپانیولی مغربی» معرفی کرده است. به جز چند نسخه، به ویژه تعدادی قرآن، که تک تک به گنجینه واتیکان اضافه شده‌اند، غالب آنهاهی — که اکنون در گنجینه بورجا (Borgia) قرار دارند — متعلق به کاردینال کامیلو ماسیمو (/ ماسیمی) (Camillo Massimo / Massimi، ۱۶۲۰-۱۶۷۷) بوده که آنها را به هنگام مأموریت مذهبی خود در مادرید (۱۶۵۴-۱۶۵۸) در مقام نماینده پاپ خریداری کرده است. این نسخه‌ها مجموعه‌ای متعلق به شخصی بوده که در زمان اخراج مسلمانان اسپانیایی (Moriscos) از اسپانیا (فرمان دسامبر ۱۶۰۹)، یا به احتمال زیاد آنها را از او مصادره کرده‌اند و یا آنکه او آنها را به کاردینال ماسیمی فروخته است.^{۶۴}

ملاک‌های کهن خط‌شناسی که ج. لوی دلا ویدا در تعیین نشانه‌های مشخصه خط «اسپانیولی مغربی» به آنها استناد می‌کند، به اندازه کافی روشن نیست. در واقع، تشخیص خط مغربی اسپانیایی یا آندلسی از خط «مغربی» دشوار است.^{۶۵} ملاک دیگری که فرانسوا دروش^{۶۶} پیشنهاد کرده، ارتفاع سطر نوشتار است. این ارتفاع در نسخه‌های به خط «مغربی»

⁶³ U. Monneret De Villard, *Codici magrebini decorati della Biblioteca Vaticana*, "Annali. Istituto Universitario Orientale di Napoli" n.s. 3 (1949), pp. 83-91.

⁶⁴ Cf. Levi Della Vida, *Manoscritti arabi di origine spagnola*, pp. 148-151.

⁶⁵ Sur ces écritures cf. O. Houdas, *Essai sur l'écriture maghrébine*, dans *Nouveaux mélanges orientaux*, Paris 1886, pp. 85-112; et N. van Den Boogert, *Some Notes on Maghribi Script*, "Manuscripts of the Middle East", 4 (1989), pp. 30-43.

⁶⁶ *Les manuscrits du Coran. Du Maghreb à l'Insulinde*, p. 12.

⁶⁷ *Specimina codicum Orientalium*, (Bonn, 1914) (*Tabulae in usum scholarum editae sub cura Iohannis Lietzmann, VIII*), p. XXXII, Pl. 43a.

⁶⁸ *Arabic Palaeography*, Pl. 47.



نیز احتمالاً متعلق به سده ۶ق/۱۲م است. در میان نسخه‌های خطی گروه اسپانیایی که در مجموعه بورجا نگه‌داری می‌شود، این تنها نسخه‌ای است که جزو مجموعه کاردینال ماسیمو نبوده و میراثی به‌جا مانده از کاردینال استفانو بورجا (Stefano Borgia) در انجمن «تبلیغ مذهب» (Propagand Fide) است. احتمالاً نسخه‌های (Vat. arab. 211) متعلق به سده‌های ۶-۱۲ق/۱۳-۱۴م، و نسخه (Vat. arab. 210) متعلق به سده ۷ق/۱۳م می‌باشد. نسخه (Vat. arab. 214) دارای یک یادداشت وقف به تاریخ ۷۴۳ق/۱۳۴۲م در تونس است که نشان می‌دهد این نسخه در آن تاریخ، وقف یک بنیاد مذهبی تونسی شده بوده است. یادداشت‌های وقف می‌توانند به عنوان حد‌گاه‌شماری برای سالیابی نسخه‌های خطی به‌کار آیند. به نظر لوی دلا ویدا و همچنین تیسران^{۶۹}، نسخه خطی (Vat. arab. 214) ممکن است دارای تاریخ سده ۷ق/۱۳م باشد؛ برعکس، مونره دو ویلار آن را متعلق به نخستین بیست سال سده ۸ق/۱۴م می‌داند.^{۷۰} تاریخ نسخه خطی (Vat. arab. 881) را لوی دلا ویدا، سده‌های ۷-۸ق/۱۳-۱۴م تعیین کرده است. آخرین نسخه خطی (Vat. arab. 213)، دارای وقف‌نامه‌ای به تاریخ تونس ۹۰۱ق/۱۴۹۵م است؛ این نسخه احتمالاً متأخرترین نسخه این گروه است.

اگرچه بسیاری از این قرآن‌های خطی از تونس به کتابخانه واتیکان وارد شده‌اند، اما لوی دلا ویدا، منشأ اسپانیایی برخی از آنها - به ویژه چهار نسخه خطی اول - را مسلم دانسته است. این قرآن‌ها بخشی از غنائمی است که سپاهیان شارل پنجم به هنگام غارت شهر تونس در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۵۳۵ به دست آوردند.

نسخه‌های خطی غیر قرآنی بر ورق پوستی

مورخ ۳۴۶ق/۹۵۷م Vat. arab. 310
Barb. Or. 46
نسخه (Vat. arab. 310) قدیمی‌ترین نسخه خطی عربی تاریخ‌دار، محتوی متون اسلامی، متعلق به کتابخانه واتیکان است. نسخه (Barb. Or. 46) تاریخ ندارد و کتابچه‌ای است مشتمل بر آخرین جزو نسخه‌ای محتوی مطالب ستاره‌شناسی که به نظر لوی دلا ویدا در سده‌های ۸-۹ق/۱۴-۱۵ نوشته شده است.

نسخه‌های خطی غیر قرآنی بر روی کاغذ

این نسخه‌های خطی بر اساس سده تقسیم شده‌اند، و فقط در چند مورد، من تاریخ‌گذاری پیشنهادی لوی دلا ویدا را برای نسخه‌های خطی بدون تاریخ - به ویژه بر پایه بررسی کاغذها و تهنقش‌ها - اصلاح کرده‌ام. این نسخه‌ها عبارتند از: نسخه (Borg. arab. 131 II) که تاریخ آن را لوی دلا ویدا سده ۹ق/۱۵م تعیین کرده ولی به احتمال زیاد متعلق به نیمه اول سده ۸ق/۱۴م است، زیرا بر روی کاغذ زیگزاگ‌دار نوشته شده است؛ نسخه (Borg. arab. 172 II) که لوی دلا ویدا آن را متعلق به سده‌های ۹-۱۰ق/۱۵-۱۶م می‌داند، در صورتی که این نسخه بر روی کاغذی، ساخته شده در ایتالیا، نوشته شده که دارای تهنقشی درست مانند نمونه (Briquet n. 1552)^{۷۱} مورخ ۷۸۲ق/۱۳۸۰م و نمونه^{۷۲} (Valls i Subirà n. 1519) مورخ ۷۸۱ق/۱۳۷۹م است؛ و بالاخره نسخه (Borg. arab. 163 II) که لوی دلا ویدا تاریخ آن را سده ۸ق/۱۴م دانسته، اما متعلق به نیمه اول سده ۹ق/۱۵م است، زیرا علاوه بر مختصات دیگر، تهنقش آن دارای علامت شهر والانس است که با نمونه (Valls i Subirà n. 227) مورخ ۸۳۴ق/۱۴۳۰م مشابهت دارد. در هر صورت، قدیمی‌ترین تهنقشی که متعلق به این نمونه‌هاست دارای تاریخ ۸۱۶ق/۱۴۱۳م است.

قرن ۷ق/۱۳م

به تاریخ ۶۰۷ق/۱۲۱۰م در [خاتیوا] Vat. arab. 447
به تاریخ ۶۹۲ق/۱۲۹۲م در اشبیلیه (= سویل، Séville) Vat. arab. 291
به تاریخ ۶۹۵ق/۱۲۹۵م در دنیا (Denia. ff. 3-46) Borg. arab. 125 I

قرن ۸ق/۱۴م

به تاریخ ۷۰۴ق/۱۳۰۴م Borg. arab. 128
Borg. arab. 131 I (ff. 1-25 et 38)
Borg. arab. 131 II (ff. 26-37)
به تاریخ ۷۳۹ق/۱۳۳۸م Borg. arab. 124
به تاریخ ۷۳۹-۷۴۲ق/۱۳۳۸-۱۳۴۱م Borg. arab. 159
Borg. arab. 169
Vat. arab. 368
Borg. arab. 125 II (ff. 47-143)
Borg. arab. 172 II (ff. 104-143)
Borg. arab. 163 I (ff. 6-57)

⁶⁹ *Specimina codicum Orientalium*, pp. XXXII-XXXIII, et Pl. 43b.

⁷⁰ Cf. Monneret De Villard, *Codici magrebini decorati*, p. 88.

⁷¹ C. M. Briquet, *Les filigranes. Dictionnaire historique des marques du papier dès leur apparition vers 1282 jusqu'en 1600*. A facsimile of the 1907 edition with supplementary material contributed by a number of scholars, éd. par A. Stevenson, (Amsterdam, 1968), 4 vols.

⁷² Valls I Subirà, *El papel y sus filigranas en Catalunya*.



قرآن‌های خطی

به تاریخ ۶۱۲ – ۱۳۱۲/ق/۱۳۱۳م در تونس (برروی ورق پوستی)	Vat. arab. 215
پیش از ۸۲۲/ق/۱۴۱۹م	Vat. arab. 219
پیش از ۸۹۴/ق/۱۴۸۸م	Vat. arab. 196_199
به تاریخ ۸۷۷/ق/۱۴۷۲م	Vat. arab. 205
به تاریخ ۹۷۸/ق/۱۵۷۰م	Vat. arab. 216
سده ۱۰/ق/۱۶م	Vat. arab. 939
سده ۱۰/ق/۱۶م	Barb. arab. 70

نسخه‌های خطی غیرقرآنی

به تاریخ ۶۲۱/ق/۱۲۲۴م در سبته (Ceuta)	Rossiano 1033
پیش از ۸۵۴/ق/۱۴۵۰م	Borg. arab. 252
به تاریخ ۸۸۲/ق/۱۴۷۷م	Vat. arab. 257
به تاریخ ۹۳۱/ق/۱۵۲۴م	Vat. arab. 288
به تاریخ ۹۴۰/ق/۱۵۳۳م	Vat. arab. 321
به تاریخ ۹۷۷/ق/۱۵۶۹م	Vat. arab. 253
به تاریخ ۹۷۸/ق/۱۵۷۰م	Barb. Or. 99

قرآن‌های خطی

بوم خط

استفاده از ورق پوستی – تا پایان سده ۱۰/ق/۱۶م و بعد از آن – ظاهراً فقط مربوط به نسخه‌برداری از قرآن بوده است. در واقع، به غیر از نسخه ۳۱۰ Vat. arab. مورخ ۳۴۶/ق/۹۵۷م، که مربوط به دورانی است که استفاده از کاغذ در اسپانیا هنوز رایج نبوده، یگانه نسخه غیرقرآنی بر روی ورق پوستی نسخه ۴۶ Barb. Or. است که به نظر لوی دلا ویدا متعلق به سده‌های ۸-۹/ق/۱۴-۱۵م می‌باشد. ادامه استفاده از ورق پوستی در غرب اسلامی – حتی زمانی که در شرق از مدت‌ها پیش کاغذ جایگزین پاپیروس و ورق پوستی شده بود – امری کاملاً شناخته شده است. در شرق نیز استفاده از ورق پوستی، عمدتاً برای نسخه‌برداری از قرآن و همچنین مدارک و اسناد رسمی، حتی بعد از سده ۴/ق/۱۰م ادامه یافت.^{۷۴} به نظر می‌رسد که در اسلام، همچنان که در غرب لاتینی، ورق پوستی در برابر کاغذ از منزلت و الاثری برخوردار بوده است.^{۷۵}

قرن ۹/ق/۱۵م

Borg. arab. 130	به تاریخ ۸۲۶/ق/۱۴۲۲م
Borg. arab. 167	به تاریخ ۸۳۳ – ۸۳۵/ق/۱۴۲۹ – ۱۴۳۱م
Borg. arab. 161 (ff. 63_167)	به تاریخ ۸۴۹/ق/۱۴۴۵م در تاراگون
Borg. arab. 172 I (ff. 2_103)	Borg. arab. 127 (Tarragone)
Borg. arab. 160	به تاریخ ۸۹۰/ق/۱۴۸۵م در تورتوسا
Borg. arab. 132	Borg. arab. 162 (Tortosa)
Borg. arab. 163 II (ff. 58_132)	Borg. arab. 165

قرن ۱۰/ق/۱۶م

Borg. arab. 166	به تاریخ ۹۰۷/ق/۱۵۰۱م
Borg. arab. 65	به تاریخ ۹۹۸/ق/۱۵۹۹م
Borg. arab. 171	به تاریخ ۹۹۸/ق/۱۵۹۹م
Borg. arab. 170	به تاریخ ۹۹۸/ق/۱۵۹۹م
Borg. arab. 164	

نسخه‌های خطی دارای منشأ شمال آفریقایی

ما برای مقایسه، قدیم‌ترین نسخه‌های خطی کتابخانه واتیکان، دارای منشأ شمال آفریقایی – اعم از قرآنی یا غیر قرآنی – را بررسی کردیم. آنها ۱۴ نسخه خطی می‌باشند و تمامی آنها بر روی کاغذ نوشته شده – به جز نسخه خطی (Vat. arab. 215) که قرآنی است نوشته شده بر روی ورق پوستی، در تونس به تاریخ ۶۱۲ – ۱۳۱۲/ق/۱۳۱۳م. به غیر از این یکی و نسخه خطی (Rossiano 1033)، بقیه آنها نسخه‌هایی نسبتاً متأخرند که می‌توان آنها را مربوط به سده‌های ۹ – ۱۰/ق/۱۵ – ۱۶م و یا منسوب به آن دوره دانست. این نسخه‌ها را لوی دلا ویدا فهرست کرده است.^{۷۳}

⁷³ Dans son, *Elenco dei manoscritti arabo islamici*.

⁷⁴ Cf. A. Grohmann, *Arabische paläographie*, II. Teil, (Wien, 1971) (Österreichische Akademie der Wissenschaften, Philosophisch-historische Klasse, 94/1, *Forschungen zur islamischen Philologie und Kulturgeschichte*, 2), pp. 98 et 101; Bosch-Carswell-Petherbridge, *Islamic Bindings and Bookmaking*, pp. 23-26; Endress, *Handschriftenkunde*, pp. 274-275; G. Endress, *Pergament in der Codicologie des islamisch-arabischen Mittelalters*, dans *Pergament. Geschichte, Struktur, Restaurierung, Herstellung*, éd. par P. Rück, (Sigmaringen, 1991) I: 45-46.

⁷⁵ Cf. C. Bozzolo – E. Ornato, *Pour une histoire du livre manuscrit au Moyen Age. Trois essais de codicologie quantitative*, (Paris, 1980), pp. 70-72.

جزوبندی‌ها

نسخه‌های بررسی شده، به جز نسخه‌های Vat. arab. 881 که از جزوهای چهار برگی تشکیل شده است، و نسخه‌های Vat. arab. 214 که من نتوانستم جزوهای آن را با اطمینان مشخص کنم، کاملاً یا تقریباً به طور کامل از جزوهای سه برگی تشکیل گردیده‌اند. در تمام نسخه‌های خطی قاعده «گرگوری» (Gregory) رعایت گردیده است و جزوها از سمت رخ آغاز می‌شوند. این نوع جزوبندی که ما به شرح آن پرداختیم به نظر نمی‌آید که محدود به اسپانیا باشد، ولی به طور کلی معرف چگونگی به وجود آوردن نسخه‌های خطی قرآنی بر روی پوست در غرب اسلامی است: نسخه‌های Vat. arab. 215 مورخ تونس ۶۱۲-۶۱۳/عق/۱۳۱۲-۱۳۱۳م، در کتابخانه واتیکان، که دستنوشته‌ای قرآنی است بر روی پوست، دارای جزوهایی است که به همین روش تنظیم شده‌اند. در روش یادآور می‌شود که «در غرب اسلامی مشاهده می‌گردد در دورانی که ورق پوستی هنوز مورد استفاده بوده است، جزوهای سه برگی را مشخصاً ترجیح داده‌اند».^{۷۶} در واقع، هشت نمونه از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی قرآنی بر روی پوست، تولید شده در غرب که در کتابخانه ملی فرانسه (n. 296-304)، فهرست دروش (نگه‌داری می‌شوند، از جزوهای سه برگی تشکیل شده‌اند. نسخه‌های خطی 385 arabe (ش ۲۹۶، مورخ ۷۰۴ق/۱۳۰۴م) که از جزوهای چهار برگی تشکیل شده، یک استثناست؛ در حالی که برای نسخه‌های خطی 217 Smith-Lesouëf (3-46) (ش 304) اطلاعی از جزوبندی در دست نیست. اکثر این نسخه‌های خطی که ممکن است متعلق به سده‌های ۷-۸ و ۹ق/۱۳-۱۵م باشند، دارای منشأ مغربی (شمال آفریقایی) هستند. فقط نسخه‌های خطی 385 arabe که قبلاً ذکر گردید و نسخه‌های خطی 395 arabe (ش 298) احتمالاً دارای منشأ اسپانیایی هستند. همچنین، تنها، دو نسخه‌های خطی کتابخانه واتیکان با محتوای غیر دینی، نوشته شده بر ورق پوستی (Vat. arab. 310 و Or. 46 Barb. نک: بالا) از جزوهای سه برگی تشکیل شده‌اند که قاعده «گرگوری»، در آنها رعایت گردیده، و نیز از سمت رخ شروع می‌شوند. بنابراین می‌توان این فرضیه را ارائه داد که وجود جزوهای سه برگی نه مربوط به نسخه‌برداری از قرآن، و نه مربوط به دوره خاصی بوده باشد، بلکه منحصرأ مربوط به

استفاده از ورق پوستی بوده است، که البته صحت این فرضیه باید در آینده بررسی شود.

این داده‌ها را که در ارتباط با حوزه غربی اسلام است، می‌توان با نتایج به دست آمده از تحقیقات دروش درباره جزوبندی در نسخه‌های خطی روی ورق پوستی در حوزه شرقی در سده‌های ۳-۴ق/۹-۱۰م، دورانی که هنوز ورق پوستی بیشترین مصرف را در این زمینه داشته، مقایسه کرد.^{۷۷} نسخه‌های خطی بررسی شده، از مصر و سوریه به دست آمده‌اند، اما حوزه منشأ آنها بسیار گسترده است و تعیین قطعی آنها دشوار می‌باشد، این تحقیق نشان می‌دهد که این نسخه‌ها معمولاً جزوهای از پنج برگی تشکیل شده‌اند، با برگ‌هایی که سمت رخ آنها همواره به طرف خارج عرضه شده و بنابراین به شکلی تنظیم شده‌اند که قاعده «گرگوری» را رعایت نمی‌کنند. پس، تفاوت میان «کتاب» (Codex) بر ورق پوستی در حوزه شرقی با همین نوع کتاب در حوزه غربی اسلام به وضوح مشخص می‌گردد. به نظر می‌آید که، نسخه‌های خطی عربی-مسیحی بر روی ورق پوستی، منشأ گرفته از نواحی شرقی جهان اسلامی، دارای جزوبندی متفاوتی هستند.^{۷۸} در واقع، سه نسخه خطی عربی-مسیحی بر روی ورق پوستی را که من بررسی کردم، اکثراً از جزوهای چهار برگی ترکیب شده و قاعده «گرگوری» را رعایت کرده‌اند. آنها عبارت‌اند از: نسخه‌های خطی کتابخانه واتیکان Vat. arab. 71 (*Vies de Saints*) [زندگی مقدسین]، مورخ ۲۷۲ق/۸۸۵م،^{۷۹} Borg. arab. 95 (اناجیل، متعلق به سده ۳ق/۹م)،^{۸۰} و Borg. arab. 71 (اناجیل، متعلق به سده‌های ۵-۶ق/۱۱-۱۲م).^{۸۱} دروش یادآور می‌شود که نوع جزوبندی که برای حوزه اسلامی شرقی شرح داده شد، نمی‌تواند از طریق تا کردن ورق پوستی فراهم شده باشد.^{۸۲} همچنین، وجود جزوهای سه برگی همین نتیجه‌گیری را- برای حوزه غربی- مجاز می‌سازد.

سطراندازی

در نسخه‌های خطی قرآنی بر روی ورق پوستی متعلق به گروه انتخابی کتابخانه واتیکان، ممکن است سطراندازی اصلاً وجود نداشته باشد (Vat. arab. 214 & 881) و یا محدود به خط‌های

⁷⁶ Déroche, *Les manuscrits du Coran. Du Maghreb à l'Insulinde*, p. 14.

⁷⁷ Cf. Déroche - Richard, *Du parchemin au papier* (texte dactylographié).

⁷⁸ Cf. aussi une remarque de F. Déroche, dans Déroche-Richard, *Du parchemin au papier* (texte dactylographié).

⁷⁹ Cf. Mai, *Codices Arabici*, pp. 143-145; Wright, *Facsimiles*, Pl. 20; Tisserant, *Specimina codicum Orientalium*, Pl. 54.

⁸⁰ Cf. Tisserant, *Specimina codicum Orientalium*, Pl. 55.

⁸¹ Cf. Tisserant, *Specimina codicum Orientalium*, Pl. 56b.

⁸² F. Déroche, *A propos d'une série de manuscrits coraniques anciennes*, dans *Les manuscrits du Moyen - Orient*, pp. 101-111: 107.



به کتابخانه ملی فرانسه، تنها چهار مجلد از آنها، که دارای تاریخ سده‌های ۱۲-۱۳/ق-۱۸-۱۹م هستند و یا می‌توانند به آن دوران تعلق داشته باشند، چنین جدول‌هایی دارند.^{۸۵}

آنچه تاکنون گفته شد مطابق با مطالبی است که دروش درباره‌ی روش سطراندازی به کار رفته در قرآن‌های خطی مغربی، بر روی ورق پوستی، بیان داشته است. نسخه‌های خطی Smith_Lesouëf 202 (n. 300) و Arabe 385 (n. 296) و Arabe 388 (n. 301): تنها در مورد خط‌های عمودی، و Arabe 5935 (n. 302): در طرف‌روی برگ‌ها سطراندازی شده، و Smith_Lesouëf 217 (n. 304): برعکس، در نسخه‌های زیر - که احتمالاً همگی به سده‌های ۸-۹/ق-۱۴-۱۵م متعلق هستند - سطراندازی با رنگ انجام شده است: «نوک‌سربی»: Arabe 423 (n. 297)؛ «بامرکب»: (n. 298) Arabe 395؛ «بامرکب»: Arabe 386 (n. 299)؛ «با قلم فلزی و مرکب»: Smith_Lesouëf 194 (n. 303) و Vat. arab. 210 & Smith_Lesouëf 194 (n. 303) (les mss. Brog. arab. 51 مقایسه شوند. در بعضی موارد، فرانسوا دروش به وجود اثر سوزن در «انتهای خط‌های عمودی» یا «دو سر خط‌های عمودی» اشاره می‌کند.^{۸۶}

در قدیمی‌ترین پاره نسخه‌های بازمانده قرآنی بر روی ورق پوستی، که متعلق به سده‌های اولیه اسلام (پایان سده ۱ و ۲ و ۳/ق-پایان سده ۷ و ۸ و ۹م) هستند، غالباً نقش مسطر اصلاً وجود ندارد. فقط در چند مورد می‌توان انواع متفاوت نقش مسطر را مشاهده کرد: بعضی پاره نسخه‌ها تنها دارای خط عمودی بیرونی حد نوشته و یا دو خط عمودی می‌باشند، یا دارای خطوط عمودی و دو خط افقی بالایی و پایینی جدول نوشتار هستند؛ یا فقط دارای سطراندازی افقی بوده؛ سطراندازی عمودی برای حد نوشته و سطراندازی افقی هستند. اما در مورد روش‌ها، همان اندازه که سطراندازی با قلم فلزی وجود دارد، سطراندازی با مرکب رنگی («با نوک سربی»، «با مرکب») نیز مشاهده می‌شود.^{۸۷}

عمودی حد نوشته گردد. در این صورت، غالباً خط‌ها با قلم فلزی بر یک روی تک‌تک ورق‌ها (معمولاً صفحه‌های رو) کشیده می‌شده‌اند (نسخه‌های خطی 212 و 211 Vat. arab.).^{۸۳} در نسخه خطی Vat. arab. 213، سطراندازی با قلم فلزی، بر طرف رخ انجام گرفته است، و این شاید به علت ضخامت و سفتی ورق پوستی باشد. در نسخه‌های (Vat. arab. 210 و Borg. arab. 51) خط‌های عمودی با مرکبی به رنگ بلوطی، متفاوت با رنگ مرکب متن، با استفاده از ابزاری که در عین حال می‌توانسته اثری مانند قلم فلزی بر جا بگذارد، ترسیم شده است (نک: نسخه خطی Borg. arab. 51، گ ۱۲ که خط عمودی بیرونی با رنگ شروع می‌شود و با اثر قلم فلزی خاتمه می‌یابد).^{۸۴} همچنین غالباً اثر سوزن‌هایی با سوراخ‌های بسیار ریز و مدور در دو انتهای خط‌های عمودی مشاهده می‌شوند.

نوع و روش‌های سطراندازی که در نسخه‌های خطی قرآنی بر روی ورق پوستی دیده می‌شوند، در قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی بر روی کاغذ (سده‌های ۷-۸/ق-۱۳-۱۴م؛ نک: پایین) با منشأ اسپانیایی، متعلق به کتابخانه واتیکان، نیز وجود دارند (نک: پایین). نسخه خطی بر روی ورق پوستی، با محتوای غیر دینی Vat. arab. 310، مورخ ۳۴۶/ق-۹۵۷م، بر همین سیاق سطراندازی شده است: نقش مسطر افقی وجود ندارد در حالی که نقش حد نوشته عمودی با قلم فلزی بر روی تمام برگ‌ها دیده می‌شود. برعکس، نسخه خطی غیرقرآنی دیگری بر روی ورق پوستی، Barb. Or. 46، سطراندازی ندارد. با این حال، در میان نسخه‌های خطی با منشأ اسپانیایی و شمال آفریقایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، این یگانه نسخه‌ای است که متن آن در یک جدول که با همان مرکب متن ترسیم شده‌اند جای گرفته است. در این حالت آخری، شاید قاب بر پایه نوع متن نسخه‌برداری شده طرح گردیده باشد: مانند جداول ستاره‌شناسی. در میان نسخه‌های خطی با منشأ مغربی به نظر می‌آید که فقط متن معدودی از متأخرترین آنها مُجَدَّوَل باشد. برای مثال، در میان قرآن‌های مغربی متعلق

^{۸۳} این داده‌ها با آنچه کلر در مورد نسخه‌های خطی عربی با منشأ مغربی یا اسپانیایی نشان داده است مطابقت دارد، نک:

‘Ces données correspondent à celles qui ont été relevées par A. Keller, *Le système espagnol de réglure dans les manuscrits visigothiques*, dans *Actas del VIII coloquio del Comité internacional de paleografía latinana*, éd. par M. Díaz y Díaz, (Madrid, 1990), pp. 107-114: 113, sur des manuscrits arabes d’origine maghrébine ou espagnole.

^{۸۴} در خصوص سطراندازی رنگی، نک:

Sur la réglure en couleur cf. P. Canart - P. Del Carmine - C. Federici - F. Lucarelli - J.D. Mac Arthur - P. A. Mandò - M. Maniaci - M Palma, *Recherches préliminaires sur les matériaux utilisés pour la réglure en couleur dans les manuscrits grecs et latins*, “Scriptorium”, 45 (1991), pp. 205-225 + pll. 18, 27-33.

^{۸۵} Cf. Déroche, *Les manuscrits du Coran. Du Maghreb à l’Insulinde*, nos. 328, 331, 332 et 333.

^{۸۶} Déroche, *Les manuscrits du Coran. Du Maghreb à L’insulinde*, nos. 296-304.

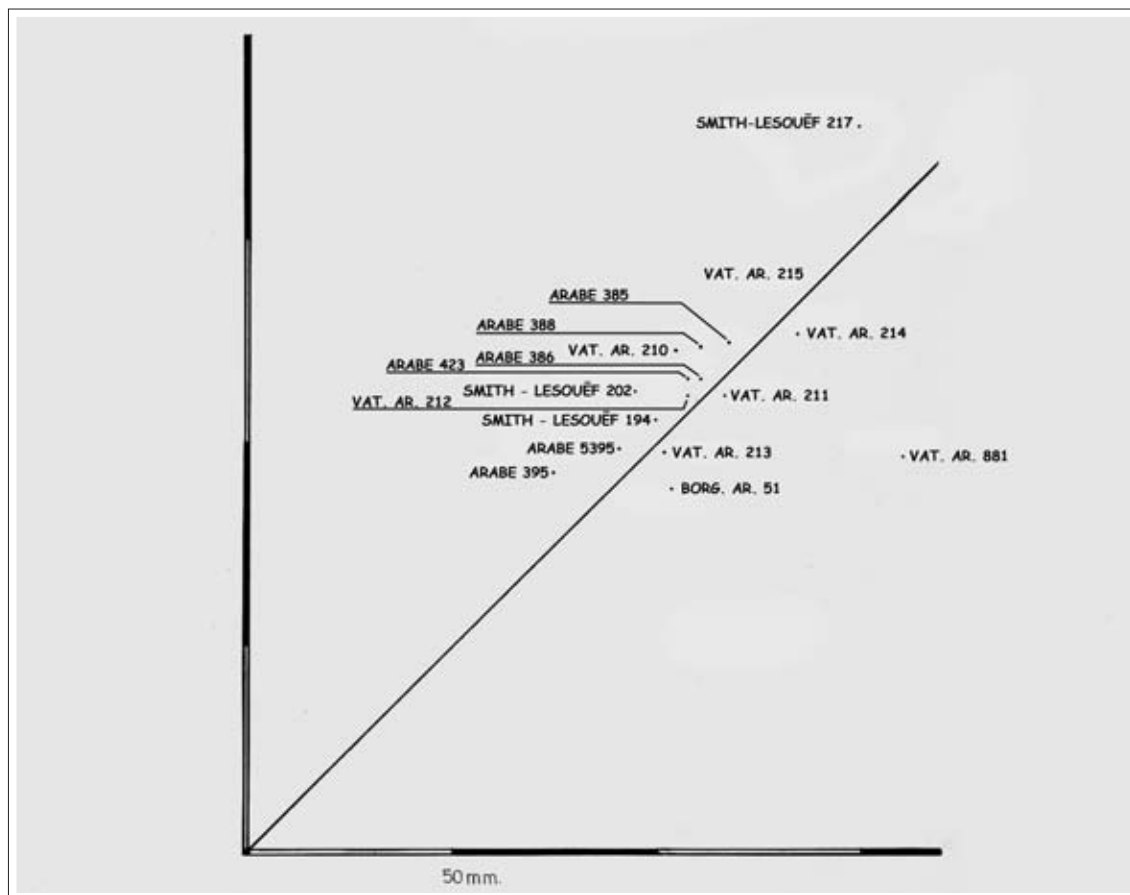
^{۸۷} Cf. Déroche, *Les manuscrits du Coran. Aux origines de la calligraphie coranique*, p. 20.

ابعاد دستنویس‌ها، قطع و سطح نوشته

قطع تقریباً مربع که با نسبت عرض و ارتفاع صفحه - کم و بیش - نزدیک به ۱ است، شاید یکی از مختصات اصلی قرآن‌های خطی باشد که مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ و با توجه به تزیینات آنها، به نظر می‌رسد که نوعی خاص از کتاب برای نسخه‌برداری از قرآن در نظر گرفته می‌شده. فقط نسخهٔ Vat. arab. 881 که قطع بیاضی دارد مستثنی است. در مقابل، ابعاد دو نسخهٔ غیرقرآنی، بر روی ورق پوستی 310 Vat. arab. و 46 Barb. or، دارای نسبت عرض/ارتفاع ۰/۶۶ و ۰/۷۱ هستند و بنابراین عمودی شکل می‌باشند. اندازه‌های ارتفاع و عرض قرآن‌های خطی، بین ۱۲۷×۱۳۷م در نسخهٔ خطی Borg. arab. 51 و ۲۰۰×۲۱۲م در نسخهٔ خطی Vat. arab. 214، قرار دارند. اندازه‌های ارتفاع و عرض سطح نوشته در قرآن‌های خطی بر روی ورق پوستی، در گروه انتخابی کتابخانهٔ واتیکان ت ۱۶ و کتابخانه ملی فرانسه - با مقیاس ۷:۱۰ - در نمودار* زیر ارائه شده‌اند که همچنین می‌توان نسبت عرض/ارتفاع این

سطوح را براساس دوری از خط مایل که رابطهٔ عرض/ارتفاع=۱ را نشان می‌دهد، مورد بررسی قرار داد. برای اندازه‌گیری ارتفاع سطح نوشته، چون سطراندازی افقی وجود ندارد، فاصلهٔ میان کرسی نخستین سطر نوشته تا کرسی آخرین سطر را اندازه‌گیری کرده‌ایم.^{۸۸}

قرآن‌های خطی قدیمی بر روی ورق پوستی، در کتابخانهٔ ملی فرانسه غالباً قطع بیاضی دارند.^{۸۹} اندازه‌های سطح نوشته را در آنها می‌توان به صورت معادلهٔ عرض = ارتفاع + ۷۰مم نشان داد. یعنی «طول اندازهٔ نوشته با ارتفاع آن برابر است - اندازهٔ آن از کرسی نخستین سطر تا کرسی آخرین سطر محاسبه شده است - به اضافهٔ ۷۰مم برای تمام دستنوشته‌ها». در مورد نسخه‌های با قطع بسیار کوچک، ابعاد عرض و ارتفاع سطح نوشته از روی معادلهٔ عرض = ارتفاع + ۵۰مم مشخص می‌شود. با این حال، تعدادی از نسخه‌های خطی که به خط تحریری قدیمی، موسوم به «حجازی»، نوشته شده‌اند دارای قطع عمودی‌اند که، به احتمال قوی، از دیگر نسخه‌های خطی قدیمی‌ترند. فقط دو نسخهٔ خطی arab. 327 و arab. 330b



ت ۱۶ ■

⁸⁸ Cf. la méthode indiquée par Déroche, *Les manuscrits du Coran. Aux origines de la calligraphie coranique*, p. 16.

⁸⁹ Cf. Déroche, *Les manuscrits du Coran. Aux origines de la calligraphie coranique*, p. 19 et graphique I.

مغربی (به غیر از نسخه‌های خطی سودانی) که در فهرست توصیف شده‌اند، رکابه دارند و عبارتند از: نسخه 466 arab. (n. 319)، مورخ ۱۰۷۰/ق/۱۶۵۹م؛ نسخه 4528 arab. (n. 323)، که احتمالاً متعلق به سده ۱۱/ق/۱۷م است، و فقط در پایان جزو رکابه دارد؛ نسخه خطی 575 arab. (n. 325) مورخ ۱۱۹۴-۱۱۹۵/ق/۱۷۸۰م؛ نسخه خطی 589 arab. (n. 328) مورخ ۱۲۴۲-۱۲۴۳/ق/۱۸۲۶-۱۸۲۷م و نسخه 6989 arab. (n. 333)، که متعلق به سده ۱۲/ق/۱۸م است. در ضمن این نسخه‌های خطی بسیار متأخرند و قدیمی‌ترین آنها متعلق به ۱۰۷۰/ق/۱۶۵۹م است.

در نسخه‌های خطی غیرقرآنی اسپانیایی بر روی کاغذ، رکابه دیرتر مشاهده شده (سده‌های ۹-۱۰/ق/۱۵-۱۶م) و به علاوه، استفاده از آن نامنظم بوده است. اما، رقم جزوها تنها در یک مورد (نک: پایین) دیده شده است. بنابراین، به نظر می‌آید که استفاده از رکابه‌ها، که به هر حال یک نوآوری است، در قرآن‌های خطی دیرتر از نسخه‌های خطی با محتوای غیردینی معمول گردیده است. بررسی نسخه‌های خطی دارای منشأ شمال آفریقایی متعلق به کتابخانه واتیکان (نک: بالا) این فرضیه را ظاهراً تأیید می‌کند: از میان هفت قرآن خطی بررسی شده، در قدیمی‌ترین آنها (Rossiano 1033 مورخ ۶۲۱/ق/۱۲۲۴م)، از رکابه استفاده نشده؛ در دومین آنها (Borg, arab. 252)،



ت ۷: نسخه‌های Vat. arab. 212، گ ۱۶، و Vat. arab. 214، گ ۷۱ (برگرفته از: Tisserant, Specimina codicum Orientalium, Pl. 43a et 43b).

[در کتابخانه ملی فرانسه] به قطع خشتی هستند که به نظر دروش این شکل به یک دوره کوتاه انتقالی «از شکل قدیمی نوع حجازی به شکل‌هایی که به دنبال آن ترجیح داده شدند»^{۹۰} متعلق است. به نظر می‌آید که قطع خشتی از مختصات برخی پاره نسخه‌های خطی ادبی عربی بر روی پایروس باشد که می‌توان آنها را متعلق به میانه سده ۲/ق/۸م تا میانه سده ۴/ق/۱۰م دانست.^{۹۱} این قطع را گاسکو (J. Gascou) نیز، ضمن مطالعات خود، در میان اسناد دست‌نوشته مصری مشاهده کرده است که عبارت‌اند از نسخه‌های پایروسی متعلق به دوران اسلامی، با منشأ آفرودیتو (Aphrodito)؛ در حالی که قطع نسخه‌های متعلق به دوران بیزانس نسبت عرض/ارتفاع بین ۲:۳ و ۱:۲ متغیر بوده‌اند. گاسکو یادآوری کرده است که «این قطعات از لحاظ شکل ظاهری با هم‌تایان ادبی خود چندان متفاوت نیستند».^{۹۲}

بنابراین قطع خشتی در قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی عربی بر روی پایروس، اعم از نسخه‌های ادبی یا اسناد، مشاهده می‌شود. این قطع همچنین به اندازه‌ای کمتر، در قدیمی‌ترین قرآن‌های خطی بر روی ورق پوستی دیده شده است.

سطرهای نوشتار

در قرآن‌های خطی فرانسه و گروه انتخابی کتابخانه واتیکان، تعداد سطرهای متن از حداکثر ۲۹ سطر با مساحت نوشته‌ای به ارتفاع ۱۷۷م (نسخه 386 Arabe، ش 299 از فهرست دروش) تا حداقل پنج سطر در نسخه‌های 214 و Vat. arab. 210 که در سطوحی به ترتیب با ارتفاع ۱۲۲ و ۱۲۶م نوشته شده‌اند تغییر می‌کند. بین نسخه‌ای که بیشترین سطرها را دارد (۲۹ سطر)، و نسخه‌هایی که دارای ۵ سطر هستند، فقط نزدیک به ۵۰م اختلاف وجود دارد، زیرا فاصله سطرها و پهنای قلم در آنها به مقدار زیادی متفاوت است.*

۱۷ت

رقم جزوها و رکابه‌ها

قرآن‌های خطی که در اینجا شرح داده شده، نه دارای رقم در آخر جزوها می‌باشند و نه از رکابه در آنها استفاده شده است. در میان قرآن‌های حوزه مغربی در کتابخانه ملی فرانسه (به غیر از قرآن‌های سودانی به ش. 334 و 343 از فهرست دروش)، فقط چند تا از آنها، که بر روی کاغذ نوشته شده‌اند، یعنی در مجموع پنج نمونه از سی و هشت قرآن خطی مربوط به حوزه

⁹⁰ Déroche, *Les manuscrits du Coran. Aux origines de la calligraphie coranique*, p. 50.

⁹¹ Cf. Abbott, *Studies in Arabic Literary Papyri. I. Historical Texts*, p. 2 et note 2.

⁹² Cf. Gascou, *Les codices documentaires égyptiens*, pp. 77-78.



نوشته شده قبل از ۸۵۴ق/۱۴۵۰م)، رکابه فقط در پایان جزو مشاهده شده؛ در سومی (Vat. arab. 257 مورخ ۸۸۲ق/۱۴۷۷م) که دوکاتب آن را نوشته‌اند، تنهاکاتب اول رکابه آورده، در حالی که دومی (برگ‌های ۲۰-۶۴) از آوردن آن خودداری کرده است. در چهار نسخه خطی دیگر که متأخرتر هستند، به صورت منظم از رکابه استفاده شده است. اما، در هیچ یک از هفت قرآن خطی بررسی شده متعلق به سده‌های ۹-۱۰ق/۱۵-۱۶م رکابه دیده نمی‌شود.

در حوزه شرقی اسلام، رقم جزوها از دوره‌های قدیمی، حداقل در نسخه‌های با محتوای غیر دینی (نک: پایین) دیده شده است. اما به نظر می‌آید که در این حوزه نیز استفاده از رکابه یک نوآوری بوده است. فرانسیس ریشارد نشان داده است که رکابه در نسخه‌های خطی فارسی، از سده ۸ق/۱۴م متداول گردیده و پیش از آن دیده نشده است.^{۹۳}

گونه‌شناسی قرآن‌ها

قرآن‌های خطی مغربی که پیش از این شرح داده شد، نشان دهنده نوع معینی از کتاب می‌باشند. این قرآن‌ها عبارت‌اند از هفت نسخه خطی بر روی ورق پوستی با منشأ اسپانیایی یا مغربی، متعلق به کتابخانه واتیکان، که نسخه 215 arab. مورخ ۱۳۱۲-۱۳۱۳م در تونس و نه قرآن خطی بر روی ورق پوستی متعلق به کتابخانه ملی پاریس (ش ۲۹۶ تا ۳۰۴ از فهرست دروش) را باید بر آنها افزود. ب. موریتس^{۹۴}، ر. رایت^{۹۵} و م. لینگز (M. Lings)^{۹۶} عکس‌هایی از چند صفحه قرآنی از این نوع را منتشر کرده‌اند. اما این نوع کتاب از انواعی است که در تمام مجموعه‌های نسخه‌های اسلامی مشاهده می‌گردد. درباره چند قرآن از منشأ اسپانیایی متعلق به این گروه س. خمیر (S. Khemir) توضیحاتی ارائه کرده است.^{۹۷}

ویژگی اصلی این نوع دستنوشته، قطع آن است که اغلب خستی و گاهی بیاضی است. استفاده از این قطع را در دوره‌ای که شکل عمودی رایج بود (نک: به نسخه‌های غیرقرآنی بر روی ورق پوستی و بر روی کاغذ)، می‌توان کوششی آگاهانه برای دادن جلوه‌ای قدیمی به نسخه تلقی کرد.

آرایه نیز با اینکه منحصر به این نوع کتاب نیست و در دیگر قرآن‌های خطی بر روی کاغذ، مربوط به همان حوزه هم دیده می‌شود، از اختصاصات این نوع دستنوشته محسوب می‌گردد؛ عنوان سوره‌ها و تعداد آیه‌های آنها با خط کتیبه‌نگاری («کوفی») نوشته شده و با مرکب بر روی صفحه نقش گردیده و با طلا رنگ شده، همراه با شاخه نخلی که گاه تا حاشیه بیرونی امتداد می‌یابد؛ نشانه جداسازی در میان پنج سوره، که حرف «ه» می‌باشد، اغلب به شکل صدف نشان داده شده است؛ در صفحه‌های اول و آخر نسخه معمولاً مربع‌هایی بانقش‌های درهم پیچیده که بیشتر اوقات شکل هندسی دارند،* به رنگ طلایی، آبی، قرمز تند، سبز (غالباً زنگاری) و گاه نیلی، دیده می‌شوند؛ ممکن است تعداد حروف و کلماتی را که در متن قرآن وجود دارد نیز در آنها نوشته باشند، همان گونه که در masorah عبری دیده می‌شود (نک: 212 Vat. arab. ب (ار)؛ و یا در آخر نسخه، ترقیمه‌هایی مربوط به پایان یک «جزء» و یا تمام متن قرآن دیده می‌شود.*

تعداد و کاربرد مرکب‌ها نیز قابل توجه است: بلوطی و بیش روشن) برای متن؛ سرخ برای علامت‌گذاری مصوت‌ها و تنوین‌ها؛ آبی یا زنگاری (گاه سبز، مانند نسخه 215 Vat. arab.) برای علائم املائی؛ نارنجی یا زرد برای وصل‌ها؛ سبز برای همزه.* در بعضی از نسخه‌ها به جای طلا، گلِ آخرا به کار رفته است.

در این نوع نسخه‌های خطی غالباً از پوست استفاده شده است، اما نمونه‌های متأخر بر روی کاغذ نیز وجود دارد. نمونه‌ای از آنها نسخه Barb. Or. 70 در کتابخانه واتیکان است که بر روی کاغذ نوشته شده و دارای منشأ شمال آفریقایی است که لوی دلا ویدا تاریخ آن را سده ۱۰ق/۱۶م تعیین کرده است.^{۹۸} این نسخه دارای همان قطع (ابعاد ۲۱۲×۲۱۱م؛ سطح نوشته ۱۴۱×۱۲۷م؛ نسبت عرض/ارتفاع سطح نوشته ۱/۱)، همان نوع استفاده از مرکب‌ها، و همان آرایه قرآن خطی بر روی ورق پوستی است که در بالا ذکر شد. نقش مسطر نیز محدود به خطوط عمودی حدود نوشته است که با قلم فلزی

⁹³ Cf. Déroche-Richard, *Du parchemin au papier* (texte dactylographié).

⁹⁴ Moritz, *Arabic Palaeography*, Pl. 47, در ۱۱۶۰م در والنس، نسخه خطی مورخ ۵۵۵ق/۱۱۶۰م در والنس.

⁹⁵ Wright, *Facsimiles*, Pl. 61, نسخه خطی سالیایی شده حدود ۶۵۵ق/۱۲۵۷م، تاریخی که در یادداشتی درباره تولد یکی از پسران کاتب آمده است.

⁹⁶ M. Lings, *The Quranic Art of Calligraphy and Illumination*, s.1. 1976, Pl. 95 (ms. Smith-Lesouëf 217, de la BNP = n. 304 du catalogue de Déroche), Pl. 99 (ms. datable du XII^e siècle), Pl. 100-101 (ms. daté de Valence 1182), Pl. 102 (ms. daté de Marrakesh 1202-3), et Pl. 104 (ms. Arabe 385 de la BNP, daté de 1304 = n. 296 du catalogue de Déroche).

⁹⁷ S. Khemir, *Las artes del libro*, dans *Al-Andalus. Las artes islamicas en España*, éd. par J.D. Dodd, (Madrid-New York, 1992), pp. 115-125.

⁹⁸ Levi Della Vida, *Elenco dei manoscritti arabi islamici*, p. 243.

این چنین نشانه‌ای را می‌توان فقط در تنها نسخهٔ مجموعهٔ کتابخانهٔ واتیکان (arab. 215) یافت که دارای انجامه‌ای است به این مضمون که نسخه را احمد بن اسماعیل به محمد بن یحیی عبدالعزیز الغسانی برای خود (لنفسه) نسخه‌برداری کرده است.

بر سمت روی هر یک از برگ‌ها کشیده شده است؛ در حالی که در نسخه‌های بر روی کاغذ اسپانیایی و شمال آفریقایی آن دوران، از این پس استفاده از مسطر به خوبی مشاهده می‌شود (دنباله مقاله). به این ترتیب، این از نوع کتاب‌هایی است که در سده‌های ۶-۱۰ق/۱۲-۱۶م برای قرآن مورد استفاده قرار گرفته است.

این نوع نسخه‌ها معمولاً بسیار زیبا هستند و به فراوانی تزئین گردیده‌اند. البته بایست توجه داشت که ممکن است آنها را برای استفادهٔ شخصی نسخه‌برداری کرده باشند.



ت ۱۸: نسخهٔ 194 Smith-Lesouëf، گ ۱ پ، پاریس، کتابخانهٔ ملی فرانسه.

نسخه‌های خطی غیرقرآنی بر روی کاغذ

سده‌های ۷-۸ق/۱۳-۱۴م

کاغذ

نسخه‌های زیر بر روی کاغذ زیگزاکی نوشته شده‌اند: Vat. arab. 447 (مورخ ۶۰۷ق/۱۲۱۰م)؛ Vat. arab. 291 (مورخ ۶۹۰-۶۹۱ق/۱۲۹۱م)؛ Borg. arab. 128 (مورخ ۷۰۴ق/۱۳۰۴م)؛ Borg. arab. 124 (مورخ ۷۳۹ق/۱۳۳۸م)؛ Borg. arab. 131 I بدون تاریخ است، ولی لوی دلا ویدا تاریخ آن را سده ۸ق/۱۴م تعیین کرده، و Borg. arab. 131 II، که ممکن است کمی متأخرتر از نسخه قبلی باشد. بر اینها می‌بایست نسخه 1033 Rossiano مورخ ۶۲۱ق/۱۲۲۴م در سبته راکه بر روی کاغذ زیگزاکی نوشته شده نیز اضافه کرد. این نسخه‌ها قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی در میان نسخه‌های نوشته شده بر روی کاغذ، دارای منشأ اسپانیایی می‌باشند. نسخه 159 Borg. arab. (مورخ ۷۳۸-۷۴۴ق/۱۳۳۷-۱۳۴۱م)، که معاصر متأخرترین نسخه تاریخ‌دار بر روی کاغذ زیگزاکی، و نسخه‌های خطی Borg. arab. 169 و Vat. arab. 368 متعلق به سده ۸ق/۱۴م بر روی کاغذ بدون ته‌نقش دار و بدون نقش زیگزاکی نسخه‌برداری شده‌اند. قدیمی‌ترین نسخه خطی استساخته بر روی کاغذ ته‌نقش دار، نسخه 125 II Borg. arab. مورخ ۷۷۷/۱۳۷۵م است که دارای ته‌نقشی با منشأ ایتالیایی و شبیه به نسخه Briquet n. 13864 می‌باشد.

مرکب‌ها

تا پایان سده ۸ق/۱۴م، در نسخه‌های بررسی شده، از مرکب‌هایی به رنگ بلوطی و یا قهوه‌ای برای نوشتن متن استفاده می‌شده است. همچنین در بیشتر آنها رنگ دیگری، سرخ (از قرمز جگری تا قرمز روشن) برای نوشتن عنوان‌ها به کار رفته که عبارت‌اند از نسخه‌های: Borg. arab. 124، Borg. arab. 131 II، Borg. arab. 169، Borg. arab. 159، Borg. arab. 131 I، Borg. arab. 163 I، Borg. arab. 125 II، Vat. arab. 368 (فقط برای پر کردن نیم‌دایره‌های نقطه‌گذاری متن)، و فقط در نسخه Borg. arab. 131 II رنگ سومی نیز وجود دارد، رنگ سبز، که برای عنوان‌ها به کار رفته است.

روش‌ها

این گروه از قدیمی‌ترین نسخه‌های اسپانیایی بر روی کاغذ (سده‌های ۷-۸ق/۱۳-۱۴م)، شیوه‌ای را که پیش از این در مورد نسخه‌های خطی بر روی ورق پوستی، اعم از قرآنی

یا غیر آن، مشاهده کردیم تأیید می‌کنند: سطر بندی یا اصلاً وجود ندارد و یا غالباً منحصر به خط‌های عمودی حدود متن در نوشتارند. این خطوط عموماً با قلم فلزی بر روی هر یک از برگ‌ها نقش شده‌اند. تنها یک نسخه دارای خط‌های عمودی حدود نوشته به رنگ بلوطی است که با رنگ مرکب متن متفاوت است: Borg. arab. 172 II که با توجه به ته‌نقش آن احتمالاً متعلق به حدود ۷۸۲ق/۱۳۸۰م است (نک: بالا).

همانند قرآن‌های خطی و نسخه‌های غیرقرآنی بر روی ورق پوستی، جزو‌ها فاقد رقم هستند، رکابه نیز اصلاً وجود ندارد و تزئینات نیز دیده نمی‌شود. تنها نسخه مذهّب، نسخه 368 Vat. arab. است.

متأسفانه جزو بندی چندان قابل اهمیت نیست. نسخه‌هایی وجود دارند که اکثر آنها از جزوهای چهار برگی (Vat. arab. 291)، شش برگی (Borg. arab. 169) و شاید 163 I)، جزوهای هفت دو برگی (Borg. arab. 163 II)، جزوهای ده دو برگی (Borg. arab. 172 II)، 163 I arab. Borg. و جزو‌هایی متشکل از تعداد متغیری از دو برگی‌ها (Vat. arab. 125 II، 159، Borg. arab. 124، 447) تشکیل شده‌اند. ویژگی نسخه 128 Borg. arab. با جزو‌هایی چهار برگی، که منظم‌اً در انتهای هر یک از آنها دو ورق چسبانده شده، همچنان بدون توضیح است.

سده‌های ۹-۱۰ق/۱۵-۱۶م

کاغذ

هیچ یک از نسخه‌های خطی مربوط به این دوسده بر روی کاغذهای زیگزاکی نیستند. در کنار کاغذ ته‌نقش دار، که بیشتر آن از ایتالیا وارد می‌شده، استفاده از کاغذ مغربی همچنان ادامه داشته، چنانکه، در طول سده ۹ق/۱۵م، باز دو نسخه بر روی کاغذ بدون ته‌نقش نوشته شده‌اند: نسخه 130 arab. Borg. (مورخ ۸۰۴ق/۱۴۰۱م) و نسخه 127 Borg. arab. (مورخ ۸۴۹ق/۱۴۴۵م). و باز در سده ۹ق/۱۶م نسخه‌های خطی Borg. arab. 171 (مورخ ۹۱۸ق/۱۵۱۲م)، Borg. arab. 170 (مورخ ۱۰۰۸ق/۱۵۹۹م، بر روی کاغذ با ته‌خط‌های عمودی گروهی نوشته شده‌اند، و چنانکه می‌دانیم دارای منشأ عربی شرقی می‌باشد) و همچنین نسخه 164 Borg. arab. (مورخ ۱۰۰۸ق/۱۵۹۹م که ظاهراً آن نیز بر روی کاغذ با ته‌خط‌های عمودی نزدیک به هم نوشته شده) تدوین گشته‌اند. داده‌های مربوط به کاغذ بدون ته‌نقش (ابعاد، نسبت عرض/ارتفاع صفحه، ورق کاغذ اصلی، بعد از برش) را می‌توان به شرح صفحه بعد خلاصه کرد:



۳۰۰×۴۰۴	تای چهاربرگی	۰/۷۴	۲۰۲×۱۵۰	Vat. arab. 447
۲۵۵×۳۷۲	تای دو برگی	۰/۷۳	۲۵۵×۱۸۶	Rossiano 1033
۲۶۹×۴۰۶	تای دو برگی	۰/۷۵	۲۶۹×۲۰۳	Vat. arab. 291
۲۵۶×۴۰۰	تای دو برگی	۰/۷۸	۲۵۶×۲۰۰	Vat. arab. 125 I
۲۶۵×۴۲۴	تای دو برگی	۰/۸	۲۶۵×۲۱۲	Vat. arab. 128
۲۸۱×۳۶۶	تای دو برگی	۰/۶۵	۲۸۱×۱۸۳	Vat. arab. 131
۲۷۳×۳۶۴	تای دو برگی	۰/۶۶	۲۷۳×۱۸۲	Borg. arab. 124
۲۷۰×۳۶۶	تای چهاربرگی	۰/۷۴	۱۸۳×۱۳۵	Borg. arab. 159
۲۹۰×۳۹۲	تای چهاربرگی	۰/۷۴	۱۹۶×۱۴۵	Borg. arab. 169*
* این نسخه خطی به حدی برش خورده که تقریباً تمام حاشیه‌ها از بین رفته‌اند.				
۲۸۵×۴۲۶	تای دو برگی	۰/۷۵	۲۸۵×۲۱۳	Vat. arab. 368
۲۸۲×۳۹۴	تای دو برگی	۰/۷	۲۸۲×۱۹۷	Borg. arab. 130
۲۷۵×۴۰۸	تای دو برگی	۰/۷۴	۲۷۵×۲۰۴	Borg. arab. 127

می‌باشد، مشابه با نسخهٔ Valls I Subira n. 227، مورخ ۸۳۴ق/۱۴۳۰م. علاوه بر این تعدادی از نسخه‌های نیمهٔ اول سدهٔ ۹ق/۱۵م Borg. arab. 167, 161, 172 I, 160 همان نسخهٔ Borg. arab. 163II (که در بالا ذکر شد) بر روی کاغذی نوشته شده‌اند که دارای ته‌نقش با عرابه‌ای با دو چرخ. این نوع ته‌نقش با منشأ ایتالیایی، در کاغذهای ساخت کاتالونیا بسیار متداول شد.^{۹۹}

مرکب‌ها

در حالی که برای متن نسخه‌های سده‌های ۷-۸ق/۱۳-۱۴م استفاده از مرکب بلوطی یا قهوه‌ای ترجیح داده می‌شد، در طول سدهٔ ۹ق/۱۵م استفاده از مرکب سیاه یا تقریباً سیاه مرسوم گردید. به هر حال، استفاده از مرکب بلوطی در نسخه‌های متأخرتر ادامه یافت و گاه نیز در یک نسخه به تناوب همراه با مرکب سیاه، به کار برده می‌شد. در نسخه‌های Borg. arab. 161, 160, 163 II, 162, 166, 171, 170, 164 نیز از مرکب سیاه استفاده شده است.

مرکب‌هایی که برای سرفصل‌ها و عنوان‌ها استفاده شده‌اند عبارتند از: سرخ (نسخه‌های 165, 65, 170, 171 Borg. arab. 130, 167, 160, 160, 167, 130)؛ زرد گِل (= گِل اُخرا) (نسخه‌های 130, 172 I, 171 Borg. arab. 130)؛ سبز

کاغذ این نسخه‌ها دارای ته خط افقی مستقیم و موازی و ته خط‌های عمودی خمیده با فاصله‌های نامنظم است. نسبت عرض/ارتفاع صفحات غالباً بین ۴:۳ و ۷:۵ است. نسخه‌های Vat. arab. 131 و Borg. arab. 124 که باریک‌ترین و نسخهٔ Vat. arab. 128، که متمایل به مربع است، مستثنی هستند. نسخهٔ Vat. arab. 125 I، بخشی از یک نسخهٔ ناهمگن است: قطع آن ممکن است احتمالاً با قطع واحد دیگر نسخه‌شناسی‌ای که آن را تشکیل می‌دهد، و بر روی کاغذ ته‌نقش دار ساخت ایتالیا نوشته شده، منطبق شده باشد. داده‌های جمع آوری شده، آنچه را دربارهٔ تاریخ کاغذ کاتالونایی و عربی مغربی پیش از این شناخته شده بود، تأیید می‌کنند.^{۹۹}

قدیمی‌ترین نوع کاغذ، همان است که در خاتیوا، (نسخهٔ Vat. arab. 447)، ساخته شده است؛ در کاغذ قدیم‌ترین دوره تا نیمهٔ سدهٔ ۸ق/۱۴م، علامت زیگزاگ می‌تواند وجود داشته باشد. از نیمهٔ سدهٔ ۸ق/۱۴م، کاغذ ساخت ایتالیا بازار اسپانیا را تصاحب می‌کند (نک: نسخه‌های 172 II و Borg. arab. 125 II، نوشته شده بر روی کاغذ ایتالیایی). اما در حدود نیمهٔ اول سدهٔ ۹ق/۱۵م کاغذ ته‌نقش دار، تولید کاتالونیا، جای خود را در بازار باز می‌کند: نمونه‌ای از آن، نسخهٔ arab. 163 II است با ته‌نقشی که دارای علامت شهر والانس

⁹⁹ Cf. Basanoff, *Itinerario della carta*, pp. 28–29; Valls I Subirá, *El papel y sus filigranas en Catalonia*, I; J. Irigoien, *Papiers orientaux et papiers occidentaux*, dans *La paléographie grecque et byzantine*, (Paris, 1977) (*Colloques internationaux du C.N.R.S.*, 559), pp. 45–54: 48–50; P. Canart, *A propos du Vaticanus graecus 201. Le recueil scientifique d'un érudit constantinopolitain du XIII^e siècle et l'emploi du papier "à zig-zag" dans la capitale byzantine*, "Illinois Classical Studies", 7 (1982), pp. 271–298.

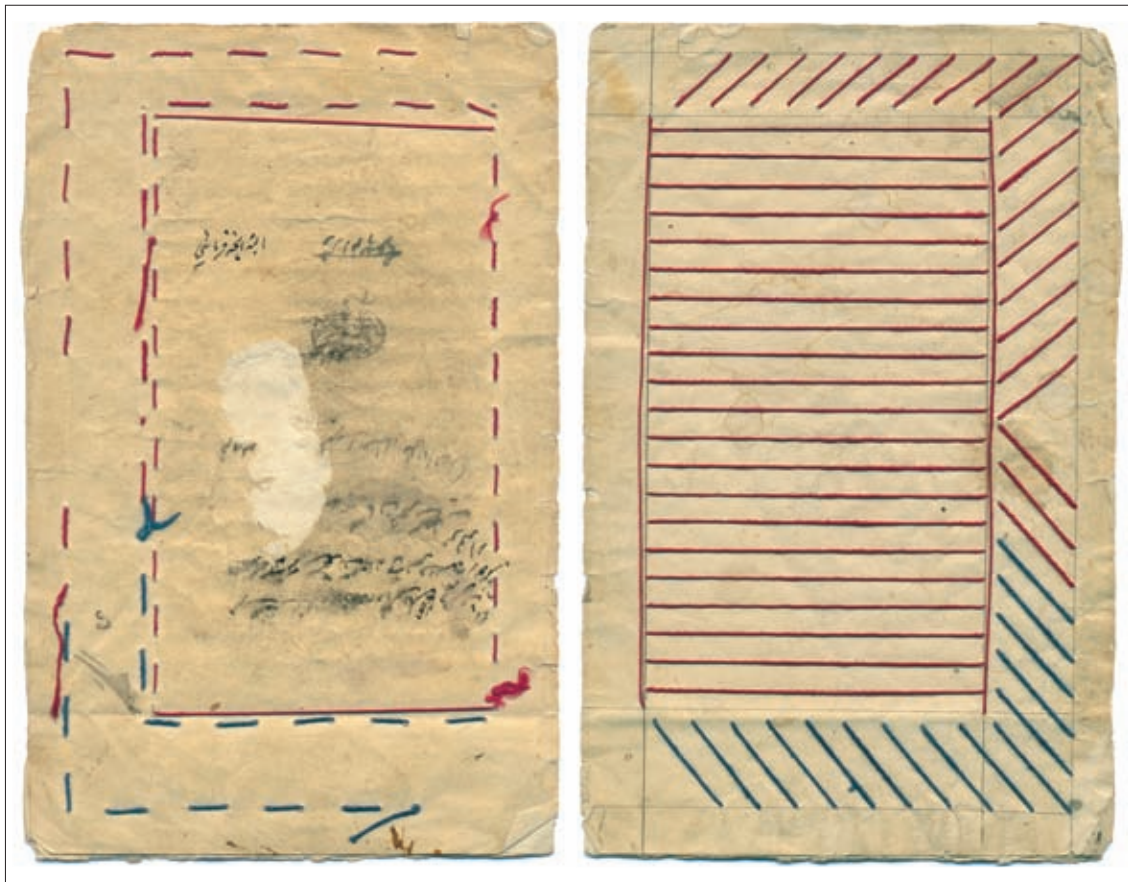
¹⁰⁰ Cf. Valls I Subirá, *El papel y sus filigranas en Catalonia*, I: 374.

(نسخه ۱۷۱ Borg. arab.) در خصوص تعداد رنگ‌های مختلفی که به کار برده شده، از ۱۵ نسخه بررسی شده متعلق به سده‌های ۹-۱۰ق/۱۵-۱۶م، هفت نسخه با یک رنگ نوشته شده‌اند؛ شش نسخه با دو رنگ (رنگ سرخ در کنار رنگ مرکب متن؛ و تنها در یک مورد، نسخه I Borg. arab. 172، رنگ أخرا)؛ فقط در یک نسخه (Borg. arab. 130) سه رنگ دیده می‌شود: بلوطی، سرخ و أخرا؛ و در یک نسخه (Borg. arab. 171) از چهار رنگ بلوطی، سرخ، أخرا و سبز استفاده شده است.

روش‌ها

در خصوص نسخه‌های متعلق به سده‌های ۹-۱۰ق/۱۵-۱۶م، همانند نسخه‌های دو سده قبل از آنها، چگونگی جزوبندی‌ها چندان قابل توجه نیست. در مواردی که جزوبندی دیده می‌شود، نسخه‌ها اکثراً از جزوهای چهاربرگی (Borg. arab. 170)، پنج‌برگی (Borg. arab. 160)، شش‌برگی (Borg. arab. 162, 165)، جزوهایی مشتمل بر هفت دوبرگی (Borg. arab. 127 و 163 II)، و جزوهایی مشتمل بر تعداد متغیری از دو برگی‌ها (Borg. arab. 172 I, 166, 65) تشکیل شده‌اند.

در حالی که تا سده ۸ق/۱۴م از روش سطراندازی با قلم فلزی استفاده می‌شده و رنگ خیلی به ندرت به کار می‌رفته، در سده ۹ق/۱۵م در اسپانیا هم استفاده از «مسطر» آغاز شده بود.*
 اولین نسخه تاریخ دار که با این روش سطراندازی شده، نسخه Borg. arab. 160 مورخ ۸۲۶ق/۱۴۲۲م است. همان‌طور که نسخه Borg. arab. 162 مورخ ۸۸۷ق/۱۴۸۲م نشان می‌دهد سطراندازی با قلم فلزی نیز همچنان ادامه داشته. نسخه‌های زیر با استفاده از مسطر سطراندازی شده‌اند و بدین قرارند: 127، 132 II، 162 (مورخ ۸۲۶ق/۱۴۲۲م)، 161، 167 arab. Borg. و شاید 166، 165 Borg. (مورخ ۹۰۷ق/۱۵۰۱م که نیز با قلم فلزی سطراندازی شده‌اند)، Borg. arab. 170 (مورخ ۱۰۰۸ق/۱۵۹۹م)، و Borg. arab. 164 (با همان تاریخ مورخ ۱۰۰۸ق/۱۵۹۹م). این ۱۲ نسخه از مجموع ۱۵ نسخه بررسی شده متعلق به سده‌های ۹-۱۰ق/۱۵-۱۶م می‌باشند. از اینجا می‌توان چنین نتیجه گرفت که این روش، در نسخه‌های عربی با منشأ اسپانیایی متعلق به دوره متأخر، رایج بوده است. اما در نمونه‌های بررسی شده هیچ‌گونه سطراندازی رنگی مشاهده نمی‌شود.



ت ۱۹: نمونه مسطر [قرن ۱۲ق، مجموعه خاندان عتیقی].



عادات نوشتاری در نسخه‌های اسپانیایی بر روی کاغذ معمولاً متن، چنانکه در حوزه اسلامی متداول است، از پشت برگ (معمولاً برگ نخست)، آغاز می‌شود. ابتدای متن نه تنها با «بسم‌الله الرحمن الرحیم» (بسمله) که اجباری می‌باشد، بلکه همچنین با عبارت «صلی‌الله علی محمد و آله» (تصلیه) شروع می‌شود. اگر در پشت همین ورق سرلوحی وجود داشته باشد، عنوان کتاب و نام مؤلف در داخل آن قرار می‌گیرد. در غیر این صورت، نام مؤلف در ابتدای متن، با الگویی سنتی ذکر می‌شود: «چنین گوید [نام مؤلف]». عنوان کتاب و گاه نام مؤلف آن در انجامه کتاب نیز ذکر می‌گردد. انجامه همیشه به صورت سطرهایی که شکل یک مستطیل را درست می‌کنند نوشته می‌شود و یا به شکلی است که نمی‌توان آن را از متن اصلی تمیز داد. یعنی انجامه به متن متصل می‌گردد و عاری از تزئین است.*

در سرلوح و یا در انجامه، از کلمه «سفر» گاه به معنی کتاب یا اثر استفاده شده (نک: نسخه Borg. arab. 128، گ ۳ ر)، و گاه به معنی بخش، فصل و یا جلدی از یک اثر مفصل‌تر به کار رفته است (نک: نسخه‌های گ ۳ پ، 165؛ گ ۲ ر؛ Borg. arab. 159).

از نسخه Borg. arab. 159، مورخ ۷۳۹-۷۴۲ق/ ۱۳۳۸-۱۳۴۱م، به بعد، کاتب در انجامه، روز و ماه را براساس تقویم مسیحی نیز آورده که اغلب اشتباه است.

نسخه‌های خطی عربی بر روی کاغذ، با منشأ شمال آفریقایی ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی بر روی کاغذ، با منشأ شمال آفریقایی متعلق به کتابخانه واتیکان (نک: به فهرست بالا)، قرآن یا غیر از آن، گروه بسیار همگنی را تشکیل می‌دهند. آنها اکثراً از جزوهای پنج برگی درست شده‌اند، به جز نسخه Vat. arab. 205 که از جزوهای چهاربرگی ساخته شده است (در نسخه Vat. arab. 939 نمی‌توان جزوها را مشخص کرد)؛ آنها بر روی کاغذ ته‌نقش دار نسخه‌برداری شده‌اند، به جز نسخه Rossiano 1033، مورخ ۶۲۱ق/ ۱۲۲۴م در سبته (نک: بالا)؛ و اغلب با مسطر سطراندازی شده‌اند. در میان آنها سه استثنا وجود دارد: قدیمی‌ترین آنها، نسخه Rossiano 1033 است که، همانند نسخه‌های اسپانیایی معاصر آنها، فاقد نقش سطراندازی افقی می‌باشد و خطوط عمودی حدود نوشته با مرکب جگری است؛ و دو نسخه دیگر: نسخه‌های

تعیین تاریخ قطعی استفاده از سطراندازی رنگی در حوزه عرب اسلامی غربی آسان نیست: زیرا نسخه‌هایی که در آنها سطراندازی رنگی وجود دارد، به جز نسخه Rossiano 1033، مورخ ۶۲۱ق/ ۱۲۲۴م در سبته، بقیه فاقد تاریخ هستند. این نمونه تاریخ‌دار، که دارای خط‌های عمودی حدود نوشته به رنگ جگری است، نسخه‌های بسیار زیبا، دارای نقاشی و حاوی مطالب ستاره‌شناسی است. در اینجا سطراندازی عمودی سرخ می‌تواند به مثابه گونه‌ای جدول به حساب بیاید. در مورد بقیه نسخه‌های بررسی شده، دو قرآن خطی بر روی ورق پوستی (Borg. arab. 51 و Vat. arab. 210) که لوی دلا ویدا آنها را به ترتیب متعلق به سده‌های ۶ و ۷ق/ ۱۳ و ۱۲م می‌داند، دارای سطراندازی رنگی‌اند. تنها نسخه بر روی کاغذ، که سطراندازی رنگی دارد، نسخه Borg. arab. 172 II است که تاریخ آن را، براساس ته‌نقش آن، می‌توان در حدود ۷۸۲ق/ ۱۳۸۰م تعیین کرد. در میان قرآن‌های خطی بر روی ورق پوستی متعلق به کتابخانه ملی فرانسه، چند نسخه خطی با سطراندازی رنگی وجود دارند که متعلق به سده‌های ۷ و ۸ق/ ۱۳ و ۱۴م دانسته شده‌اند.

در خصوص ساز و کار سطراندازی، در نسخه‌های سطراندازی شده با مسطر، غالباً پشت هر ورق را سطراندازی کرده‌اند. با این حال، برخی از نسخه‌برداران ترجیح می‌داده‌اند در نیمه اول دفتر، پشت ورق‌ها را و در نیمه دوم، روی ورق‌ها را سطراندازی کنند (نک: نسخه Borg. arab. 172). طرح سطراندازی - که در نسخه‌های خطی سطراندازی شده با مسطر همیشه به صورت خط‌های طولانی است - زیاد متغیر نیست و در واقع با صفحه‌بندی متن که معمولاً در سطرهای دراز است، مطابقت دارد.

طی دو سده مورد نظر، گاه گاهی از رکابه نیز استفاده شده است، که البته نمی‌تواند یک قاعده کلی به‌شمار آید. این رکابه‌ها در نسخه‌های Borg. arab. 172 I، و شاید در نسخه Borg. arab. 127 و در نسخه 166 (فقط در بخشی که کاتب اول آن را نوشته است، گ ۳ پ - ۴۷)، و شاید در نسخه‌های Borg. arab. 164 و Borg. arab. 171، و در نسخه‌های Borg. arab. 163 II، 165، 65، 170، رکابه فقط در انتهای جزوها وجود دارد. رقم جزوها تنها در نسخه Borg. arab. 163 II دیده می‌شود که با استفاده از حروف عربی به ترتیب ابجدی تنظیم شده است.

* نامه بهارستان: برای بحث کلی درباره انجامه‌ها و نیز بررسی این نظریه، نک: ایرج افشار، «مقام انجامه در نسخه»، نامه بهارستان، س ۲، ش ۱ (بهار - تابستان ۱۳۸۱)، دفتر ۵: ۳۹-۱۰۰؛ ۴۶-۵۲؛ ۵۵.



Vat. arab. 1071	مورخ ۵۳۸ق/۱۱۴۳م
Vat. arab. 1165	مورخ ۵۶۴ق/۱۱۶۸م
Vat. arab. 1023	مورخ ۵۶۶ق/۱۱۷۰م
Vat. arab. 1607	مورخ ۵۷۷ق/۱۱۸۱م
Sbath 265	مورخ ۵۸۳ق/۱۱۸۷م
Vat. arab. 873	مورخ ۵۸۸ق/۱۱۹۲م در حلب
Sbath 5	مورخ ۶۰۸ق/۱۲۱۱م
Vat. arab. 1025	مورخ ۶۱۱ق/۱۲۱۴م
Vat. arab. 1054	مورخ ۶۱۶ق/۱۲۱۹م
Vat. arab. 526	مورخ ۶۲۲ق/۱۲۲۵م
Vat. arab. 1026	مورخ ۶۲۶ق/۱۲۲۸م
Vat. arab. 1067	مورخ ۶۳۱ق/۱۲۳۳م
Sbath 266	مورخ ۶۳۵ق/۱۲۳۷م
Vat. arab. 1033	مورخ ۶۴۹ق/۱۲۵۱م
Vat. arab. 372	مورخ ۶۵۰ق/۱۲۵۲م در بغداد
Vat. arab. 308	مورخ ۶۶۳ق/۱۲۶۴م
Vat. arab. 785	مورخ ۶۸۸ق/۱۲۸۹م
Vat. arab. 1451	مورخ ۶۷۳ق/۱۲۹۳م در حماة

اگر محل کتابت در انجامه ذکر نشده باشد، تعیین محل منشأ نسخه به آسانی میسر نیست: منشأ بیشتر این نسخه‌ها مصر، سوریه و عراق می‌باشد. فقط قدیمی‌ترین آنها، نسخه خطی Vat. arab. 1071، احتمالاً دارای منشأ یمنی است.^{۱۰۲} از بررسی نام کاتبان این نسخه‌ها می‌توان گفت که دو تا از آنها ممکن است دارای منشأ ایرانی باشند که عبارتند از: نسخه Sbath 5، به کتابت ابوالحسن علی [...] الشیبانی السمرقندی و نسخه Sbath 266، به کتابت علی ابن شیرزاد [...] الجاستی.

این نسخه‌ها که با قدیمی‌ترین نسخه‌های عربی - مسیحی بر روی کاغذ، متعلق به کتابخانه واتیکان به مقابله گذاشته شده‌اند^{۱۰۳} مشتمل بر چهارده نسخه‌اند: قدیمی‌ترین آنها متعلق به سده ۴ و ۵ق/۱۱ و ۱۰م هستند که بنابراین نسبت به اولین نسخه‌های اسلامی تاریخ‌دار بر روی کاغذ، قدیمی‌تراند. ولی هیچ نسخه تاریخ‌دار عربی - مسیحی متعلق به سده ۶ق/۱۲م باقی نمانده است، در حالی که برای گروه نسخه‌های اسلامی، شش نمونه وجود دارد. برای نسخه‌های عربی - مسیحی نیز، تعیین دقیق منشأ آنها به آسانی میسر نیست. این نسخه‌ها عبارتند از:

Vat. arab. 939 و Barb. Or. 70 (این نسخه جزو گروه قرآن‌های تقریباً مربع شکل است، نک: بالا)، که فقط دارای نقش سطراندازی عمودی برای حدود نوشته با قلم فلزی هستند. در مورد قرآن‌های خطی بر روی کاغذ نشأت گرفته از حوزه مغرب [اسلامی]، به نظر می‌رسد که رواج جزوهای پنج برگی در قرآن‌های خطی متعلق به کتابخانه ملی فرانسه نیز به اثبات رسیده باشد.^{۱۰۱} از ۱۴ نسخه بر روی کاغذ که جزو بندی در آنها بررسی گردیده، ده تای آنها از جزوهای پنج برگی، سه تا از آنها با جزوهایی دارای ترکیب متغیر، و یکی از آنها از جزوهای چهار برگی تشکیل شده‌اند. اغلب این نسخه‌ها از منشأ مناطق شمال آفریقا (مغرب) هستند.

از دیدگاه نگارش و نسخه‌شناسی، ظاهراً غرب اسلامی از بسیاری جهات نمایانگر یک حوزه همگن می‌باشد. به این دلیل بعید است که بین نسخه‌های بر روی کاغذ با منشأ اسپانیایی (جزوهای دارای ترکیب متغیر) و شمال آفریقایی (جزوهای پنج برگی)، جزو بندی متفاوتی وجود داشته باشد. و نیز ممکن است که تفاوت‌های میان ترکیب جزوها، نه با منشأ نسخه‌ها (اسپانیایی یا شمال آفریقایی) بلکه با محتوای آنها مرتبط باشند: نسخه‌های قرآنی معمولاً دارای جزوهای مرتب‌تر (پنج برگی) هستند، در حالی که نسخه‌های با محتوای غیردینی - که فقط معدودی از آنها را توانسته‌ایم برای حوزه شمال آفریقا بررسی کنیم - از جزوهایی با ترکیب متغیر تشکیل شده‌اند.

قدیمی‌ترین نسخه‌های عربی بر روی کاغذ، متعلق به کتابخانه واتیکان در تحقیق بعدی، قدیمی‌ترین نسخه‌های عربی تاریخ‌دار متعلق به کتابخانه واتیکان که بر روی کاغذ نوشته شده‌اند، به جز نسخه‌های با منشأ حوزه مغرب که قبلاً بررسی شده‌اند (نک: بالا)، مورد نظر قرار گرفته‌اند. هدف از بررسی آنها به ویژه، تعیین چگونگی جزو بندی، روش و نوع سطراندازی، وجود رقم جزوها و رکابه هاست. دسته اول مشتمل بر قدیمی‌ترین نسخه‌های عربی با محتوایی اسلامی (به جز قرآن) است که ۱۸ نسخه تاریخ‌گذاری شده از ۵۳۸ق/۱۱۴۳م تا ۶۷۳ق/۱۲۹۳م را در بر می‌گیرد.

¹⁰¹ Cf. Déroche, *Les manuscrits du Coran. Du Maghreb à l'Insulinde*, pp. 36-48.

¹⁰² دلّ ویدا خط این نسخه را «کوفی یمنی» می‌داند، نک:

Levi Della Vida, *Elenco dei manoscritti arabi islamici*.

¹⁰³ Décrits par Mai, *Codices Arabici*.



(Vat. arab. 84, 164) هر دو متعلق به نیمه سده ۵/ق/۱۱ از جزوهای چهاربرگی، و یک نسخه (Vat. arab. 157)، مورخ ۱۷/ق/۱۲۲۰م عمدتاً از جزوهای شش برگی تشکیل شده‌اند. بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده می‌توان این فرضیه را ارائه کرد که در میان نسخه‌های بر روی کاغذ، متعلق به حوزه خاورمیانه، متداول‌ترین نوع – در دوران بین پایان سده ۴/ق/۱۰م تا پایان سده ۷/ق/۱۳م – از جزو پنج برگی می‌باشد. در بین قرآن‌های خطی حوزه سوری-مصری، متعلق به کتابخانه ملی فرانسه^{۱۰۴}، تنها در ۲۸ نسخه ترکیب جزوها بررسی شده است. ۲۰ تای آنها متشکل از جزوهای پنج برگی، پنج تا متشکل از جزوهای چهاربرگی، و سه تا متشکل از جزوهای چهاربرگی و پنج برگی هستند. اینها نسخه‌های خطی بر روی کاغذ، یا تاریخ‌دار و یا قابل تاریخ‌گذاری در سده‌های ۶-۷ تا ۱۲/ق/۱۲-۱۳ تا ۱۸م هستند. از تفحص در مطالب نسخه‌شناسی رایت (W. Wright) می‌توان نظیر همین نتیجه را به دست آورد: غالب نسخه‌های خطی مربوط به دوره بین پایان سده ۴/ق/۱۰م تا نیمه دوم سده ۷/ق/۱۳م، دارای جزوهایی مشتمل بر ده برگ‌اند.^{۱۰۵} در این دوره فقط جزو بندی دو نسخه متفاوت است: اولی مرکب است از جزوهایی متشکل از ۱۶، ۱۸ و ۲۰ برگ^{۱۰۶}، و دومی از چهار جزو که به ترتیب از ۲۰، ۲۰، ۲۸ و ۲۶ برگ تشکیل شده‌اند.^{۱۰۷}

هامبرت (G. Humbert) از جزوهای ۲۰ برگی، در یک نسخه عربی بر روی کاغذ (Leyde, Cod. Or. 298)، مورخ ۲۵۲/ق/۸۶۶م^{۱۰۸} که یک لغت‌نامه است، چنین تحلیلی ارائه می‌کند^{۱۰۹}: این جزو شامل واحدهایی است مادی و در عین حال منطقی. این ویژگی‌ها در ساختار تعدادی نسخه‌های خطی برای مطالعه، همراه با حکایاتی که از منابع ادبی استخراج شده است، مؤلف را بر آن می‌دارد که در بعضی موارد، فرض را بر وجود روش نسخه‌برداری ویژه‌ای بگذارد که می‌توان آن را نزدیک به روش «pecia» در دانشگاه‌های قرون وسطی ما دانست. وان کینگزفولد (P. Sj. Van Koningsveld) نیز با تحلیل چند نسخه عربی، با منشأ اسپانیایی، بر روی کاغذ، متعلق به سده‌های ۶ و ۷/ق/۱۲ و ۱۳م، که فقط دو برگ بیرونی (یا بیرونی و میانی) آنها از جنس ورق پوستی هستند، به نتیجه‌ای مشابه دست یافته بود.^{۱۱۰}

Vat. arab. 18
 مورخ ۳۸۳/ق/۹۹۳م در قاهره
 Vat. arab. 17
 مورخ ۴۰۰/ق/۱۰۰۹م در کونستانتینوپل
 Vat. arab. 164
 در حدود ۴۴۴/ق/۱۰۵۲م
 Vat. arab. 84
 مورخ ۴۴۷/ق/۱۰۵۵م
 Vat. arab. 127
 مورخ ۶۰۴/ق/۱۲۰۷م
 Vat. arab. 115
 مورخ ۶۰۷/ق/۱۲۱۰م
 Vat. arab. 109
 مورخ ۶۰۷/ق/۱۲۱۰م در بین‌النهرین
 Vat. arab. 90
 مورخ ۶۱۵/ق/۱۲۱۸م
 Vat. arab. 160
 مورخ ۶۱۷/ق/۱۲۲۰م در دمشق
 Vat. arab. 157
 مورخ ۶۱۷/ق/۱۲۲۰م در تکریت
 Vat. arab. 46
 مورخ ۶۶۸/ق/۱۲۶۹م
 Vat. arab. 183
 مورخ ۶۷۰/ق/۱۲۷۱م
 Vat. arab. 23
 مورخ ۶۷۰/ق/۱۲۷۱م
 Vat. arab. 102
 مورخ سده ۷/ق/۱۳م (به خط مؤلف)

جزوها

از هجده نسخه خطی اسلامی بررسی شده، هفت تای آنها، یا کاملاً یا عمدتاً از جزوهای پنج برگی تشکیل شده‌اند: (Vat. arab. 1607, Vat. arab. 873; S bath 5, Vat. arab. 372,) پنج نسخه، یا کاملاً یا عمدتاً از جزوهای شش برگی ساخته شده‌اند. (Vat. arab. 785, Vat. arab. 1451, 1071,) arab. 1023, Vat. arab. 1025, Vat. arab. 1054, Vat. arab. 1026 Vat. سه نسخه از آنها، یا کاملاً یا عمدتاً از جزوهای چهار برگی ساخته شده‌اند: (Vat. arab. 526, Vat. arab. 308,) در حالی که برای سه نسخه (S bath 266; Vat. arab. 1165) تعیین چگونگی ترکیب جزوها به طور دقیق میسر نیست. در گروه مورد بررسی، جزوهای شش برگی قبلاً در متقدم‌ترین دوره‌ها، در نسخه‌های مورخ ۵۳۸/ق/۱۱۴۳م، ۵۶۶/ق/۱۱۷۰م، ۶۱۱/ق/۱۲۱۴م، ۶۱۶/ق/۱۲۱۹م و ۶۲۶/ق/۱۲۲۸م مشاهده شده‌اند. در میان نسخه‌های متشکل از جزوهای چهار برگی، یکی از آنها (S bath 266) احتمالاً دارای منشأ ایرانی است. در میان نسخه‌های عربی-مسیحی، جزوهای پنج برگی در بیشتر نمونه‌ها دیده می‌شود (یازده نسخه: Vat. arab. 18, 17, 127, 115, 109, 90, 160, 46, 183, 23, 102)

¹⁰⁴ Cf. Déroche, *Les manuscrits du Coran. Du Maghreb à l'Insulinde*, pp. 53-87.

¹⁰⁵ Wright, *Facsimiles*, Pl. 96, 21, 47, 35, 83, 37, 48 et 38.

¹⁰⁶ Cf. Wright, *Facsimiles*, Pl. 60.

¹⁰⁷ Cf. Wright, *Facsimiles*, Pl. 36, ms. contenant un ouvrage de droit, daté de 1096.

¹⁰⁸ Cf. Wright, *Facsimiles*, Pl. 6.

¹⁰⁹ G. Humbert, *Copie "à la pecia" à Bagdad au IX^e siècle?*, "Gazette du livre médiéval", 12 (1988), pp. 12-15: 14-15.

¹¹⁰ P. Sj. Van Koningsveld, *The Latin-Arabic Glossary of the Leiden University Library. A Contribution to the Study*



بدون تردید، نسخه‌های بررسی شده، برای نتیجه‌گیری قطعی درباره ترکیب جزوها در دوره مورد نظر کافی نیست. به خصوص، می‌بایست تحقیق شود که آیا میان نسخه‌های اسلامی و نسخه‌های مسیحی، همچنان که قبلاً در مورد نسخه‌های نوشته شده بر روی ورق پوستی مشاهده کردیم (نک: بالا) تفاوتی وجود دارد یا نه. ظاهراً از بررسی گروه کوچک نسخه‌های خطی تاریخ‌دار بر روی کاغذ چنین استنباط می‌شود که در میان نسخه‌های مسیحی، جزوهای چهار برگی در دوره‌های قدیمی (میان سده ۵ق/۱۱م) مشاهده شده‌اند، در حالی که، در میان نسخه‌های خطی اسلامی، متأخرتر، یعنی مورخ ۶۲۲ق/۱۲۲۵م، ۶۳۵ق/۱۲۳۷م، و ۶۶۳ق/۱۲۶۴م، از جزوهای چهار برگی تشکیل شده‌اند.

سطراندازی

در میان نسخه‌های بررسی شده عربی - اسلامی متعلق به کتابخانه واتیکان، نسخه‌های Vat. arab. 1023, 1025, 1054 سطراندازی ندارند. قدیمی‌ترین نسخه سطراندازی شده با مسطر، نسخه 1607 Vat. arab. مورخ ۵۷۷ق/۱۱۸۱م است، و از این تاریخ به بعد، این روش سطراندازی متداول‌ترین روش‌ها می‌شود: به طوری که در میان ۱۵ نسخه مربوط به این دوره، فقط نسخه‌های Vat. arab. 1026 1067, 1451 به ترتیب مورخ ۶۲۶ق/۱۲۲۸م، ۶۳۱ق/۱۲۳۳م و ۶۹۳ق/۱۲۹۳م، با قلم فلزی سطراندازی شده‌اند. از سوی دیگر، دو نسخه متقدم‌تر در این گروه، 1165 و 1071 Vat. arab.، ظاهراً دارای یک خط عمودی برای محدود کردن سطح نوشته (به ویژه برای حاشیه بیرونی) هستند که بر اثر تا کردن برگ‌ها ایجاد شده است. در مورد طرح‌های سطراندازی، سطراندازی با مسطر، هم سطرهای افقی راهنمای خط و هم خط‌های عمودی حدود نوشته را شامل می‌شود. اما در نسخه‌های سطراندازی شده با قلم فلزی، تنها خط‌های عمودی حدود نوشته (Vat. arab. 1067) ولی نه بر روی تمام برگ‌ها؛ و یا آنکه فقط خط‌های افقی و عمودی حدود نوشته به صورت قاب (Vat. arab. 1026, 1451) ترسیم می‌شدند.

در مواردی که سطراندازی با مسطر صورت گرفته، می‌توان دو سیستم سطراندازی دید: یا سطراندازی در پشت تمام برگ‌ها انجام شده، و یا آنکه در نیمه اول جزو در پشت برگ‌ها، و در نیمه دوم بر روی برگ‌ها. این دو سیستم تاکنون

در نسخه‌های عربی - اسپانیایی که با مسطر سطراندازی شده‌اند مشاهده گردیده است. به هر حال، سطراندازی همواره به طور جداگانه بر روی هر برگ انجام شده و هرگز چند برگ با هم (به شکل جزو) سطراندازی نشده‌اند.

تا آنجا که به نسخه‌های مسیحی مربوط می‌شود نسخه‌های Vat. arab. 18, 164, 90, 102 سطراندازی ندارند. در نسخه قدیمی (Vat. arab. 17 و 84) مورخ ۴۰۰ و ۴۴۷ق/۱۰۰۹ و ۱۰۵۵م) سطراندازی با قلم فلزی انجام گردیده است: در اولی خط‌ها با اثر سوزن در محل تلاقی خط‌ها و روی طرف خارجی هر دو برگی ترسیم شده‌اند، به گونه‌ای که در نیمه اول جزو در روی صفحات، و در نیمه دوم جزو در پشت صفحات دیده می‌شوند. اما در نسخه دوم که با قلم فلزی سطراندازی شده، فقط هر از گاهی، دو خط افقی و دو خط عمودی برای حدود نوشته به صورت قاب ترسیم گردیده‌اند، و اثر سوزن مشاهده نمی‌شود. تمام نسخه‌های خطی دیگر از Vat. arab. 127 مورخ ۶۰۴ق/۱۲۰۷م به بعد، بر اساس طرح و سیستم‌هایی که تاکنون درباره نسخه‌های خطی اسلامی شرح داده‌ایم، با مسطر سطراندازی شده‌اند.

نمی‌دانیم این روش سطراندازی نسخه‌ها نخستین بار کی و در کجا آغاز شده. تا آنجا که من می‌دانم، قدیمی‌ترین نسخه تاریخ‌داری که سطراندازی با مسطر در آن مشاهده شده است، نسخه‌ای حاوی اثری حقوقی است که در سال ۵۰۲ - ۵۰۳ق/۱۱۰۹ - ۱۱۱۰م، به دست زنی ترک، به نام گوموش بنت عبدالله الرومیه، در آسیای صغیر نسخه برداری شده است «که بایست طلبه خوبی در زبان عربی بوده باشد که توانسته مطالب چنین رساله حقوقی دشواری را به درستی و با ظرافت نسخه برداری کند».^{۱۱۱}

رقم جزوها و رکابه‌ها

چیزی که حتی در نمونه‌های مختصری که بررسی شده‌اند نیز کاملاً محرز می‌نماید وجود رقم جزوها در غالب دستنویس‌هاست، این در حالی است که رکابه‌ها به هیچ وجه دیده نمی‌شوند. از ۱۸ نسخه خطی اسلامی، نه نسخه، ظاهراً دارای رقم اصیل‌اند (یعنی خود کاتب رقم را نوشته است)، در صورتی که در سه نسخه دیگر، احتمال دارد رقم کاتب برش خورده باشد (روی چند برگ اثری از رقم دیده می‌شود). درشش نسخه، رقم وجود ندارد. نظیر همین داده‌ها در بررسی نسخه‌های مسیحی

of Mozarabic Manuscripts and Literature, (Leiden, 1977) (Publikaties van het documentatiebureau Islam-Christendom van de Rijksuniversiteit te Leiden, 1), p. 24 et n. 89.

¹¹¹ Cf. Wright, *Facsimiles*, Pl. 88.



رقم (اصیل ۴) جزوها با اعداد ترتیبی عربی به حروف، و شماره گذاری پنج برگ اول جزو (پنج برگگی) با حروف عربی به ترتیب ابجدی نوشته شده است. تنها در یک نسخه خطی مسیحی (Vat. arab. 157) رقم جزوها به حروف الفبای عربی به ترتیب ابجدی می‌باشد، و رقم‌ها هم در آغاز و هم در انتهای جزو ثبت گردیده‌اند. در این مورد نیز در اصالت رقم‌ها می‌توان تردید کرد.

در نسخه‌های خطی عربی - اسلامی بررسی شده، قطع کتاب یعنی نسبت عرض / ارتفاع در اندازه صفحات، بین ۰/۸۰ (نسخه Vat. arab. 873، با اندازه ۱۶۴×۱۳۱ مم) و ۰/۶۵ (نسخه خطی Vat. arab. 1023، با اندازه ۱۶۱×۲۶۲ مم) متغیر است. به هر حال، متداول‌ترین نسبت عرض / ارتفاع در این نسخه‌ها بین ۰/۷۴ و ۰/۶۷ می‌باشد و بنابر این مشتمل بر نسخه‌های دارای قطع عمودی می‌شود که در آنها نسبت میان ابعاد، بین ۳:۴ و ۳:۲ است. این داده‌ها ظاهراً با داده‌های گ. اندرس (G. Endress) توافق دارند: «اغلب نسخه‌های عربی در قطع عمودی، با نسبت عرض و ارتفاع از ۳:۲ تا ۳:۴ هستند».^{۱۱۳} با این وصف، همین مؤلف یادآوری می‌کند که در عین حال قطع‌های عمودی باریک‌تر کمیاب نیستند. نمونه‌ای از آن را می‌توان نسخه خطی مورخ ۳۴۸ ق/ ۹۵۹ م دانست که دارای ابعاد ۱۶۵×۲۶۷ مم با نسبت عرض و ارتفاع ۰/۶۲ است.^{۱۱۴}

شاید نسخه‌های خطی عربی - مسیحی بررسی شده بیشتر متمایل به قطع خشتی باشند؛ به جز نسخه Vat. arab. 18 که تقریباً خشتی است (۰/۸۹)، بقیه آنها بین ۰/۷۹ و ۰/۶۷ نوسان دارند؛ اما این نسبت فقط در دو نسخه از ۱۴ نسخه، کمتر از ۰/۷۰ است.

در خصوص مرکب‌ها، می‌بایست متذکر شد که - علاوه بر مرکب متن - برای ۱۲ نسخه اسلامی (از ۱۸ نسخه)، و هشت نسخه مسیحی (از ۱۴ نسخه)، از رنگ دومی برای عنوان‌ها و سرفصل‌ها استفاده شده: رنگ سرخ، که در تمام نمونه‌ها به کار رفته، به جز نسخه خطی Vat. arab. 1165، که در آن رنگ خاکستری برای عنوان‌ها استفاده شده است. مرکب متن، گاه سیاه و گاه بلوطی یا قهوه‌ای است، با تغییر یک رنگ به رنگ دیگر، که ممکن است در همان نسخه واحد دیده شود.

نیز دیده می‌شود: از ۱۴ نسخه، جزوهای ۱۰ نسخه دارای رقم اصیل هستند، در حالی که به نظر می‌آید که دو نسخه دیگر بعداً رقم‌دار شده‌اند. در تمام مواردی که بررسی گردیده‌اند، رقم‌ها به طور منظم در گوشه بیرونی بالایی صفحه اول نوشته شده‌اند.

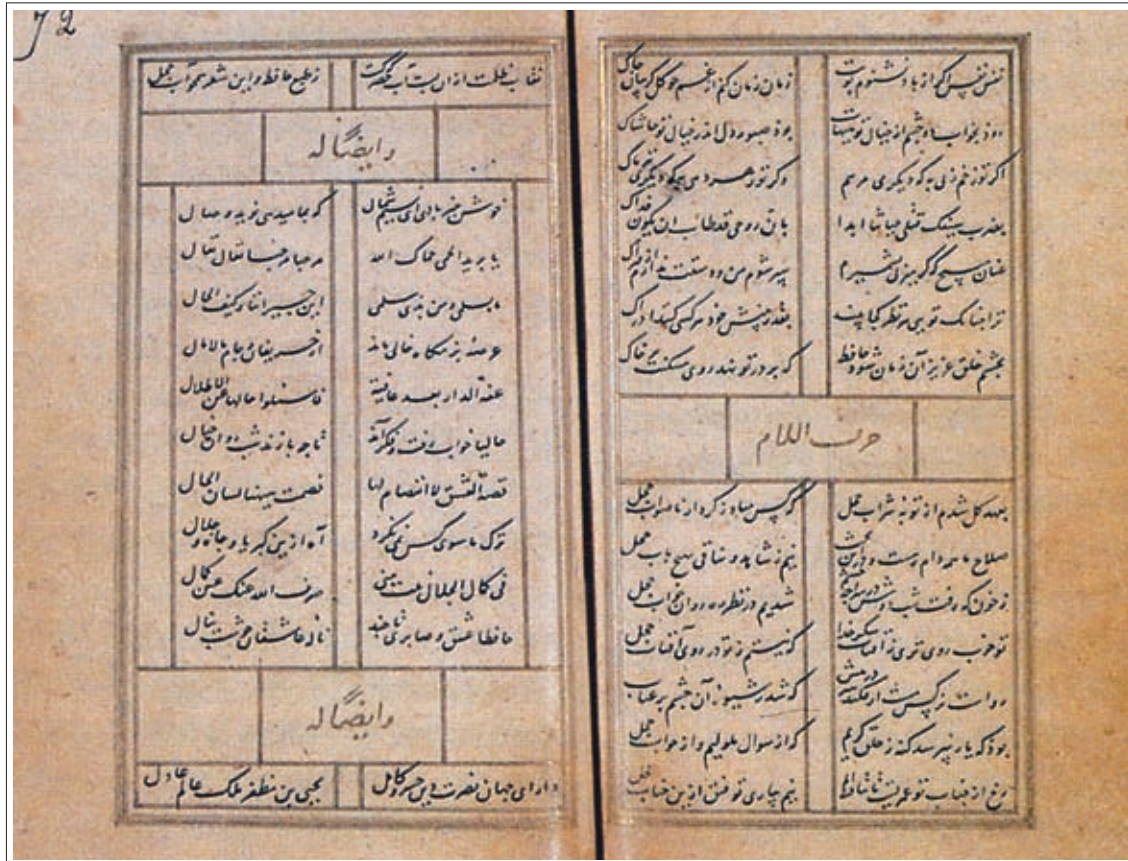
در بیشتر موارد، رقم‌ها از اعداد ترتیبی عربی هستند و به طور کامل نوشته شده‌اند. در میان نسخه‌های خطی اسلامی نسخه‌های Vat. arab. 873, 1026, S bath 266 (با مرکب سرخ)، Vat. arab. 732, 372, 1451 بدین ترتیب رقم‌دار شده‌اند، در حالی که در سه نسخه: (Vat. arab. 1023, Vat. arab. 785, S bath 265)، این رقم ممکن است برش خورده باشد. در دو نسخه خطی اسلامی (S bath 5, Vat. arab. 1025) رقم جزوها، به جای اعداد ترتیبی با ارقام عربی نوشته شده‌اند. در نسخه‌های خطی مسیحی نیز رقم جزوها با اعداد ترتیبی عربی به حروف نوشته شده‌اند، به استثنای قدیمی‌ترین نسخه‌ها که عبارتند از دو دستنویس از انجیل: 17 و 18 Vat. arab. Evangiles، که رقم ندارند؛ و به استثنای دو نسخه 160 و 109 Vat. arab. که مانند نسخه‌های 1033 و 526 Vat. arab. محتوای اسلامی - علاوه بر رقم جزوها - بر روی هر یک از دو برگگی‌های جزوها نیز شماره‌گذاری شده‌اند. در نسخه Vat. arab. 109 متشکل از جزوهای پنج برگگی، هر برگ از نیمه اول جزو با اعداد عربی از ۱ تا ۵ شماره‌گذاری گردیده؛ بعد از این اعداد، حرف «م» (شاید کوتاه شده «من» به معنی «از») و حروف عربی به ترتیب ابجدی نوشته شده که نشان دهنده شماره جزو است. در نسخه خطی مسیحی دیگری، Vat. arab. 160، که آن نیز از جزوهای پنج برگگی تشکیل گردیده، این نوع شماره‌گذاری دو برگگی‌ها با ارقام قبطی، یعنی با حروف یونانی انجام گرفته است.^{۱۱۳} در نسخه خطی اسلامی، Vat. arab. 526، که از جزوهای چهار برگگی درست شده، چهار برگ اول جزو از ۱ تا ۴ با اعداد عربی شماره‌گذاری گردیده و به دنبال آنها «من» به معنی «از» و اعدادی که نشان دهنده شماره جزو هستند، آمده‌اند. این شماره‌گذاری فقط در برگ‌های ۳۳، ۵۶، ۶۴، ۱۱۲ و ۱۶۰ به خوبی نمایان، ولی در دیگر برگ‌ها برش خورده است. با این وصف، نمی‌توان با اطمینان اعلام کرد که این شماره‌گذاری را خود کاتب انجام داده باشد. همچنین در نسخه خطی Vat. arab. 1033

^{۱۱۳} در خصوص استفاده از ارقام قبطی در نسخه‌های عربی - مسیحی، نک: یادداشتی از لوی دلا ویدا که در ضمیمه کتاب زیر منتشر شده است:

H. Ritter, *Griechisch-Koptische Ziffern in arabischen Manuskripten*, "Rivista degli studi orientali", 16 (1936), pp. 212-214.

^{۱۱۳} Cf. Endress, *Handschriftenkunde*, p. 277.

^{۱۱۴} Cf. Wright, *Facsimiles*, Pl. 96.



۲۰: نسخه 617 Suppl. persan, گ ۷۱ پ-۷۲, پاریس, کتابخانه ملی فرانسه.

صفحه‌بندی و سطراندازی در نسخه‌های خطی فارسی

تولید نسخه خطی به زبان فارسی، در مقایسه با زبان عربی، دیرتر آغاز می‌شود. قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی تاریخ‌دار فارسی متعلق به سده ۵ق/۱۱م می‌باشند؛ سه نسخه خطی متقدم، هر سه بر روی کاغذ، به ترتیب مورخ ۴۵۸ق/۱۰۵۶م، ۴۷۴ق/۱۰۸۱م و ۴۷۸ق/۱۰۸۵م می‌باشند.^{۱۱۵}

در باره ساخت مادی نسخه‌های فارسی، ما تحقیقات مهم فرانسوی ریشارد را در اختیار داریم.^{۱۱۶} ریشارد تعداد زیادی از نسخه‌های خطی فارسی را، که همه بر روی کاغذ نوشته شده‌اند، مورد تحلیل قرار داده است: ۱۸ نسخه از سده ۷ق/۱۳م، ۳۲ نسخه از سده ۸ق/۱۴م، ۸۰ نسخه از سده ۹ق/۱۵م، و چند صد نسخه از سده بعد از آن. او نشان داده که در نسخه‌های فارسی، در غالب موارد جزوهای چهار برگی به کار رفته است؛ نسخه‌هایی متشکل از جزوهای پنج برگی - و در موارد معدودتر - متشکل از جزوهای سه برگی و شش برگی نیز مشاهده می‌شوند، بدون آنکه بتوان این تفاوت‌ها را بر پایه منشأ جغرافیایی معینی توجیه کرد. قدیمی‌ترین نسخه‌های بررسی شده متعلق به سده ۷ق/۱۳م، دارای رقم در گوشه بالایی بیرونی صفحه اول جزوها هستند، بدون

رکابه‌های اصیل (نک: نتیجه‌ای مشابه که طی بررسی قدیمی‌ترین نسخه‌های عربی تاریخ‌دار متعلق به کتابخانه واتیکان به دست آمده است). اما استفاده از رکابه‌ها (در حاشیه پائینی داخلی پشت هر یک از برگ‌ها) در طول سده بعدی عمومیت می‌یابد و از آن به بعد به صورت یکی از عناصر شکل دهنده نسخه‌های کلاسیک فارسی در می‌آید.

در این صفحات مامی خواهیم از طریق چند نمونه، موضوعی خاص را تشریح کنیم: رابطه موجود میان نوع متن، صفحه‌آرایی و سطراندازی در نسخه‌های خطی تاریخ‌دار فارسی متعلق به کتابخانه واتیکان، به بنیاد کائانی (Nazionale dei Lincei, Rome) و بنیاد کائانی (Fondazione Cactani Accademia) (آکادمی ملی لینیچی، رم) و به کتابخانه ملی فرانسه.

قطع این نسخه‌های خطی، که تاریخ آنها مربوط به نیمه دوم سده ۸ق/۱۴م تا پایان سده ۱۰ق/۱۶م است، در مقایسه با نسخه‌های خطی عربی سده‌های پیشین که در بالا بررسی شدند، کشیده‌تر است. نسبت عرض/ارتفاع صفحات این نسخه‌ها بین ۱:۲ (۵۰/۰) و ۳:۲ (۶۶/۰) تعیین گردیده است. از ۲۲ نسخه بررسی شده فقط در پنج نسخه، این نسبت از ۰/۶۶ تجاوز می‌کند.

¹¹⁵ Cf. Akimuškin, *Persidskaia rukopisnaia kniga*, pp. 360-362.

¹¹⁶ Déroche-Richard, *Du parchemin au papier* (texte dactylographié).



ت ۲۱: نسخه Vat. pers. 119، گ ۴۸، کتابخانه واتیکان.

حاوی شرحی به نثر از لاهیجی، درباره کتابی منظوم با محتوای عرفانی موسوم به گلشن‌راز است. این متن، که استثنائاً بدون قاب است، به صورت سطرهای طولانی به چشم می‌آید، اما طرح سطراندازی آن بسیار پیچیده است؛ زیرا یک شکل شبکه‌ای را ایجاد کرده که حاوی یک سلسله خطوط عمودی است که مصرع‌ها را دربرمی‌گیرد و متن در میان این خطوط به صورت‌های مختلف جای گرفته است. بدین قرار، سطراندازی عمودی به منظور جای گرفتن متن منظوم به صورت نثر در سطرهای طولانی (عرض اندازه نوشته: ۹۹م، یا برای جای دادن دو مصرع در هر سطر (دو ستون به اندازه ۴۵م، با فاصله ۹م در بین آن دو)، و یا برای جای گرفتن سه مصرع (در سه ستون به اندازه ۲۹م، که با فاصله ۶م از یکدیگر جدا شده‌اند)*، انجام می‌شود.

ت ۲۱

از سوی دیگر، نسخه فارسی Vat. Pers. 78، مورخ ۹۳۶-۹۳۷ق/۱۵۲۹-۱۵۳۰م نمونه‌ای از طرز خاص عرضه متن در صفحه را که در نسخه‌های خطی فارسی با متون منظوم یا ادبی متداول بوده است ارائه می‌دهد. این نسخه خطی حاوی یک نثر ادبی آمیخته با شعر، موسوم به انوارسپیلی، است که روایت جدیدی از کتاب کیله و دمنه‌از حسین واعظ کاشفی (د: ۹۱۱ق/۱۵۰۵م) می‌باشد. این متن در داخل قابی (نواری طلایی

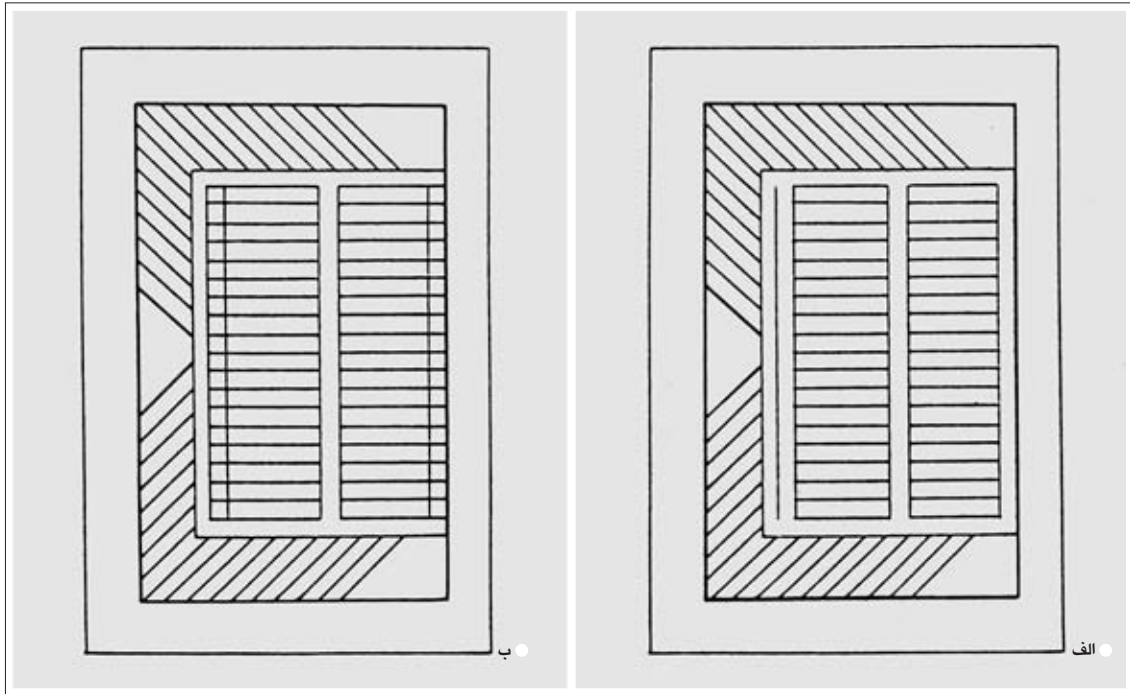
احتمالاً نوع متن و صفحه‌آرایی آن در انتخاب قطع نسخه مؤثر است. برای مثال، در دیوانی که بیت‌های آن در زیر یکدیگر قرار گرفته‌اند، قطع آن ممکن است به نسبت نسخه‌هایی که حاوی متون متفاوتی هستند کشیده‌تر باشد. در واقع از نه نسخه بررسی شده که شامل دیوان می‌باشند، نسبت عرض/ارتفاع در دو نسخه ۵۴/۰؛ دو نسخه دیگر ۵۹/۰؛ و در بقیه ۶۰/۰، ۶۲/۰، ۶۳/۰، ۶۴/۰ و ۶۵/۰ است. سطح نوشته نیز معمولاً کشیده‌تر و نسبت عرض/ارتفاع صفحات کمتر از ۵۰/۰ است.

رنگ و تعداد مرکب‌های استفاده شده هم قابل توجه است. در کنار مرکب متن، که تقریباً همیشه به رنگ سیاه براق است، رنگ‌های سرخ، طلایی و آبی غالباً برای عنوان‌ها و سرفصل‌ها، و سفید و طلایی برای کتابه‌های سرلوح‌ها (عنوان‌ها، سرفصل‌ها و غیره) به کار رفته است.

در نسخه‌های فارسی، سطح نوشته معمولاً داخل یک جدول قرار گرفته است. دو صفحه اول (گ اپ-۲) اغلب پرکارتر و پرنقش و نگارتر است و صفحات دیگر یا دارای یک نوار باریک طلایی، یا یک نوار طلایی هستند که دور آن یک خط آبی یا سیاه و یا هر دو کشیده شده‌اند، و یا آنکه دو نوار طلایی و یک کمند سیاه یا آبی به دور آنها ترسیم شده است. در نسخه‌های خطی نه چندان ذی‌قیمت، قاب دور متن ممکن است تنها با یک خط رنگی ساده یا دوتایی، باشد، و گاه نیز ممکن است این خط اصلاً وجود نداشته باشد. متداول‌ترین رنگ‌ها رنگ سرخ است؛ اما رنگ‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مانند رنگ بنفش برای جدول برخی از نسخه‌های استنساخ شده در نیمه دوم سده ۸ق/۱۴م در شیراز (نسخه‌های 825 و 745، Suppl. Pers. در کتابخانه ملی فرانسه). حتی تقسیمات فرعی در یک صفحه متن در داخل جدولی کم‌عرض قرار گرفته‌اند، مانند ستون‌های مصرع‌ها در متون شعری، عنوان‌ها و سرفصل‌ها، و آخرین بیت در اشعار غنایی.*

ت ۲۱

سطراندازی در تمام موارد با مسطر انجام گرفته است که به متن نوشته شده بر روی صفحه وابسته است. طرح مسطر از یک سو مربوط به چگونگی متنی است که بایست نسخه‌برداری شود (نظم، نثر، نثر آمیخته با نظم)؛ و از سوی دیگر مشتمل بر راهنمای جدول‌بندی [یا ستون‌بندی] متن است که عیناً همان طرحی را ایجاد می‌کند که به وسیله مسطر نقش شده است. حتی در نسخه‌های خطی فارسی که دارای صفحه‌آرایی بسیار پیچیده‌اند، مزایای این روش سطراندازی بیشتر نمودار می‌گردد. نسخه Vat. Pers. 119 در کتابخانه واتیکان، مورخ ۸۹۵ق/۱۴۸۹م به کتابت سلطان علی شیرازی خوشنویس،



ت ۲۲: نقش مسطرهای به کار رفته در نسخه خطی 39-38 Caetani، کتابخانه آکادمی ملی لنینچی.

قسمت‌ها (گ ۲۸۷-۴۱۸ و ۴۷۵-۵۴۲) او را یاری کرده و ترجیحاً از کاغذ رنگی گل‌بهی، آبی تیره، زرد و صورتی استفاده نموده است. در حالی که خود استاد از مسطری با سطراندازی افقی استفاده می‌کند که به ستون‌های مرکزی محدود می‌شود (نقش مسطر الف)*، شاگرد، مسطری را به کار می‌برد که دارای سطراندازی افقی است که ستون‌های باریک جانبی بیرونی را نیز در برمی‌گیرد. (نقش مسطر ب)*.

به‌علاوه، استاد پشت برگ‌ها را در نیمه اول، و روی برگ‌ها را در نیمه دوم جزو سطراندازی نموده، ولی شاگرد همواره پشت برگ‌ها را، با فشار بیشتری، سطراندازی کرده است.

ت ۲۲
الف

ت ۲۲
ب

شرق و غرب در نسخه‌شناسی اسلامی

دورنمایی که نسخه‌شناسی حوزه اسلامی به دست می‌دهد هنوز دارای نقاط مبهم بسیاری است. با این حال، داده‌هایی که در اختیار ماست برای تعیین دو حوزه بزرگ و متمایز از دیدگاه نسخه‌شناسی کافی است: غرب، که شامل مناطقی از غرب مصر تا اسپانیا می‌شود؛ و شرق، که فعلاً حدود آن مشخص نیست، ولی می‌توان مناطق نسخه‌شناسی مختلفی مانند ایران^{۱۱۷}، یمن^{۱۱۸}، و بعدها هند^{۱۱۹} و ترکیه^{۱۲۰} را جزو آن شمرد.

با خطی آبی رنگ در بیرون آن قرار گرفته و دارای سطرهای طولانی می‌باشد، یا - در قسمت‌های منظوم - در دو ستون است که با قابی فرعی طلایی از یکدیگر جدا شده‌اند. در سمت چپ قاب (روی برگ) و در سمت راست قاب (پشت برگ)، متن در داخل نواری عمودی، که آن هم به صورت جدول است به طور مورب ادامه می‌یابد. نقش مسطر راهنما و کمکی برای این گونه نوشتن متن است.*

آخرین نمونه، نسخه 39-38 Caetani در کتابخانه آکادمی ملی لنینچی (بنیاد کائناتی) شهر رُم است. این نسخه کلیات امیر خسرو دهلوی، مورخ ۹۰۹ق/۱۵۰۳م می‌باشد که به دست درویش محمد خوشنویس نسخه برداری شده است. متن دیوان در وسط صفحه قرار گرفته، و بر روی سه حاشیه بیرونی آن مثنوی‌ها به طور مورب (چلیپا) و گاه نیز به صورت زیگزاگ نوشته شده‌اند.* باید یادآور شد که متون نوشته شده، چه به صورت افقی و چه به صورت مورب، هر دو مستقل‌اند: رکابه آنها در صفحه بعدی قرار گرفته و هر اثر جدید با یک عنوان مذهب آغاز می‌شود. فقط با بررسی نسخه‌شناسی معلوم شد که در اصل برای نسخه برداری از این کتاب بزرگ (۸۵۷ برگ) دو خوشنویس یکی پس از دیگری بر روی آن کار کرده‌اند، یعنی علاوه بر استاد درویش محمد، یکی از شاگردان او نیز در برخی

ت ۱۲
→

ت ۱۳
→

¹¹⁷ Cf. les études de F. Richard, dans Déroche- Richard, *Du parchemin au papier* (texte dactylographié).



مشاهده شده است. اما در شرق مرکب سیاه، غالباً بسیار براق، از دوران‌های قدیم مورد استفاده بوده؛ و بعدها – دست‌کم در نسخه‌های فارسی – فقط از مرکب سیاه استفاده می‌شده.

یک فرق مسلم میان نسخه‌شناسی در این دو حوزه، ظاهراً چگونگی ترکیب جزوبندی ورق پوستی است: در شرق جزوهای پنج برگی با قرار گرفتن سمت رُخ تمام دو برگی‌ها به سوی خارج، و برعکس در مغرب – اگر تحقیقات بعدی این داده‌ها را تغییر ندهند – جزوهای سه برگی با سمت رخ اولین دو برگی به طرف خارج، و دو برگی‌های دیگر بر اساس قاعده «گرگوری» ساخته شده‌اند. استفاده از جزوهای سه برگی برای نسخه‌های خطی بر روی ورق پوستی، مشخصه‌ای است که بیش از دیگر خصوصیات، غرب مسلمان را از باقی دنیای اسلام و از سایر تولیدات نسخه‌های خطی متمایز می‌سازد.

در نسخه‌شناسی عبری مربوط به حوزه غربی (Sefarad)، استفاده از جزوهای سه برگی در نسخه‌های خطی بر روی ورق پوستی ظاهراً معرف یک سنت محدود به منطقه تولدو (Toledo) [=طلیطله] اسپانیاست که به ویژه در نیمه دوم سده ۱۳/ق مشاهده شده است. ترکیب معمولی جزوها برای این حوزه، برعکس متشکل از جزوهای چهار برگی است.^{۱۱۱}

بنابراین در حوزه اسلامی مشابه، وضعیت برعکس آن چیزی است که درباره نسخه‌های خطی عبری شرح دادیم: از ۱۶ قرآن خطی (متعلق به کتابخانه واتیکان و کتابخانه ملی فرانسه)، و دو نسخه غیر قرآنی بر روی ورق پوستی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ۱۴ نسخه کاملاً یا غالباً از جزوهای سه برگی، و دو نسخه (Vat. arab. 881 متعلق به کتابخانه واتیکان، و 385 Arabe متعلق به کتابخانه ملی فرانسه، که هر دو قرآن‌اند)، از جزوهای چهار برگی تشکیل شده‌اند؛ اما در مورد دو نسخه دیگر (Vat. arab. 214 در کتابخانه واتیکان و Smith_Lesouëf 217 در کتابخانه ملی فرانسه، که هر دو قرآن هستند) چگونگی جزوبندی معلوم نشده است.

شرق و غرب [اسلامی] – دست‌کم با نگاه هم‌زمان به آنها – معرف دو حوزه متفاوت از نظر روش و مواد به کار رفته در تولید کتاب‌اند. با این حال، این اختلاف می‌تواند به منزله سیر تحولی متفاوت در یک چارچوب اصولاً همگون، باشد. غرب، به عنوان منطقه پیرامون دنیای اسلامی، سنت‌گراتر به نظر می‌آید: مهاجران مسلمان (داخلون) – همچنان که غالباً پیش می‌آید – ظاهراً فنون و آداب مربوط به کتاب‌سازی را، که در شرق خیلی زود متروک شده بود، همراه خود به غرب آوردند و آن را برای مدتی طولانی حفظ کردند، در حالی که نوآوری‌ها – مانند استفاده از کاغذ، به کار بردن مسطر، و یا جدول‌کشی متن – دیرتر به آنجا راه یافت. در کنار خط – که نشانه‌هایی قدیمی در نگارش حروف و نقطه‌گذاری در چند حرف را، متفاوت با آنچه در شرق مسلط شد، حفظ کرده است – بقیه عوامل ساخت نسخه خطی را نیز می‌توان به منزله نشانه‌های سنت‌گرایی تعبیر کرد.

در غرب – همان‌طور که دیدیم – استفاده از ورق پوستی، به ویژه برای نسخه‌برداری از قرآن، تا بعد از سده ۸/ق ادامه یافت؛ در حالی که در شرق، در طول سده ۴ – ۱۰/ق، کاغذ به تدریج جای ورق پوستی و پاپیروس را گرفت. در غرب اسلامی، برای نسخه‌برداری قرآن بر روی ورق پوستی، استفاده از قطع خشتی و گاه بیاضی ادامه یافت: اولی مشخصه قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی کهن بر روی پاپیروس و دومی مشخصه قرآن‌های قدیمی بر روی ورق پوستی (نک: بالا) است. همچنین روش‌های سطراندازی با قلم فلزی و رنگی – که هر دو آنها گاهی در قدیمی‌ترین قرآن‌های بر روی ورق پوستی مشاهده شده‌اند – برای مدتی طولانی در مغرب، حتی بر روی کاغذ ادامه یافتند؛ در حالی که استفاده از مسطر، که قبلاً دست‌کم از آغاز سده ۶/ق در شرق دیده شده بود، ظاهراً تنها از نیمه اول سده ۹/ق، در اسپانیا رایج گردید.

یکی از اختلاف‌های میان این دو حوزه در رنگ مرکب‌های آنهاست. در مغرب، وجه مشخصه استفاده از مرکب قهوه‌ای یا بلوطی برای متون است؛ برای مثال، در اسپانیا، مرکب سیاه – حداقل اگر بر اساس نمونه‌های بررسی شده قضاوت شود – فقط از نیمه اول سده ۹/ق ۱۵م

¹¹⁸ Cf. G.R. Puin et al., *Masâhif San`â'*, (Kuwayt, 1985); et les études particulières de H.C. Graf von Bothmer et J.J. Witkam, *Manuscripts & Manuscripts [6] Qur`ân fragments from Dawrân (Yemen)*, “Manuscripts of the Middle East”, 4 (1989), pp. 155–174.

¹¹⁹ Cf. F. Richard, *Les manuscrits persans d'origine indienne à la Bibliothèque Nationale*, “Revue de la Bibliothèque Nationale”, 19, 6 (1986), pp. 30–46.

¹²⁰ Cf. A. Berthier, *L'art du livre ottoman*, “Arts et métiers du livre”, 163 (1990), pp. 41–47.

¹²¹ Cf. Beit–Arié, *Hebrew Codicology*, pp. 43 et 48–49.



در خصوص سطراندازی نیز این نسخه‌ها متعلق به منطقه تولدو هستند که با نسخه‌های اسلامی غربی شباهت دارند. در نسخه‌های عبری بر روی ورق پوستی، روش سطراندازی با قلم فلزی و نوک سربی («با یک مداد») در تمام حوزه غربی مشاهده شده‌اند. اما فقط نسخه‌های منطقه تولدو اسپانیا، متعلق به نیمه دوم سده ۷ ق/۱۳ م، با روش سطراندازی با قلم فلزی، که در این نسخه‌ها - همواره بر روی یکایک برگ‌ها و نه بر روی چندین برگ با هم، انجام گرفته مطابقت دارد. برخی نسخه‌های عبری متعلق به همین منطقه، به تاریخ آخرین ربع سده ۷ ق/۱۳ م، صفحه به صفحه با مداد سطراندازی شده‌اند. روش اسپانیایی سطراندازی نیز که آدریان کالر (Adriaan Keller) در نسخه‌های خطی ویزیگت (Visigothiques)* بررسی کرده است، با آنچه درباره نسخه‌های عبری - اسلامی و عبری متعلق به تولدو شرح دادیم، متفاوت است.^{۱۲۲}

نوع کتابی که به وسیله قرآن‌های بر روی ورق پوستی متعلق به حوزه مغرب ارائه شده، ظاهراً سرمشقی برای استنساخ کتاب مقدس قرار گرفته که آن نیز در منطقه تولدو مشاهده شده است.^{۱۲۳}

بنابر این به نظر می‌آید که در غرب، تماس میان نسخه‌شناسی اسلامی و عبری، محدود به منطقه تولدو در اسپانیاست. برعکس، دست‌کم در جزوبندی نسخه‌های خطی بر روی ورق پوستی، تفاوتی مشخص با بقیه حوزه غربی مشاهده می‌شود.

در مورد نسخه‌های عبری بر روی کاغذ متعلق به این حوزه، آنها نیز مانند نسخه‌های خطی اسلامی با قلم فلزی بر روی هریک از برگ‌ها، معمولاً در پشت صفحه و بدون اثر سوزن، سطراندازی شده‌اند.^{۱۲۴} در نسخه‌های خطی عبری مغربی بر روی کاغذ، جزوها اکثراً از ۶ تا ۸ دوبرگی تشکیل شده‌اند؛ اما جزوهای حاوی ۴، ۵، ۷، ۱۰، ۱۲، و به ندرت ۱۴ دوبرگی، نیز مشاهده گردیده‌اند.^{۱۲۵}

این تنوع در جزوبندی با وضعیتی که در نسخه‌های عبری با منشأ اسپانیایی مشاهده شد مطابقت دارد، اما با داده‌های به دست آمده درباره نسخه‌های شمال آفریقایی که - دست‌کم در خصوص نسخه‌های قرآنی - متداول‌ترین نوع جزوهایی

است که دیده شده‌اند و به نظر می‌رسد پنج برگی هستند، مطابقت ندارد (نک: بالا).

برعکس، در شرق به نظر می‌رسد داده‌های به دست آمده از نسخه‌شناسی عبری با داده‌های برآمده از نسخه‌های اسلامی بیشتر مطابقت دارد. در واقع، از نظر جزوبندی، نسخه‌های عبری - اعم از آنکه بر روی ورق پوستی یا بر روی کاغذ باشند - به جز چند استثنا، از جزوهای پنج برگی درست شده‌اند؛ در حالی که نسخه‌های منشأ گرفته از ایران و ازبکستان از جزوهای چهار برگی تشکیل شده‌اند.^{۱۲۶} به علاوه، سطراندازی در نسخه‌های خطی عبری بر روی کاغذ، با استفاده از مسطر، معمولاً بر روی پشت هر برگ انجام شده است. این روش قبلاً در نسخه‌های عبری که در مصر، بین سال‌های ۵۷۷ ق/۱۱۸۱ م تا ۶۰۱ ق/۱۲۰۴ م نوشته شده‌اند و نیز در نسخه دیگری مورخ ۵۹۹ ق/۱۲۰۲ م در بارکا (Barca) مشاهده گردیده است. گاهی نیز نسخه‌های خطی عبری بر روی کاغذ با قلم فلزی سطراندازی شده‌اند.^{۱۲۷}

به این ترتیب، ساخت نسخه‌های خطی اسلامی نقاط تشابه و نیز تفاوت بسیاری با تولید نسخه‌های خطی عبری دارد. نسخه‌های خطی عبری در حقیقت عناصر بسیار مهمی را برای مقایسه در اختیار می‌گذارند. همچنین توجه به زمینه‌های مقایسه‌ای دیگر نیز حائز اهمیت است. بدین قرار، دلیل استفاده مستمر از ورق پوستی در غرب مسلمان را می‌توان بر پایه ارتباط با غرب لاتینی توجیه کرد؛ این موضوع علت رعایت قاعده «گرگوری» را در این نسخه‌ها نیز توضیح می‌دهد که برعکس در شرق، (به جز نسخه‌های تولید شده در محیط‌های مسیحی) رعایت نشده است. همچنین علت وجود سطراندازی رنگی در چند نسخه خطی عبری در اسپانیا را می‌توان نه تنها ادامه حیات روشی که قبلاً در قدیمی‌ترین قرآن‌های خطی مشاهده گردیده، بلکه نفوذ سطراندازی رنگی موجود در نسخه‌های خطی لاتینی دانست.

به هر صورت، فرضیه وجود وحدت واقعی در تولید نسخه‌های خطی در قلمرو اسلامی - دست‌کم در حال حاضر - به نظر موجه می‌آید و امکان توجیه برخی پدیده‌ها را فراهم می‌آورد.

* اقوام ژرمن که بین سده‌های ۴-۶ م در جنوب غرب فرانسه، کوه‌های پیرنه و شمال غربی اسپانیا مستقر شدند. (مترجم).

122 Keller, *Le système espagnol de réglure*.

123 Cf. L. Avrin, *Micrography as Art*, Paris - Jerusalem 1981, pp. 48-49, Pl. 23 et 39.

124 Ibid, p. 85

125 Ibid, pp. 41-49.

126 Ibid, p. 48.

127 Ibid, p. 86.



واژه‌نامه

فارسی – فرانسوی

Quinio	جزو ده برگی	Or	آب طلا
Quaternio	جزو هشت برگی	Decore	آرایه
Ternion	جزو شش برگی	Instrument	ابزار
Sewion	جزو دوازده برگی	Piqûr eterner (abaeterno)	اثر سوزن
Reliure	جلد	Hauteur de la ligne décriture	ارتفاع سطر نوشتار
Biais	چلیپا	Transcription	استنساخ
Polygonal	چند گوشه (شکل هندسی)	Documentaire	اسناد
Quadrangulaire	چهار گوشه (شکل هندسی)	Modules géométriques	اشکال هندسی
Marge	حاشیه	Dicritique	اعراب
Marge extérieure	حاشیه بیرونی	Colophon	انجامه
Lettres	حروف	Terminus ante quem	انجامه پیش از انجام
Écriture Cursive	خط تحریری	Justification	اندازه نوشته
Micrographie	ریزنویسی	Reconstitué	بازسازی شده
Lignes verticaes	خط‌های عمودی	Rognage	برش
Calligraphie	خوشنویس	Feuille	برگ
Données	داده‌ها	Fichier	برگه‌دان
Orthoepiques	درست خوانی	Marron	بلوطی (رنگ)
Manuscrit	دست‌نوشته	Support	بوم خط
Cohier	جزو	Oblong horizontal	بیاضی
Bifeuille	دو برگی	Fragment	پاره‌نسخه
Signature	رقم (جزوها)	Papyrus	پاپیروس
Reclame	رکابه	Verso	پشت (برگ)
Ocre	رنگ زرد (گِل اُخرا)	Parchemin	پوست
Technique	روش	Module de l'écriture	پهنای قلم
Recto	روی (برگ)	Confection de manuscrit	تدوین نسخه خطی
Chrysographie	زرنگاری	Decore	تزئینات
Zig-zag	زیگزاگ (نوشتن)	Ornamental	تزئینی
Confection	ساخت (نسخه خطی)	Amulette	تعویذ
Fabrication matérielle	ساخت ظاهری	Gloses dans les marges	توضیحات درون حاشیه‌ها
Datation	سالیابی	Production de manuscrite	تولید نسخه خطی
Vert	سبز	Vergures	ته خط افقی
Colone	ستون	Fil de chainette	ته خط عمودی
En Colonne	ستون‌بندی	Filigrane	ته‌نقش
Légend de chapitre	سرفصل	Confection	تهیه (نسخه خطی)
Rubrique	سرفصل	Encadre	جدول
Frontispice	سرلوح	Encadrement linéaire	جدول خطی
Surface d'écriture	سطح نوشته	Encadrement	جدول‌کشی
Ligne	سطر (نوشته)	Cahier	جزو
Réglure	سطراندازی	Composition des cahiers	جزو‌بندی



Livre	کتاب	Le côté poil	سمت رُخ (جزو)
Fabrication de livre	کتاب‌سازی	Codex	شکل کتاب (مصحف)
Épigraphe	کتیبه‌نگاری	Figures géométriques	شکل‌های هندسی
Base de ligne	کرسی خط	Médailon	شمسه
Filet	کمند	Cannelure	شیار (بین ستون‌ها)
Paléographie	کهن خط‌شناسی	Page	صفحه
Fonds	گنجینه	Mise en page	صفحه‌آرایی
Tablette	لوح	Complicé (mise en page)	صفحه‌آرایی پیچیده
Losange	لوزی	Complexe (mise en page)	صفحه‌آرایی مختلط
Texte	متن	Double_page initiale	صفحه مزدوج آغازین
Écritures	متون مذهبی	Double_page finale	صفحه مزدوج پایانی
Mine de plomb	مداد	Modules géométriques	طرح‌های هندسی
Enluminé	مذهب	Or	طلا
Encre	مرکب	Talisman	طلسم
Encre argentée	مرکب نقره‌ای	Rouleau	طومار
Régler	مسطر	Culture manuscrite	فرهنگ نسخه‌نویسی
A peinture	مصور	Chapitre	فصل
Recension	مقابله	Technique	فن
Ecole	مکتب	Cadre	قاب
Adjonctions	ملحقات	Cartouche	قاب تزئینی
En biais	مورّب	Cadre ornamental	قاب زینتی
Copiste	نسخه‌بردار	Lecture	قرائت
Transcription	نسخه‌برداری	Rouge	قرمز
Copie de livres	نسخه‌برداری از کتاب	Carmin	قرمز جگری
Manuscrit	نسخه خطی	Format	قطع
Codicologie	نسخه‌شناسی	Format oblong horizontal	قطع بیاضی
Codicologie islamique	نسخه‌شناسی اسلامی	Format carré	قطع خشتی
Codicologie comparée	نسخه‌شناسی تطبیقی	Calame	قلم
Copiste	نسخه‌نویس	Pointe sèche	قلم فلزی
Signes diacritiques	نشانه‌های اعراب	Brun	قهوه‌ای
Signes orthoépiques	نشانه‌های درست‌خوانی	Copiste	کاتب
Argent	نقره	Copiste de profession	کاتب حرفه‌ای
Réglure	نقش مسطر	Matériel	کارمایه
Pictographie	نقش‌نگاری	Papier	کاغذ
Decore	نقش و نگار	Papier marbré	کاغذ آبری
Bande	نوار	Papier avec fils de chaînette regroupés	کاغذ با ته خط‌های عمودی نزدیک به هم
Scriptoria	نوشتارخانه	Papier non filigrané	کاغذ بدون ته‌نقش
Ecriture en or	نوشتن با آب طلا	Papier sans signe du zig-zag	کاغذ بدون نشانه موج
Indigo	نیلی	Papier filigrané	کاغذ ته‌نقش‌دار
Feuillet	ورق	Papier parsemé de points d'or	کاغذ زرافشان
Parchemin	ورق پوستی	Papier avec zig-zag	کاغذ موج‌دار
Note / Notation	یادداشت		



En Colonnes	ستون‌بندی	Adjonctions	ملحقات
Encadre	جدول	Amulette	تعویذ
Encadrement	جدول‌کشی	A Peinture	مصور
Encadrement linéaire	جدول خطی	Argent	نقره
Encre	مرکب	Bande	نوار
Encre argentée	مرکب نقره‌ای	Base de la ligne	کرسی خط
Enluminé	مذهب	Biais	چلیپا / مورب
Épigraphe	کتیبه‌نگاری	Bifeuillet	دو برگگی
Fabrication matérielle	ساخت ظاهری	Brun	قهوه‌ای
Fabrication du livre	کتاب‌سازی	Cadre	قاب
Feuillet	برگ / ورق	Cadre ornamental	قاب زینتی
Fichier	برگه‌دان	Calame	قلم
Figures géométriques	شکل‌های هندسی	Calligraphie	خوشنویس
Fil de chaînette	ته‌خط عمودی	Cannelure	شیار (بین ستون‌ها)
Filet	کمند	Carmin	قرمز جگری
Filigrane	ته‌نقش	Cartouche	قاب تزئینی
Fonds	گنجینه	Cahier	جزو
Format	قطع	Chapitre	فصل
Format carré	قطع خشتی	Chrysographie	زرنگاری
Format oblong horizontal	قطع بیاضی	Codex	شکل کتاب (مصحف)
Fragment	پاره نسخه	Codicologie	نسخه‌شناسی
Frontispice	سرلوح	Codicologie comparée	نسخه‌شناسی تطبیقی
Gloses dans les marges	توضیحات درون حاشیه‌ها	Codicologie islamique	نسخه‌شناسی اسلامی
Hauteur de la ligne d'écriture	ارتفاع سطر نوشتار	Colone	ستون
Indigo	نیلی	Colophon	انجامه
Instrument	ابزار	Complexe (mise en page)	صفحه‌آرایی مختلط
Justification	اندازه نوشته	Complicqué (mise en page)	صفحه‌آرایی پیچیده
Le côté poil	سمت رخ (جزو)	Composition des cahiers	جزو‌بندی
Lecture	قرائت	Confection de manuscrite	تدوین نسخه‌ی خطی
Ligne	سطر (نوشته)	Copie de livre	نسخه‌برداری از کتاب
Lignes verticaes	خط‌های عمودی	Copiste	کاتب / نسخه‌بردار / نسخه‌نویس
Livre	کتاب	Copiste de profession	کاتب حرفه‌ای
Légend de chapitre	سرفصل	Culture manuscrite	فرهنگ نسخه‌نویسی
Lettres	حروف	Datation	سالیابی
Losange	لوزی	Decore	آرایه / تزئینات / نقش و نگار
Manuscrit	دست‌نوشته / نسخه خطی	Dicritique	اعراب
Marge	حاشیه	Documentaires	اسناد
Marge extérieure	حاشیه بیرونی	Données	داده‌ها
Marron	بلوطی (رنگ)	Double_page finale	صفحه مزدوج انتهای کتاب
Matériel	کارمایه	Double_page initiale	صفحه مزدوج آغاز کتاب
Micrographie	ریزنویسی	Ecole	مکتب
Mine de plomb	مداد	Ecrites	متون مذهبی
		Écriture Cursive	خط تحریری
		Ecriture en Or	نوشتن با آب طلا



Quaternion	جزو هشت برگی	Mise en page	صفحه‌آرایی
Quinion	جزو ده برگی	Module de l'écriture	پهنای قلم
Recension	مقابلله	Modules géométriques	اشکال هندسی
Reclame	رکابه	Modules géométriques	طرح‌های هندسی
Reconstitué	بازسازی شده	Médailion	شمسه
Recto	روی (برگ)	Note / Notation	یادداشت
Régler	بستن (؟) (فعل)	Oblong horizontal	بیاضی
Réglure	سطراندازی / نقش مسطر	Ocre	رنگ زرد (گل‌آخرا)
Replier	جلد	Or	آب طلا / طلا
Rognage	برش	Ornamental	تزئینی
Rouge	قرمز	Orthoepiques	درست خوانی
Rouleau	طومار	Page	صفحه
Rubrique	سرفصل	Paléographie	کهن خط‌شناسی
Scriptoria	نوشتارخانه	Papier	کاغذ
Senion	جزو دوازده برگی	Papier avec fils de chaînette regroupés	کاغذ با ته خط‌های عمودی نزدیک به هم
Signature	رقم (جزوها)	Papier avec zig-zag	کاغذ موج‌دار
Signes diacritiques	نشانه‌های اعراب	Papier filigrané	کاغذ ته‌نقش‌دار
Signes orthoépiques	نشانه‌های درست‌خوانی	Papier marbré	کاغذ آبری
Support	بوم خط	Papier non filigrané	کاغذ بدون ته‌نقش
Surface d'écriture	سطح نوشته	Papier parsemé de points d'or	کاغذ زرافشان
Tablette	لوح	Papier sans signe du zig-zag	کاغذ بدون نشانه موج
Talisman	طلسم	Parchemin	پوست / ورق پوستی
Technique	روش / فن	Papyrus	پاپیروس
Terminus ante quem	انجامه پیش از انجام	Pencil	مداد
Ternion	جزو سه برگی	Pictographie	نقش‌نگاری
Texte	متن	Piqûr	اثر سوزن
Transcription	استنساخ / نسخه‌برداری	Pointe sèche	قلم فلزی
Vergures	ته خط افقی	Polygonal	چند گوشه (شکل هندسی)
Verso	پشت (برگ)	Production de manuscrite	تولید نسخه خطی
Vert	سبز	Quadrangulaire	چهار گوشه (شکل هندسی)
Zig-zag	زیگزاگ (نوشتن)		